امت

وَکَذٰلِکَ جَعَلْنٰاکُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَی النّٰاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ — سال دوم شماره ۵۷ — بها ۲۰ ریال

بازهم هشدار به ملت قهرمان ایران

هواپیماهای دشمن در آسمان ایران چه میکنند؟

در چند شب گذشته تابع شده است که هواپیماهای شناسائی امریکا برآسمان تهران هم ظاهر شده و بفعالیت پرداخته‌اند. پروازهای شناسائی و جاسوسی هواپیماهای دشمن در سایر نقاط و مراکز حساس نظامی و بندری هم گزارش شده

بقیه در صفحه ۶

جنبش تنباکو وپیروزی زودگذر مردم

۵۰ سال حکومت ننگین ناصرالدین شاه تاریکترین صفحات تاریخ سیطره جابرانه شاهنشاهان را رقم زده است.

۵۰ سال خیانت و وطن‌فروشی و عیاشی، ۵۰ سال در خدمت استعمار روس و انگلیس و قلدری و خودکامگی و استبداد برای توده های مردم.

برای توده‌های مردمی که سالیان سال خشم

بقیه در صفحه ۱۲

مجلس چه خواهد کرد؟!

مقدمات یک ضربه خطرناک برانقلاب فراهم می شود

● قدرت فی‌نفسه فساد میاورد، همچنانکه ثروت عامل انحراف و فسادکاری است ـ باید از تمرکز هر دو جلوگیری شود، تنها با نصیحت نمی‌شود از انباشته شدن ثروت و قدرت ممانعت کرده نظام اجتماعی باید بنحوی باشد که اجازه چنین تمرکز و انحصاری را ندهد.

با خاتمه انتخابات مجلس و تعیین نمایندگان، نهاد تازه‌ای در عصر انقلاب تشکیل می‌شود. صرفنظر از ترکیب نمایندگان، افتتاح مجلس به خودی خود روی اوضاع کشور تاثیر می‌گذارد. در حقیقت قوه دیگری از قوای سه‌گانه پا به عرصه می‌گذارد که باید به حساب آید. شاید با آگاهی محدودی که از ماهیت و طرز فکر نمایندگان در دست است، نشود با دقت درباره طرز کار و جهت‌گیریهای آنان صحبت کرد. اما یک چیز مسلم است که "کرسیهای اولین مجلس بعد از انقلاب را جز اقلیت معدودی، کسانی اشغال کردند که نقشی و سهمی در مبارزه علیه رژیم نداشته و به تعبیر مرحوم آیت‌الله طالقانی انقلابیون بعد از انقلاب و مسلمین بعد از فتح می‌باشند".

یک عامل صددرصد موثر برای انتخاب شدن به نمایندگی مجلس تبعیت بی‌چون و چرا از روحانیون ذی‌نفوذ و تسلیم و موافقت و تائید مطلق از تصمیمات و اقدامات مسئولان بعد از انقلاب بود. به عبارت دیگر معیار وفاداری به انقلاب و اسلام تظاهر و تائید ظاهری بود نه ماهیت و عملکرد، شکل بود نه محتوا! حتی در میان کسانی که با آراء عظیم مردم به مجلس راه‌یافتند اشخاصی هستند که در طول سالهای دراز حکومت شاه همیشه دارای پستهای خوب و نان و آب‌دار و منزلت و موقعیت بوده، از اسلام و مبارزه و جهاد با رژیم جلسات روضه یا بحث و سخنرانی و دعای شبها و یا صحبتهای جمعه‌شان رویرا ه‌بوده است.

اعضای روحانی شورای انقلاب و دیگر رهبران روحانی در شهرها که نظرشان در معرفی و واگذاری پست و مقام به‌اشخاص و انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شرط اصلی بشمار می‌رفت، از این معیار بطور

بقیه در صفحه ۲

«فلسطین پاره تن مستضعفان جهان»

(بمناسبت آغاز سی و سومین سال اشغال فلسطین)

من هم ای برادر و همرزم و همسنگر فلسطینی ام از زبان تو می گویم که به توده ها، به "شعب" به امت، به امنی رنجدیده و قربانی توطئه ها ایمان آوردم و برای برادرم از "نابلس" و "رام‌الله" و "دیرباسین" و "قدس" و سرزمین به فریاد آمده در زیر چکمه های امپریالیسم و صهیونیسم گفتی که "رشاشه"ات‌را بدوش جوانی کشید، تا تک تک فرزندان امتت حس کنند و من هم راهی جز این پیش پای خود ندیدم و نمی‌بینم چرا که دشمنی مکار و حیله گر و تا دندان مسلح، بیداری من و تو را پایانی به سلطه و سیطره جهانی خود میدانند و رهایمان‌نخواهد ساخت گفتی که زخمهای تن ات را در معبر و گذرگاههای دیگر برادران و خواهران ات بسوی فلسطین‌چون گل بوته هائی بسرخی شفق جوانه کسرانند و چنین کردی. از نام فلسطین حماسه‌ای سرودی و بر زبان همه مستضعفان جهان جاری ساختی تا سرود رهائی، سرود مقاومت و شهادت، سرودی که با طنین قلب همه‌ی خلقهای بپا خاسته جهان نواخته میشود. برادرم، من و تو درآن سال‌وحشت‌و خیانت و سازش برپاره تمان فلسطین عزیز، خردسال بودیم و از زبان پدران و مادران و برادران وخواهران بزرگمان شنیدیم که چگونه فلسطین در فلسطین بجای مانده است.

من و تو، درآغاز باورمان نیامد وگفتیم مگر میشودملتی وامتی را این چنین از سرزمین و خانه و کاشانه آواره و سرگردان چادرهای گوشه و کنار جهان‌کنند، گفتیم پس وجدان جهانی؟! پس حقوق بشر؟! حق حاکمیت ملت ها؟! اما چه زود ایمان آوردیم که دشمن ما امپریالیسم وصهیونیسم و سرمایه داری جهانی تنها زبان "رشاشه" ما رامی فهمد، ایمان آوردیم که تا دژ سرمایه داری جهانی را فرو نریزیم" امت

بقیه در صفحه ۱۰

برادرکشی درکردستان نقطه امیدامپریالیسم

در شرایطی که فاجعه جنگ کردستان روزانه دهها نفر از سرباز و پاسدار و کرد را بخاک و خون می‌غلطاند و جون کارد بر پهلوی انقلاب ایران فرو می‌رود و نقطه امید امپریالیسم برای ضربه‌زدن بر استقلال ما شده است، و در شرایطی که محاصره اقتصادی آمریکا و توطئه‌های همه روزه عناصر و جریانهای داخلی و وابسته به آن افزایش می‌یابد، اتحاد توده‌های مردم برای مقابله و رویارویی با امپریالیسم ضرورت تام و تمام دارد.

در شرایط موجودکه‌درگیریهای‌کردستان بیش از همه به سود امپریالیسم و جنگ ـ افروزان و فرصت‌طلبان و به ضرر توده‌های ستمدیده است لازم است مسئولین امور با واقع‌بینی با مسائل کردستان برخورد نمایند. به همین دلیل آغاز مذاکرات جدی و پیگیرانه و هدفدار برای ایجاد آرامش در کردستان بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب و شرایط پیشنهادی زیر را توصیه می‌کنیم:

۱ ـ نیروهای درگیر در جنگ کردستان باید بدانند که برخوردهای فعلی الزاما" به ریشه‌کن شدن پایگاههای امپریالیزم از جمله فئودالها در کردستان نخواهد انجامید و مبارزه ضدامپریالیستی تنها در چارچوب وحدت درون‌خلقی و ضمن برخورد با سرمایه‌داری وابسته در سطح ملی و نه در یک منطقه خاص و با توجه به شرایط ذهنی توده‌ها امکانپذیر است. به همین دلیل ضروری است که با واقع‌بینی و درک شرایط موجود به تشدید مبارزات مسلحانه اقدام ننموده و از هرنوع برخورد قهرآمیز احتراز و از مذاکرات بطور جدی حمایت نمایند و بدینوسیله راه را بر نفوذ و توطئه‌های بیشمار امپریالیسم ببندند.

۲ ـ به اعتقاد ما دولت باید برای اثبات حسن نیت خود و به منظور جلب اعتماد توده مردم کرد، نمایندگان منتخب آنان در دور اول انتخابات را به مجلس دعوت نموده وآنان را نمایندگان واقعی خلق کرد تلقی نماید و با همکاری آنان بر اساس شرایط زیر با نمایندگان مردم کردستان به مذاکره بنشیند:

الف ـ تاکید بر تمامیت ارضی کشور و وحدت ملت در چهارچوب جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۱۱

مباحث ایدئولوژیک

دکتر حبیب‌الله پیمان

انقلاب در پرتو مکتب

(۱۰)

سنتها در تاریخ

● سنت الهی اصالت را به‌انسان و عامل درونی می‌دهد و محیط و عوامل خارجی را زمینه بروز و جلوه عوامل و محرکهای درونی معرفی می‌کند

بعضی همه بدبختی هارا به گردن روزگار و دست عوامل طبیعی ویا سرنوشت کور می‌ـ اندازند، همه این پندارها نشانه ای است از تفکر اصالت دادن به برون بجای اصالت دادن به درون، این نحوه فکر با قضیه مسئولیت انسان بویژه از دیدگاه توحیدی کاملا" مغایرست زیرا اگر سرنوشت را عوامل خارجی تعیین میکنند و بدبختی و خوشبختی، گناه و صواب همه از اراده فرد خارج است ـ دراینصورت چرا باید مردم رامسئول شناخت؟

امروزه هم کم نیستند کسانی که رفتار اخلاقی، زندگی اجتماعی خود را یکسره تابع شرایط محیط خارجی‌میکنند وکوچکترین مسئولیتی در این زمینه برای خود قائل نیستند.

یا در برخورد با مسائل اجتماعی، با افرادی روبرو میشویم که تغییر شرایط‌جامعه را موکول به تغییر در شرایط جهانی و بخصوص قدرتهای مسلط میدانند، و به روابط درونی جامعه اهمیت‌نمیدهند ـ مثلا" بودند کسانی که آزادی ملت‌و تغییر سیستم سیاسی جامعه راموکول به این می ـ دیدند که در سیاست امریکاو سایر قدرتهای بزرگ جهانی ـ تغییری رخ دهد ـ و هنوز هم اینگونه افراد تغییر رئیس جمهور امریکا و شکست‌وپیروزی این حزب یا آن حزب حاکم را برای جامعه ایران سرنوشت ساز قلمداد میکنند و همه فعالیتها و معادلات سیاسی خود را منطبق بر تغییرات در سیاستهای ابر قدرت هاتنظیم می نمایند. قرآن با این طرزفکر بشدت مبارزه میکند ـ سنت الهی اصالت را به انسان و به عامل درونی میدهد و محیط و عوامل خارجی را زمینه بروز وجلوه عوامل و محرکهای درونی معرفی میکند. در آیه فوق ـ خداوند می‌ـ فرماید علت سقوط جامعه شما ستمگری بعضی بر بعضی دیگر است ـ بی جهت آنرا به خدا نسبت ندهید که خدا برکسی ظلم نمیکند.

بقیه در صفحه ۸

آمریکا، ژنرالهای ارتش شاه، سازشکاران

و تدارک توطئه در آستانه قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷

دموکراتهاو جمهوریخواهان دست‌دردست یکدیگر همراه با کسینجر ـ جرج بال و جاکوب جاویتس و... بر گرد یک میز نشستند و تصمیم گرفتند بار دیگر رژیم شاه خائن‌را بیازمایند و بازهای بیناگون به نگابو افتادند طرح جرج بال این کهنه سیاست پیشه دژ سرمایه داری جهانی مورد موافقت قرار گرفت‌و حکومت نظامی ازهاری که جزئی از طرح جرج بال بود سرکار آمد. قابل توجه است که نمودهائی از این طرح بطور ناقص و متناوب از ابتدای‌نهضت‌در گوشه وکنار ایران بخوبی بچشم میخورد ـ بطور مثال کشتار ۱۷ دی ماه ۵۶ آتش سوزی (آدم سوزان سینما رکس‌آبادان) ـ کشتار جمعه سیاه (۱۷ شهریور۵۷) کشتار ۱۳ آبان دانشگاه که کشتا راخیر زمینه‌ای برای اجرای‌کامل این طرح بوسیله ازهاری و حامیان اوبود. جناحی از ارتش که تنها راه خاموش کردن صدای خلق ایران را در سرکوب میدانستند پیرو این طرح بودند سردمداران این جناح از ارتش اویسی ـ ازهاری ـ رحیمی ـ بدره‌ای ـ خسروداد ـ نشاط و... بودند. برای روشن شدن موضوع به سخنان چند تن از افراد این جناح دقت کنید... (۱۹ دی ۵۷ کیهان) پاریس ـ خبرگزاری فرانسه ـ خبرنگار فیگارو. خسروداد فرمانده هوانیروز ایران: در این لحظه موضوع رفتن اعلیحضرت همایونی حتی برای گذراندن تعطیلات هم مطرح نیست زیار اگر ایشان بروند کمونیست ها برکشور دست خواهند یافت و ارتش این را هیچوقت نخواهد پذیرفت. ارتش رژیمی را نخواهد پذیرفت که شاپور بختیار یا یکی از شخصیت های جبهه ملی آنرا اداره کند ـ ارتش‌شاه رامی خواهد بخاطر منافع کشور واگر بختیار مانع خروج اعلیحضرت همایونی‌نشود قبر خودش‌را کنده است..) به سخنان یکی دیگر از هواداران این طرح دقت کنید.

۵۷/۱۱/۴ کیهان ـ تهران ـ رویتر ـ اسوشیتدپرس

کارد جاویدان شاهنشاهی با به نمایش گذاشتن تانکها ـ توپها و ضد هوائی و کوماندوهای ضربتی خود برای خبرنگاران خارجی دیروز تاءکید کرده که تا آخرین قطره‌خون خود را برای حفظ شاه ـ نظام پادشاهی و دولت‌غیر نظامی خواهد

بقیه در صفحه ۷

گزارشی ازشورای طرح های وابسته به دانشگاه شیراز ـ شرکت چکش

شرکت چکش در اغلب شهرهای ایران از جمله تهران، اصفهان، بوشهر و شیراز دارای شعباتی است.

شعبه شرکت مذکور در شیراز که در زمان انقلاب تعطیل شده بود، بعد از انقلاب تا آبانماه سال ۵۸ نیز بعلت عدم تمایل رئیس شرکت بصورت‌نیمه‌تعطیل‌بکار مشغول بود و با وجود علاقه و تمایل مجری طرح "دانشگاه شیراز" بماتمام پروژه در دست تهیه که طرح بیمارستان می‌باشد و بسیار هم مورد نیاز می‌باشد، رئیس‌شرکت زیر بار شروع و پی‌گیری جدی نمی‌رفت. در آبانماه ۵۸ تعداد ۱۰۰ نفر از کارگران قدیمی شرکت که در دوران انقلاب اخراج شده بودند، با مراجعات متعدد خود به شرکت و بردن شکایت نزد مراجع و مقامات مسئول، خواستار شروع مجدد بکار شدند و در تاریخ ۱۱ آبان برای شروع بکار به شرکت آمدند و بدنبال این موضوع اولین مجمع‌عمومی تشکیل گردید و در همین مجمع ۱۱ نفر را به عنوان شورای موقت انتخاب نمودند.

این شورا کار خود را با کوشش و جدیت جهت بازگرداندن و استخدام کارگران قدیمی بیکار شروع نمود و در ظرف دو هفته ۲۰۰ نفر از کارگران را به سرکاربازگردانید.

پس از یکماه سومین مجمع‌عمومی برگزار گردید و با انتخاباتی که صورت گرفت، ۱۵ نفر از میان حرفه‌های گوناگون انتخاب شدند که از بین آنان ۹ نفر بعنوان اعضاء اصلی شورا تعیین گردیدند.

بعلت وضعیت نامناسبی که دامن‌گیر کارگران بود و آنان شدیدا" تحت ظلم و ستم کارفرما قرار داشتند شورا اولویت را جهت کسب حقوق ازدست رفته آنان قرار داد و در زمینه کسب حقوق صنفی و تامین امکانات رفاهی کارگران اقدامات زیر را انجام داد:

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه اول

کامل پیروی کردند و هر کس را صرفنظر از سوابق مبارزاتی و درجه خلوص و صداقت و ایمان و تقوی، همینقدر که هویتی مستقل نداشت و تسلیم و مطیع و یا بدان تظاهر می‌کرد، تائید می‌کردند. دلیلش هم اینست که مردم غالبا کمترین‌شناختی نسبت به این اشخاص نداشتند و یا هنوز هم ندارند. بعضی حتی در طول انقلاب در کشور و در میان مردم نبودند و یا اگر در ایران بودند، مصداق وجود حاضر و غایب داشتند که با غائبین از مملکت از لحاظ مشارکت در مبارزه و قبول تعهد و مسئولیت در یک ردیف قرار می‌گیرند. اگر به سوابق مبارزاتی بسیاری از آنان که در جراید برای معرفی‌و تبلیغ درج می‌شد، رجوع کنید با اوصافی از این قبیل روبرو می‌شدید که مثلا" ۱ ـ در تاریخ . . . متولد شده، ۲ ـ در تاریخ . . . فارغ‌التحصیل، ۳ و چون در کنکور موفق نگردیده ناچار از ترک وطن‌و هجرت! به غربت در فرنگ، ۴ طی سالها اقامت اجباری! در اروپا، امریکا

● محاکمه گروگانها و رسیدگی به‌اقدامات جاسوسی آنان و نیز سایر جنایاتی که مأموران امریکا در ایران بعمل آورده‌اند و تبدیل آن به‌یک محاکمه جهانی امپریالیسم وظیفه فوری دیگر مجلس است.

موفق به دریافت مدارک خوب و ممتاز در رشته‌های علمی و فنی می‌شود، ۵ ـ سرانجام به وطن‌مراجعت و داوطلب خدمت در راه جمهوری‌اسلامی می‌شود. در مدت اقامت دور از وطن صاحب چند اولاد میشوند. پس از انقلاب هم در پستهای علمی و اداری خود صادقانه خدمت می‌کنندو . . .

اگر روزی آدم خوش‌ذوق و پرحوصله‌ای به بررسی دقیق شخصیت، سوابق و عملکرد انقلابی و مبارزاتی انقلابیون بعد از انقلاب بپردازد و آنرا برای نسلهای آینده و محققین و مورخین‌که در سالهای بعد در باره انقلاب و رهبران انقلاب به تحقیق خواهند پرداخت، بیادگار بگذارد، مسلما" خدمت بزرگی به تاریخ ایران کرده‌است. زیرا در غیراینصورت، این سوابق درخشان و سراسر مبارزه و جهاد، فداکاری و شکنجه و زندان، انقلابیون بعد از فتح فراموش می‌شود و آیندگان از اطلاع بر آن بی‌نصیب و محروم می‌مانند. اما اگر امروز مردم شناختی ازاین افراد ندارند، وعظمت وجودیشان را درک نمی‌کنند، در چند سال بعد که محصلین، تاریخ انقلاب ایران را در کتابهای درسی‌شان می‌خوانند، با شخصیتهای عظیم و اسرارآمیزی روبرو می‌شوند که چون سایر قهرمانان انقلاب در طول تاریخ به انجام یک معجزه بزرگ موفق شده‌اند.

اگر اینکار هیچ نفعی در بر نداشته باشد، این امتیاز و حسن را دارد که صفحات تاریخ را که قادر نیست نام قهرمانان واقعی و بی‌نام و نشان انقلاب را ثبت کند و اصولا" چنانکه معمول است آن توده‌های چند میلیونی و جوانان گمنام و جان بر کف را نه می‌شناسد و نه اسم خواهد برد در عوض‌نام‌این‌دون‌کیشوتهای وطنی و صاحب عناوین را بلافاصله در پشت نام رهبر انقلاب ایران خواهد نوشت.

* * *

ترکیب مجلس اول جمهوری اسلامی ایران با اولین مشروطه از بعضی لحاظ با هم شباهتهائی دارد و از جمله اینکه بهرحال چون‌اولین آزمایش و انتخابات بعد از انقلاب است و نفوذ مردم تاحدودی پابرجا، نمایندگانی هم از ردیف کسانی که بترتیبی در گذشته و حال برای‌انقلاب دل سوزاندند وصمیمیت نشان دادند و در راه پیروزیش تلاش و فداکاری کردند به خود راه داد ولی در ادوار بعد، همین تعداد اندک اشخاص مبارز هم از ورود به مجالس ادوار مشروطه محروم شدند و مجالس ما یکسره محل اجتماع اشراف، مالکان و زمین‌داران و متنفذین و صاحبان منصب و مقام شد.

در مشروطیت نیز عنوان و مقام و سابقه خدمت در دستگاههای دولتی و کشیدن القابی چون سلطنه، دوله و الملک و داشتن رابطه نزدیک‌با مراکز قدرت، جهت راه‌یافتن به مجلس کفایت می‌کرد. این بار هم اگر به روالی که آغاز شده ادامه یابد در دوره‌های بعد مجلس را تنها دولتمردان و وابستگان به مراکز قدرت و صاحبان عناوین و شهرت ونام پر خواهند کرد. مگر آنکه فضای سیاسی و فکری جامعه برای رشد و ارتقاء سطح آگاهی مکتبی و سیاسی توده‌ها باز بماند و پنجه‌های نیرومند قدرت، همه چیز حتی اندیشه مردم را قبضه نکند ـ مگر آنکه بمردم فرصت داده شود تا آزاد از هر تحمیلی و تلقینی با حقایق و واقعیت‌ها روبرو شوند و به قضاوت وانتخاب‌بنشینند. "فرصت دادن برای اندیشیدن و تشخیص و انتخاب آزاد و اکتفا کردن به ارائه رهنمود و معیار شرط اصلی و ضروری برای بلوغ فکری و سیاسی یک جامعه است.

مجلس در شرایط بسیار حساس و خطیری آماده کار می‌شود ـ با آنچه که در باره ترکیب نمایندگان می‌دانیم و نفوذ گسترده‌ای که عناصر سازشکار و مرتجع در مجلس بدست آورده‌اند، انتظار اقدامات و تصمیمات انقلابی و مکتبی از مجلس دور از واقع بینی است.

از یکطرف تهدیدهای جدی علیه انقلاب را می‌بینیم یعنی دشمن اصلی، امپریالیسم یا شیطان بزرگ را که موذیانه و با تمام قوا و امکانات در کار توطئه علیه انقلاب است، می‌بینیم که بدنبال کشف حمله نظامی، تهدیدهای خود را از سر میگیرد. مقدمات یک ضربه خطرناک بر استقلال ما را فراهم می‌کند. می‌بینیم که مزدوران و عوامل داخلی‌اش نیروهای خود را سازمان می‌دهند و در بسیاری از مراکز اجرائی حساس نفوذ گسترده بدست آورده‌اند. می‌بینیم که غفلت و سهل‌انگاری و نفوذ عناصر ارتجاعی و سازشکار از ابتدای پیروزی در ارگانهای تصمیم‌گیری و اجرائی میدان را برای رخنه عوامل دشمن باز گذاشت، ساواکیها را از زندانها آزاد کردند، بسیاری را بخشیدند و فراری دادند، و از تصفیه ارتش همچنان جلوگیری نمودند و در ادارات و موسسات دولتی بسیاری از ساواکیها به کمک مرتجعین و سازشکاران بکارهای حساس گمارده شدند، سلطه‌این دو جناح بر همه دستگاههای اجرائی، انتظامی‌و اطلاعاتی سبب شد که برای پیشرفت کارشان از عوامل رژیم گذشته کمک بگیرند. وچون انحصار همه قوا و امکانات و بلندگوها را در اختیار خود دارند و همه ارگانهای رهبری مملکت در اشغال و زیر سلطه آنان است. از انعکاس جدی اعتراضات، افشاگریها و هشدارهای افراد و گروههای متعهد جلوگیری می‌کنند و به اینهم اکتفا نکرده، برای خنثی کردن اثر هشدارها و اعتراضات برحق، با همه امکانات خود و با روشها و حیله‌های پلید و شیطانی و خبث‌طینت که خاص نیروهای شیطانی است، حقایق را لوث می‌کنند. و به متهم‌ساختن و برچسب‌زدن به افراد و نیروهای انقلابی‌می‌پردازند تا چهره پاک این مبارزان رانزد خلق آلوده نشان دهند و با دمیدن روح بدبینی و سوءظن بسان خناس، مردم را از حقایق دور نگاهداشتند، همچنان بر خر مراد سواری کنند.

می‌بینیم که علیرغم مشاهده قرائن و دلائل فراوان بر وجود عناصر خائن و مشکوک در قوای انتظامی و دستهایی که در جریان حمله نظامی آمریکا از داخل شرکت داشتند و هشدارهای مکرری از قبل و بعد از آن دادیم و دیگران دادند و حتی مسئولین آگاه سپاه پاسداران داده و می‌دهند، زعمای قوم و دولتمردان یا گوششان بدهکار نیست‌یا مردم را در جریان حقایق نمی‌گذارند. در صورتیکه قبل از هر کس مردم باید بدانند کمتا چه حد می‌توان به فرماندهان ارتش و ماموران و مسئولان اعتماد کرد؟ آیا باید مردم در برابر یک اقدام غیرمنتظره و عمل انجام شده قرار گیرند و صبح چشم باز کنند و ببینند آرزوها و امیدهاشان و ثمره‌خون‌شهیدانشان برباد رفته است"؟

حقایق را به مردم‌بگوئید. اجازه دهید خلق همچنان که بارها صلاحیت خود را ثابت کرده‌است، زمام کار انقلاب را بدست گیرد. و از زندگی خویش، از آزادی و استقلال خود دفاع کند.

می‌بینیم‌که بعد از پانزده ماه نارضایتی ـ ها شدیدتر شده است. سازشکاران و مرتجعین قدرت و نفوذ و امکانات بیشتری کسب کرده‌اند. دولت، مجلس و سایر ارگانها را در دست گرفته‌اند. حلقه محاصره را بر گرد نیروهای اصیل تنگ‌تر می‌کنند، تمایل به تمرکز قدرت در آنان شدید است، اسلام اصیل دگربار زیر پوشش نظام ومناسباتی غیرتوحیدی پنهان می‌شود و اعتبار و ارزش و اصالت آن نزد نسل جوان، خدشه‌دار می‌گردد. کسانی که اسلام را در عملکرد و بینش و کلام این مدعیان می‌بینند دچار یاس می‌شوند. "لبه تیز حملات ارتجاع و سازشکاری متوجه هر اندیشه‌اصیل اسلامی و هر حرکت جدی برای بازگشت به خویشتن اصیل اسلامی ملت است. با کمک لفاظی و مرزبندیهای ذهنی و برچسبهای غیرواقعی، حقایق را مخدوش می‌سازند. استفاده از برچسبهایی چون سنتی، روشنفکر و روشنفکر التقاطی، سیه‌التقاطی، شرقی و غربی و غالبا جدا از موضع درست خود باب روز شده است".

می‌بینیم‌که جبهه داخلی از انسجام لازم در برابر دشمن برخوردار نیست.

می‌بینیم که بحران اقتصادی بیداد میکند و فاجعه میآفریند و محاصره اقتصادی دشمن تنگ‌تر می‌شود. همه این توطئه‌ها در رابطه با یکدیگر صورت می‌گیرد و هدف آن ایجاد یک زمینه روانی مساعد برای یورش و تهاجم جدید و گسترده‌تر نظامی و یا تسریع رشد تمایلات دیکتاتوری و حکومت نظامیان است.

می‌بینیم که به بهانه برقراری امنیت و غلبه بر بحران‌اقتصادی و جنگ داخلی و تشتت و تفرقه گروهها وسیله خوبی بدست کسانی داده است که تمایلات قدرت‌طلبی دارند و شرایط اجتماعی پیش از ظهور رضاخان را بیاد می‌آورد و زمینه‌چینی‌های پیش‌از کودتای ۲۸ مرداد را.

اکنون مجلس در برابر مسئولیتهایی قرار دارد که قانون اساسی برایش تعیین کرده و انتظاراتی که مردم در دل میپرورانند. بطور عمده مجلس با مسایل حیاتی و اساسی زیر روبرو است:

۱ ـ تنظیم و تصویب برنامه مبارزه با امپریالیسم، شورا و دولت تا کنون و بعد از ۱۵ ماه از پیروزی ۲۲ بهمن و با وجود حوادثی نظیر اشغال سفارت، قطع رابطه، حمله نظامی، هنوز برنامه مشخصی برای مبارزه با امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن ارائه نداده و بمرحله اجرا نگذاشته‌اند.

اگر اولین و مهمترین‌هدف انقلاب بعد از نفی استبداد شاه، تامین‌استقلال بود بر مجلس است که‌خطوط اصلی آزاد شدن از سلطه‌اقتصادی ـ نظامی و فرهنگی را بدقت تعیین کند. اعلام کند که با سرمایه‌داری وابسته، این زالوی امپریالیسم که سالها خون‌ملت را مکیده و هنوز هم خرطومش بر رگهای منابع و مراکز تولیدو توده‌های کارگر چسبیده است‌چه خواهد کرد؟ آیا هم‌چنان که در اینمدت رفتار شد، سرمایه‌داران یک یک تطهیر و حمایت شده در راس کارخانجات و مراکز تولیدی گمارده خواهند شد یا کار بدست مردم و تولیدکنندگان سپرده می‌شود؟ مجلس در همین زمینه موظف است خطوط مبارزه با نهادهای استبدادی‌و استعماری را در دستگاههای اداری، ارتش و شرکت نفت مشخص کند. تغییر بنیادی نظام و فرهنگ استعماری و قطع کامل وابستگیها باید در صدر برنامه‌ها و وظایف مجلس قرار گیرد.

۲ ـ اقدام فوری به طرح و تدوین و تصویب متمم قانون اساسی بنحوی که نقائص و ضعفهای مکتبی این قانون‌از بین برود. ابهامات و اشکالاتی که در اصولی اساسی چون مالکیتهای صنفی و کار و استثمار و دفاع شوراها و حاکمیت مردم وجود دارد، بدون تردید راه را برای حاکمیت‌عناصر و نیروهای قدرت‌طلب و سرمایه‌دار باز می‌گذارد و مردم را از دو حق اساسی و خدادادی‌شان: حاکمیت و مالکیت الله محروم می‌کند.

۳ ـ تامین و حفظ دستآوردهای انقلاب بویژه در زمینه آزادیهای اساسی و ممانعت از رشد مراکز و قدرتهای خودکامه وجلوگیری از تشکیل و تسلط دستگاههای فشار و اختناق.

"مجلس مسلما با تمایل شدید و مصرانه دولتمردان‌به تمرکز اختیارات و قدرت‌ها در دستهای خود روبرو خواهد شد"، چنانکه خصلت‌همه دولتها و قدرتمندان در طول تاریخ بوده است، حکومت اگر بر موازین اسلامی استوار نباشد، میل به افزودن بر قدرت و انحصار آن و سپس حفظ و طولانی کردنش دارد. هیچ عاملی جز حاکمیت اصول مکتب و توسعه قلمرو نظارت‌و دخالت توده در امور نمی‌تواند جلوی این تمایل دولتها را بگیرد.

مجلس برای جلوگیری از ظهور دولتهای دیکتاتور و مراکز خودکامه که بطور قطع، بسرعت همه دستآوردهای انقلاب را جاروب کرده، ملت را به‌انقیاد می‌کشانند باید اولا استقلال عمل خود را از دولت و قدرتهای‌اجرائی و نیروهای پرنفوذ و فشار اجتماعی نگاهدارد. ثانیا تشکیل شوراهای مردمی را فوری و جدی تلقی کرده قدرت را در میان مردم توزیع کند و کارها را بطور عمده بدست شوراها در مراکز تولیدی و در ادارات بسپارد و نقش دولت را به امر هدایت و راهنمائی و نظارت محدود سازد. درغیراینصورت همانند دوران گذشته مردم به زودی در چنگال یک دستگاه دولتی و اداری نیرومند ناتوان و درمانده قرار می‌گیرند. دگر بار هیولای دولت و کابوس قدرت حکومت و ترس‌از سازمانهای جاسوسی و امنیتی و پلیسی دولتی درون دلها نفوذ می‌کند، دگربار همه مستخدم و حقوق‌بگیر دولت و درنتیجه برده و تابع آن می‌شوند، دگربار سرنوشت کشور از لحاظ اقتصادی ـ سیاسی ـ نظامی و فرهنگی در دستهای دولتمردان قرار می‌گیرد و منافع و مصالح و میل و هوس، بینش و طرز فکر شخصی آنان ملاک و مبنای سیاستهای مملکت در اقتصاد سیاست، ارتش و فرهنگ قرار می‌گیرد.

● فرصت دادن برای اندیشیدن و تشخیص و انتخاب آزاد و اکتفاکردن به‌ارائه رهنمود و معیار شرط اصلی و ضروری برای بلوغ فکری و سیاسی یک جامعه است.

باید از اینکه ارتش و قوای انتظامی بی‌قید و شرط در اختیار دولتها باشد جلوگیری شود. مجلس باید نظارت و دخالت مستقیم در امر قوای انتظامی و امنیتی داشته باشد. بدون تشکیل شوراهای واقعی و سپردن کار بدست مردم، جلوگیری از رشد دیکتاتوری و خودکامگی دولتها و ماموران دولتی غیرممکن است.

شاید این یکی از مهمترین مسایلی باشد که مجلس با آن روبرو است. سرنوشت و آینده انقلاب بطور عمده به این امر بستگی دارد که قدرت تدریجا" در دستهای دولتها متمرکز خواهد شد یا بعکس، حاکمیت مردم و نظام شورائی تحقق می‌یابد؟ "قدرت فی‌نفسه فشار می‌آورد، همچنانکه ثروت عامل انحراف و فسادگاری است. باید از تمرکز هر دو جلوگیری شود" تنها با نصیحت نمی‌شود از انباشته‌شدن ثروت و قدرت ممانعت کرد، نظام اجتماعی و قوانین باید بنحوی باشد که‌اجازه چنین تمرکز و انحصاری را ندهد". مجلس باید بسرعت قوانینی در جهت نفی مالکیتهای صنعتی به تصویب برساند و تجارت را نفی کند و از اصل زمین برای دهقان و کار و کارخانه برای کارگر و از اصل مالکیت عمومی اراضی و منابع و صنایع پیروی نماید و در همانحال اختیارات شوراها را افزایش داده امر به تشکیل فوری آنها بدهد. و نیز حفظ استقلال رادیو و تلویزیون و مطبوعات از نفوذ و سلطه دولت و دیگر قدرتها، ضرورت اساسی دارد.

۴ ـ "محاکمه گروگانها و رسیدگی به اقدامات جاسوسی آنان و نیز سایر جنایاتی که ماموران آمریکا در ایران بعمل آورده‌اند وتبدیل آن به یک محاکمه جهانی از امپریالیسم وظیفه فوری دیگر مجلس است" در همین زمینه مجلس باید دستور دهد که همه اسناد موجود در لانه جاسوسی انتشار یابد تا مردم از عمق جنایتها و توطئه‌های امریکا مطلع شوند. هم‌چنین مقرر کند که همه اسناد ساواک و سایر مراکز اطلاعاتی مثل رکن ۲ در معرض افکار عمومی گذارده شود. درغیراینصورت غالب کسانی که با رژیم گذشته بنحوی علیه منافع و مصالح خلق همکاری داشته‌اند، دگربار پستهایی بدست می‌آورند و بر سرنوشت مردم حاکم می‌گردند ـ هم‌اکنون بسیاری از این افراد در ادارات، ارتش و سایر نهادها و موسسات اجرائی مقام و منصب دارند ـ افشای قراردادهای استثماری بویژه رسیدگی به قراردادهای کنسرسیوم نفت باید در دستور کار مجلس قرار گیرد. مردم انتظار دارند که مجلس دستور لغوهمه‌قراردادهای استعماری را در زمینه اقتصاد، ارتش و نفت صادر نماید.

۵ ـ انقلاب فرهنگی و اجتماعی اگر بطور واقعی و بر اساس موازین مکتب انجام نگیرد، اساس نظام گذشته باقی خواهد ماند چنانکه تاکنون باقی مانده. این انقلاب یا اصلاحات سطحی و روبنائی پیش نمی‌رود تصفیه‌های معمول انجام نمی‌گیرد تصفیه‌ها متاسفانه جز برای مدتی کوتاه و مواردی محدود، بیشتر علیه‌افراد صاحب عقیده آزاد و علاقمند به انقلاب بکار رفته و می‌رود. این روند خطرناک تصفیه عناصر مکتبی و مترقی و دردمند از ارتش و ادارات و موسسات آموزشی که توسط عناصر وابسته به رژیم تصویب و حتی اجرا می‌شود، و رهبری آنرا کسانی در دست دارند که بدلیل تحجر فکری و قشری‌گری‌قادر به تشخیص مصالح واقعی انقلاب و کشور نیستند. ادارات و دستگاههای اجرائی را

بقیه در صفحه ۷

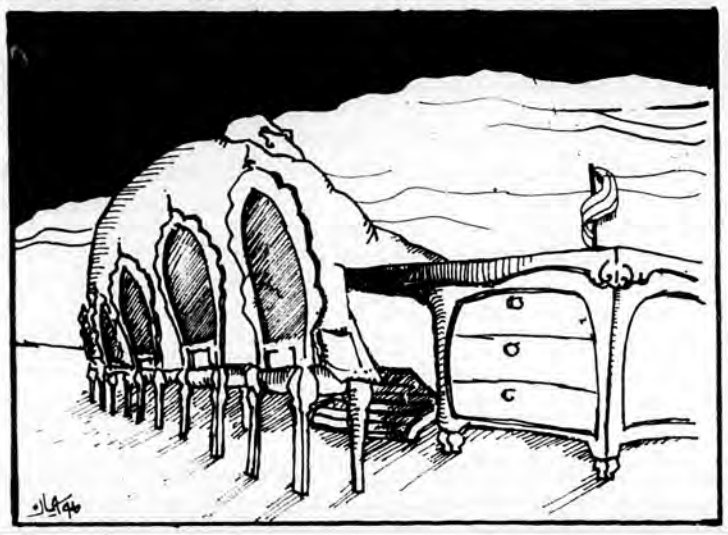

لبه تیز حملات ارتجاع و سازشکاری متوجه هر اندیشه اصیل اسلامی، هر حرکت جدی برای بازگشت به خویشتن اصیل اسلامی ملت است.

با کمک لفاظی و مرزبندیهای ذهنی و برچسبهای غیرواقعی حقایق را مخدوش میسازند

تا برقراری جامعهٔ بی طبقهٔ توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

آقای رئیس‌جمهور، «کید شیطان بزرگ بی‌بنیاد است»

● چرا امپریالیسم آمریکا و قدرت نظامی آنرا شکست‌ناپذیر ترسیم میکنید؟ مگر همین قدرت نظامی نبود که با اراده توده‌های بپاخاسته خلق قهرمان ویتنام در گردابی از تحقیر و شکست و اضمحلال و نابودی فرو رفت.

آقای رئیس جمهور در مصاحبه رادیو تلویزیونی اخیر خود درباره تهاجم نظامی امریکا بایران و دیگر توطئه هائی که تدارک می بینند، آنچنان سخن گفت که گوئی امریکا غولی شکست ناپذیرو روئین تن است.

غولی که هر لحظه اراده کند میتواند با هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی خود از مرزهای کشور ما گذشته و بدون برخورد با مانع و رادعی سرزمین ما را حولانگاه تهاجمات نظامی خود سازد.

رئیس جمهور بدون آنکه بر عامل درونی و خودی و جوهری تباه داده و بر توانائیهای مردمی که رژیم ۲۵۰۰ ساله با جنگ و دندان مسلح را ساقط نمودند نکته کند از قدرت و توانائیهای شکست ناپذیر امریکا سخن میگوید رئیس جمهور هرگونه آمادگی و هوشیاری را در قبال حملات امریکا بی — نتیجه دانسته و صریحا" اعلام میدارد که " اینکه‌رادار کجا باشد اینها را ما سازمان ندادیم واگر ماجای آنها را عوض میکردیم آنها میدانستند کجا چه فاصله‌هائی عبور کنندو اگر ما جای آنها را تغییر بدهیم خود فریبی است، پس آنها میتوانستند از آن راه گوبری رد شوند ودر آنجا بنشینند"

آقای رئیس جمهور با این بیان‌صریحا" هر گونه آمادگی برای رویاروئی با تهاجم نظامی امریکا راخود ترسی ناشده و سرهای هواپیماهای ایرانی و مردم منطقه تمیش‌ها تجاوز کرده و هلیکوپترهای بجا مانده را بدون کوچکترین دغدغه خاطر از مرزهای ایران بیرون‌ببرد. آیا راستی معتقدند که با وجودآماده‌باشی که به ارتش و نیروی هوائی داده شده بود و عشق وعلاقه توده های مردم به رویاروئی با تجاوز نظامی امریکا باز هم بیناکون میتوانست بدون دادن قربانیهای بیشتر بخاک کشور ما حمله مجدد نماید؟ علاوه بر این مگر ساعتها قبل از بمباران هلیکوپترها، برادران پاسدار و مردم در منطقه حاضر نشده بودند و مگر از کار انداختن هلیکوپترهابا برداشتن چندین قطعه حساس عملی نبود؟

چرا امپریالیسم امریکا و قدرت‌نظامی آنرا شکست ناپذیر ترسیم میکنید؟ مگر همین قدرت نظامی نبود که بااراده توده های بپا خاسته خلق قهرمان ویتنام در گردابی از تحقیر و شکست و اضمحلال و نابودی فرو رفت؟ چرا میگوئید ما هر چه بکنیم آنها قادر به تجاوز نظامی خواهند بود؟ چرا اصالت را به امریکا میدهید و از مردم سخن نمیگوئید؟مردم قهرمان ویتنام بخود وباراده تاریخ ساز انسانها اصالت دادندو از پیچیدگی نقشه های تهاجمی الکترونیکی این شیطان بزرگ و این بمب کاغذی نهراسیدند، مگر همین مردم ماسین جنگی عظیم امریکا را در ایران متوقف نساختند؟ بلی درست است در منطقی که قدرت تهاجم‌نظامی امریکا را بهرحال و بهرصورت شکست ناپذیر میدانند هرگونه آمادگی و هوشیاری ترسی بیش نخواهد بود. امام با بیان "امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند" بر اصالت درون و خود مردم انگشت دارند منطق قرآن هم‌چنین است که اگر برخود متکی شدید وباهوشیاری و آمادگی به مقابله شیطان بزرگ شتافتید تمام توطئه ها را خنثی خواهید ساخت "ان کید الشیطان کان ضعیفا"

چرا که شیطان‌بزرگ سخت بی بنیاد است و بیری است کاغذی، اگر بخود تباه دادیم و توده ها را در صحنه خواستیم امریکا هرگز هیچ غلطی نمیتواند بکند، اما آنروز که از خود بریدیم و توده ها را بخانه ها فرستادیم و خود قیم مردم شدیم آنگاه امپریالیسم بیری خونخوار خواهد بود که دست به تهاجمات مکرر خواهد زد.

تثبیت حکومتت را با خونریزی مخواه!۳

● بر طبق منطق قرآن، خصلت انحصارطلبی و امتیازجوئی، در هر قلمروئی اعم از سیاسی یا اقتصادی و یا فرهنگی، خصلت شیطان و حزب شیطان است.

۲ — بترس از نخوت و غرور! ایاک والاعجاب بنفسک!

قرآن کریم بارزترین خصلت شیطان را "استکبار" و خودبرتربینی ذکر می‌کند و ریشهٔ هرگونه خودبرتربینی و تجاوزطلبی را در استکبار می‌داند. در سرتاسر قرآن آنجا که از شیطان و خصلتهای شیطانی سخن می‌رود، محور همهٔ آنها همین استکبار معرفی شده است چه اساسا" هرگونه طغیان از "حد" و حدود، چه در زندگی سیاسی (استبداد)، چه در زندگی اقتصادی (استثمار) و چه در قلمرو فرهنگ و عقیده (تزویر و استحمار) همه و همه از خودپسندی و خودمحوری است تا آنجا که حتی شرط هدایت قرآن نیز دوری از استکبار و تقرب به "تقوی" ذکر شده است. (ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین — ۲/۲ — این کتاب بی‌هیچ تردیدی مایهٔ هدایت تقواپیشگان و خویشتن‌داران است).

از نظر قرآن، آنهائیکه در برابر پیام انبیاء الهی و "خط الله" قد علم می‌کنند (نمرود، شداد، فرعون و...) خودبرتربینان و متجاوزین از حد با مستکبرین و طاغیان و طاغوتیان‌اند (والذین کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها اولئک اصحاب النارهم فیها خالدون —۳۶/۷ — کسانیکه آیات ما را تکذیب کردند و به آن گرد افراشتند همانها اهل جهنمند و در آن همیشگی خواهند بود) بویژه اینکه قرآن "ملاء" یا "زورمندان" را سردمداران مستکبرین جامعه‌هامعرفی می‌کند (قال‌الملا — الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا ... قال الملاء الذین استکبروا من قومه لنخرجنک ۸۸ و ۷۵ — ۷) و با این بیان، "ملاء" یا زورمندان کسانی هستند که بنا به خصلت خودپسندی و استکبار، در برابر آیات خداوند ایستادگی کرده و عملا" "زور" خود را علیه "عقیده" توحیدی وارد عمل می‌کنند و جالبتر اینکه همین زوری که علیه عقیده بکار گرفته شده است، در نهایت به "کفر" و کفران زورمندان می‌انجامد و زورمندان سردمداران "کفر" قرار می‌گیرند (وقال الملا الذین کفروا... "۹ — ۷) و این بسیار هم طبیعی است!

علی (ع)، این قرآن مجسم، به مالک هشدار می‌دهد که "از نخوت و خودپسندی پرهیز کن و از تکیه بر چیزی که ترا به خودپسندی وادارد دوری کن و بپرهیز از اینکه در تب و تاب این باشی که مردم ترا بسیار بستایند! چه این حالت از مهمترین فرصتهای شیطان است تا — از طریق وسوسه استکبار — نیکی نیکوکاران را زائل گرداند (و ایاک والا عجاب بنفسک، والثقه بما یعجبک منها، وحب‌الاطراء، فان ذلک من اوثق فرص‌الشیطان فی‌نفسه لیمحق مایکون من احسان المحسنین).

علی (ع)، چه زیبا بهترین پایگاه شیطان را استکبار می‌داند و می‌خواهد اینرا برساند که اگر شیطان اندرون ترا از پایگاه "الله" تخلیه کرده آنرا بتصرف خود در آورد هرنوع پایگاه دیگر زورگوئی را نیز بسادگی می‌تواند بتصرف خود درآورد.

وایاک والمن علی رعیتک باحسانک، اوالتزید فیما کان من فعلک اوان تعدهم فتتبع موعدک بخلفک". در نظر علی (ع) از جمله فرآیندهای استکبار فرمانروا و حاکم:

— خود برتربینی و علاقه به پرستیده‌شدن از طرف مردم.

— منت گذاشتن بمردم بهنگام انجام وظیفه و احسان.

— بزرگ‌نمائی کارها از آنچه که واقعیت دارند.

— وعده دادن به مردم و وفانکردن به آن بوده و بروشنی نتایج تجلی این استکبار، در فرایندهای یادشده، را بر می‌شمارد: "و پرهیز دار از اینکه انجام وظیفه و احسان خود را بر مردم، منت گذاری، یا کاری را که می‌کنی بیش از آنچه که هست در نظرها آری و یا بوعده‌ای که بآنان می‌دهی وفا نکنی" (فان المن یبطل‌الاحسان، والتزید یذهب بنورالحق و الخلف یوجب — المقت عندالله و الناس، قال‌الله‌تعالی: "کبر مقتا" عندالله ان تقولوا مالاتفعلون") — خود برتربینی و علاقه به پرستیده شدن تسلیم به شیطان و خصلتهای شیطانی است.

— منت گذاشتن بمردم بهنگام احسان و انجام وظیفه، تباه‌ساز عمل است.

— بزرگ‌نمائی کارها که نوعی دروغپردازی و زیاده‌نویسی بر واقعیتها — و مقدمهٔ کفر — نسبت بنور حق را می‌زداید و جو سعیده‌پاری و عوامفریبی را جایگزین واقعیت‌نمائی میسازد.

— و بالاخره نقض عهد و وفانکردن به وعده‌ها خشم خدا و خلق را بدنبال می‌آورد آنچنانکه خداوند نیز در قرآن بحتد به خودداری از این عمل زشت سخت تاکید می‌کند و با لحنی نکان‌دهنده و بصورت سوال آنرا بیان می‌دارد.

از آنجا که همهٔ این نتایج روحیهٔ استکباری را بطور عیان شاهدیم نیازی به اشارت نیست اما بی‌مناسبت نیست به چهارمین نتیجه استکبار اشاره کنیم که در همین چند ماه گذشته، دو هفته به باراریان گرانفروش مهلت داده شد و اینک از آن مدت هفته‌ها و ماهها گذشته است و از "وعده" خبری نیست اما به گروههای سیاسی دانشگاهها فقط سه روز مهلت داده شد اما در همان روز اول، حمله و کشتار آغاز شد! آیا اینست مفهوم "وفای به عهد" و اینست معنای "فاطعیت علی" در زمامداری امنی شهیدپرور؟!

علی (ع) در بخش دیگری از همین فرمان مجددا" مالک را نسبت به کبر و نخوتی که نتیجهٔ حکومت‌طلبی و ریاست — خواهی است هشدار می‌دهد و با ظرافت خاصی تنها راه ممکن نجات فرمانروا و حاکم از این کیش شخصیت را توجه به عظمت خدا و قدرت بی‌پایان او و مقایسهٔ آن قدرت قهار با ناچیزی توان حاکم در برابر نخوت و خودپسندی او دانسته میفرماید: "هرگاه حکومت و ریاست برای تو کبر و نخوت آورد به عظمت خدا که فوق تست و به قدرت او که برتر از توان تو نسبت به خویش است نظر کن!" (واذا احدث لک ما انت فیه من سلطانک ابهه او مخیله" فانظر الی عظم ملک الله فوقک و قدرته منک علی مالا تقدر علیک من نفسک!).

ظرافت سخن در اینست که حرف امام بر سر مقایسهٔ بین ناتوانی فرمانروا در قبال تفرعن و خودبرتر بینی او با قدرت قهار و همه‌جاگسترده‌ٔ خداوند است نه بین قدرت انسان و قدرت خدا!

سپس ادامه می‌دهد که حاکم و فرمانروا از کدرگاه این نظاره و مقایسه و "نگرش" اولا کوچکی خود را بیاد آورده، نخوت و غروری که نتیجهٔ مستقیم حکومت‌خواهی و ریاست‌طلبی او است فروکش می‌کند و تابیا گردنکشی و تجاوزطلبی و طغیانی که نتیجهٔ غرور ناشی از حکومت‌طلبی اوست از او باز ستانده می‌شود و ثانیا عقل از دست رفتهٔ او که نتیجهٔ بردگی وی بدست کیش شخصیت خود بوده‌و تمایلات خودپسندانهٔ او بین او و عقلش پرده‌ای کشیده بود باو بازگردانده می‌شود (فان ذلک بطا من الیک من طماحک، و یکف عنک من غربک ویفی الیک بماغرب عنک من عقلک).

امام پس از بیان این نتایج که ثمره "تقوی" و غلبهٔ حاکم بر "استکبار" خویش است، می‌فرماید: "ایاک و مساماة الله فی عظمته، والتشبه به فی جبروته فان الله یذل کل جبار، و یهین کل مختال" (بترس از اینکه خود را در بزرگواری با خداوند برابر بپنداری و بپرهیز کن از اینکه توان خود را با قدرت خدا همانندبینگاری و مسلم بدانکه خداوند هر گردنکش متکبری را خوار و سرنگون می‌سازد).

این سرنوشت، نتیجهٔ طبیعی و قطعی "طغیان" و "استکبار" است که نخست به "کفر" می‌انجامد (... الا ابلیس استکبر و کان من‌الکافرین ۷۴ — ۳۸، ... ابی و استکبر و کان من‌الکافرین ۳۴ — ۲) و آنگاه‌از این گدرگاه دشمن خدا (ان الله عدو الکافرین ۹۸ — ۲) و خلق گشته (ان الکافرین کانوا لکم عدوا" مبینا" ۱۰۱ — ۴) و سپس در نتیجهٔ قیام و جنگ مسلحانهٔ خلق علیه او (ولا تطع‌الکافرین و جاهد — هم به جهادا" کبیرا" ۵۲ — ۲۵) سرنگون گشته، گرفتار زنجیر و غل‌و آتش سوزان خشم خدا و خلق می‌گردد (انا اعتدنا للکافرین سلاسل واغلالاو سعیرا" — ۴ — ۷۶)

۳ — خوددار از شتابزدگی در کارها!...

اباک والعجله بالامور...

قرآن کریم از خصلت خصائص انسان را شتاب یا عجله معرفی کرده و حتی در یک مورد او را "همسنه عجول" یا "بسیار عجول" می‌داند: (خلق‌الانسان من عجل ... ۳۷ — ۲۱. کان الانسان عجولا" ۱۱ — ۱۷).

آنجائیکه از قرآن برمی‌آید "عجله انسان" از جمله خصلتهای شیطانی است بویژه آنکه در اکثر موارد "عجله" بهنگام وسوسه شدن انسان به معصیت و گناه و نافرمانی یا بخطی از "اجل مسمی" دگر گردیده است (العجله من عمل شیطان).

از طرف دیگر از ویژگیهای آیات خداوند و "اخلاق الله"، "اجل مسمی" و اعتقاد به آن‌معرفی‌کننده است بنحوی که خداوندتمام‌آفرینش‌رادر "موضع‌حق و زمان مقدر" آن آفریده. گردش همه کائنات رانیز بر محور حق و "موضع مقدر" آنها امر فرموده است (اولم یتفکروا فی‌انفسهم ما خلق اللهالسموات والارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی... ۸ — ۳۰) — بنابراین روشن می‌شود که دلیل حرکت در "خط الله"، خودداری از "عجله" یا تجاوز (به کسر یا تعدی) از "اجل مسمی" بوده و بهمین دلیل از معصوم هم نقل شده است که از جمله نشانه‌های "تقوی"، "وضع هر امر در موضع مخصوص آن" می‌باشد. بدین معنی که از ویژگیهای آدم موحد متقی آنست که هیچکاری را قبل از جمع‌آمدن شرایط لازمهٔ آن انجام ندهد و در هیچ امری بمحض جمع‌آمدن شرایط لازم، سستی و تنبلی روا نمی‌دارد — و صدالبته نباید چنین نتیجه گرفت که در جمع آوردن شرایط هر کاری، انسان عاجز و بی اختیاراست. علی (ع) بیان یاد شده را با تعبیر نکان‌دهنده‌ای می‌فرماید:

"من الخرق المعاجله قبل الامکان و الا ناه بعد الفرصه" (از حماقت و بلاهت انسان، شتاب در کاری پیش از توان انجام آن، و سستی در انجام آن پس از رسیدن وقت مناسب آنست — کفتار ۳۵۵، نهج‌البلاغه).

امام در فرمان جاویدان خود به مالک، او را از چهارنوع تخطی از "اجل مسمی" منع فرموده و در واقع به "تقوی" دعوت کرده می‌فرماید:

— شتاب قبل از جمع آمدن شرایط لازمهٔ امر (اجل مسمی).

— سخت کوشی (سعیا) در جهت وصول به امری پس از آنکه شرایط لازمهٔ امر (اجل مسمی) فراهم آمده است.

— سعیر (سعیا) در جهت نیل به امری که شرایط لازمهٔ آن (اجل مسمی) ناشناخته یا مبهم‌است.

— و بالاخره سستی در بهره‌برداری از شرایطی (اجل مسمی) که بکوشش خود آنرا فراهم آورده است.

آنگاه نتیجهٔ این‌چهار رهنمود را جمع بسته می‌فرماید "هر چیزی را در جای خود بگذار و هر کاری را در وقت مناسب آن انجام ده".

بنابراین سوال اینست که آیا ما که ادعای بی‌افکندن حکومت علی را داریم در طول این یکسال و چند ماه تا چه اندازه از فرصتهای طلایی که، هفتاد هزارشهید گلگون‌کفن در اختیار ما گذاشت، در تحقق تهادها وارزشهای انقلابی اسلامی استفاده کردیم وتا چه اندازه قبل از فراهم گشتن شرایط لازم کارها دست به آنها زده و بالنتیجه بعلت "زودرس" بودن آنها، نه تنها موفق نگشتیم که بسیاری هم از دست دادیم؟ آیا بعد از یک انقلاب، بزرگتر از نعمت و سرمایهٔ اعتماد توده‌ها به مسئولین امر، میتوان نعمت و سرمایهٔ دیگری را سراغ داشت؟ تا چه اندازه از این نعمت خدائی بهره جسته وتا چه اندازه از آن "سوءاستفاده" کرده و تا چه اندازه‌آنرا از دست دادیم؟ آیا مسئولیت این "بی — تقوائی" یا "ضعف تقوی" بگردن چه کسانی است؟ "ضد انقلاب"؟! مگر نه اینست که تنها باید با سلاح "تقوی" (= انجام امور در وقت آنها) به جنگ ضدانقلاب رفت؟ وآیا در پیشگاه خدا و در ناموس هستی موجه است که با از دست دادن تقوی(= وقت نشناسی) به درگیریها و امور فرعی و غیراصولی پرداخت؟ کجا موجه‌است هنگامیکه مردم در اوایل انقلاب زمانیکه یکپارچه آمادهٔ نبرد علیه امریکای جهانخوار و نوکران سرسپردهٔ داخلی او بودند، آنها را به خانه‌های خود فرستادند اما آنگاه که در اثر "سستی در بهره‌برداری ازاجل مسمی"، تفرقه در صفوف یکپارچه خلق آشکار شد، آنها را بجان همدیگر رها کردند؟ کجا موجه است هنگامیکه سررشتهٔ امور در کردستان و ترکمن‌صحرا و... برای غفلت‌زده‌ها و بیخبران از "اجل مسمی" و قانون‌مندیهای جامعه و مبارزه مبهم و ناپیداست،

● آیا می‌توان در جامعه اسلامی پذیرفت که امتیاز استفاده از زمین و آب و معدن و... از آن عده‌ای باشد و تقدیر «استثمار شدن» از آن دیگران؟

ادامه دارد

سپاه پاسداران لاهیجان:

زمین متعلق به کشاورزان زحمتکش است نه مالکین بزرگ.

ما با توجه به اینکه همیشه افشاگریهای شما را در مورد ظلم و ستم فئودالها بر دهقانان و کشاورزان زحمتکش در امت می‌خوانیم و ما نیز در شهر خود ناظر چنین روابط ظالمانه‌ای هستیم، مسئولیت مکتبی بما حکم کرد که در افشای این مردوران حداکثر کوشش خود رامبذول داریم. ماجرا از اینجا آغاز می‌گردد که سپاه پاسداران لاهیجان اراضی (باغ‌چای) زمینداران بزرگی که در شهر نشسته و شکم خود را با حاصل رنج و درد جایگاران سیر می‌نمایند و با عربده بدانان دستور می‌دهند، بین آنانی که روی زمین کارمی‌کردند تقسیم نمودند که این حق مسلم و خواست توده‌های دهقانی بود.

در این‌بین فئودالهامتحدا" مسلمانهای دوآتشه شده و باتوسل به حاکم شرع استان گیلان و لاهیجان و مقامات دولتی (دفتر رئیس‌جمهوری و دادستان کل انقلاب) اقدامات انقلابی سپاه پاسداران را ضدانقلابی‌و مخالف با شرع و قوانین و موازین اسلامی دانسته و آن را توطئه‌ای برای کاهش‌تولید داخلی معرفی نموده‌اند. طبق این شکوائیه حاکم شرع‌استان فئودالها را کشاورزان منطقه خوانده و عمل سپاه پاسداران را برخلاف نظر رئیس‌جمهور و امام امت و رای شورای انقلاب و دادستان کل انقلاب دانست، و گزارش بدفتر رئیس‌جمهوری ارائه داد. با جواب دفتر رئیس‌جمهور، قاضی شرع طبق حکمی به دادستان انقلاب شرق گیلان (سلیمی)، دستور رفع مزاحمت از ساکنان (زمینداران بزرگ) را صادر نمود. آقای سلیمی این حکم را به پاسگاه ژاندارمری لاهیجان ابلاغ نموده و از آنان خواست که اقدام لازم جهت اجرای آن دایر بر رفع مزاحمت معمول گردد و متذکر گردیدکه در اجرای ماموریت لازم است افراد مسلح بیشتری را کسیل دارند.

بر طبق دستور محوله، افراد مسلح به منطقه مذکور درمدرک (بازکیاکوراب) رفته ولی با خشم دهقانان و کشاورزان رنجدیده که توسط فرمانده پاسگاه با عبارت "۵۰۰۰ نفر از عوامل و ایادی مردم"!!! از آنان یاد کرده، مواجه گشتند و ناچار به پاسگاه مراجعت نمودند. هم‌اکنون زمین‌داران برای استرداد زمینهای خود به هر وسیله و مقامی متوسل شده و دهقانان رنجدیده نیز برای تثبیت حق خود استقامت می‌نمایند.

حیات کشاورزی ما در گرو ممات فئودالیسم است چرا که، لغو مالکیتهای فئودالی، خواست توده‌های دهقانی است.

متن گزارش فرمانده پاسگاه مرکزی ژاندارمری لاهیجان
و مقاومت /۵۰۰۰ کشاورز زحمتکش و رنجدیده.

جناب آقای دادستان محترم انقلاب لاهیجان — شماره ۴۰۱/۷۵/۱۲۹ — ۱۳۵۹/۱/۳۱

باستحضار می‌رساند که در ساعت ۱۱/۳۰ مورخه‌سی‌ویکم فروردین ماه سال پنجاه و نه نظر باینکه سپاه پاسداران لاهیجان‌خودسرانه و بدون دخالت شورای انقلاب اسلامی و دادگاه محترم‌انقلاب اسلامی لاهیجان و مراجع ذیصلاح مبادرت به مصادره و تقسیم زمین باغ چای و غیره مربوط بمالکیت اهالی لاهیجان و بازکیا کوراب و حاجی‌آباد و سایر قراء استحفاظی پاسگاه مرکزی را در سال ۵۸ ـ ۵۹ بین مردم نموده‌اند و این عمل موجب ناراحتی و نارضایتی و اختلاف می‌گردد. سرانجام بر اثر شکایت باغداران دادستان محترم‌انقلاب اسلامی لاهیجان و قاضی شرع استان گیلان باستناد دستور مورخ ۵۹/۱/۲۲ رئیس دفتر ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دایر به رفع مزاحمت و تجاوز از باغداران شکایت‌به پاسگاه مرکزی ژاندارمری لاهیجان ابلاغ فرمودند که زمین تقسیم شده وسیله سپاه پاسداران از مردم پس گرفته بمالک اصلی آن تحویل گردد. در اجرای دستور صادره من استوار یکم بهمن ابومسعود (فرمانده پاسگاه مرکزی لاهیجان) بمعیت عده‌ای از مامورین ابتداء به قریه حاجی‌آباد باتفاق چندتن از باغداران سر باغ چای آقای نیک‌سادات عزیمت مردم بمحض دیدن مامورین شروع بسروصدا و آتش زدن لاستیک و بستن راه بین لاهیجان‌ورشت‌را نمودند بطوریکه در اثر آتش‌سوزی دو طرف جاده و انسداد جاده مسافرین بین آن باقیمانده بودند. تظاهرکنندگان در حدود /۵۰۰۰ نفر از عوامل و ایادی مردم بودند که وسیله سپاه پاسداران بآنها زمین داده شده بود، چنانچه مامورین بماموریت خود ادامه می‌دادند امکان درگیری و زدوخورد و از بین رفتن تعدادی از هم‌میهنان می‌رفت چون مامورین تا پاسی از شب نتوانستند مردم را نسبت باجرای دستور حکم مقامات قضایی قانع کنند و از طرفی عوامل سپاه پاسدار لاهیجان بطور غیرمحسوس مردم را بر علیه مامورین ژاندارمری تحریک می‌نمود لذا مراتب صورتجلسه،من بهمراه مامورین همراه، به پاسگاه مراجعت نمودم حال تعدادی از باغداران که مالک اصلی زمین هستند جلوی ژاندارمری جمع ونقاضای پی‌گیری موضوع را دارند. این پاسگاه بانگیزه کسبود پرسنل بهیچ‌عنوان قادر باجرای دستور مقامات قضائی‌نیست زیرا درگیری صددرصد وجود دارد. مهاجمین اظهار می‌دارند که زمین وسیله سپاه پاسدار بما تحویل شده و حال باید وسیله سپاه پاسدار از ما پس گرفته شود و در اینمورد نیز فقط و فقط باید سپاه پاسدار مداخله نماید. مضافا" طی شماره ۴۰۱/۷۵/۱۲۹ — ۱۳۵۹/۱/۳۰ از سپاه پاسدار لاهیجان تقاضای افراد کمکی شد. سپاه پاسدار از دادن جواب و معرفی افراد کمکی خودداری نموده است علیهذا استدعا می‌شود مقرر فرمایند جهت جلوگیری از هرگونه وقایع ناگوار اراده عالی را بطرق مقتضی صادر فرمایند. بدینوسیله تعداد ۱۰ برگ شکوائیه مرجوعی مربوط به باغداران به پیوست تقدیم می‌گردد و ضمنا" یک برگ از صورتجلسه تنظیمی به پیوست تقدیم می‌گردد%

فرمانده پاسگاه مرکزی ژاندارمری لاهیجان استوار یکم / ابومسعود

گیرنده

فرماندهی محترم گروهان ژاندارمری لاهیجان پیرو گزارش شماره ۴۰۱/۷۵/۱۲۹ — ۱۳۵۹/۱/۳۰ و بازگشت به امریه ۴۰۱/۷۵/۳۱/۲ — ۵۹/۱/۲۸ ضمن‌تقدیم عین فتوکپی دادخواست نگرانی سید معصومه میرعسگری و اجاری و یک برگ صورتجلسه تنظیمی در محل جهت استحضار%

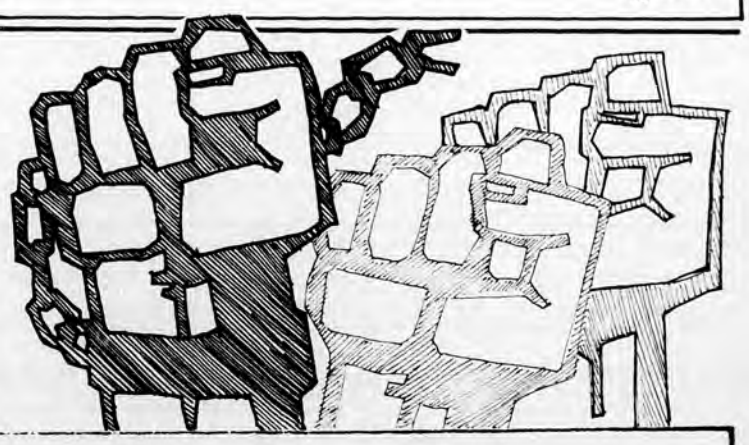

گزارشی از:

اعتصاب کوره پزخانه‌های منطقه سنخ تبریز

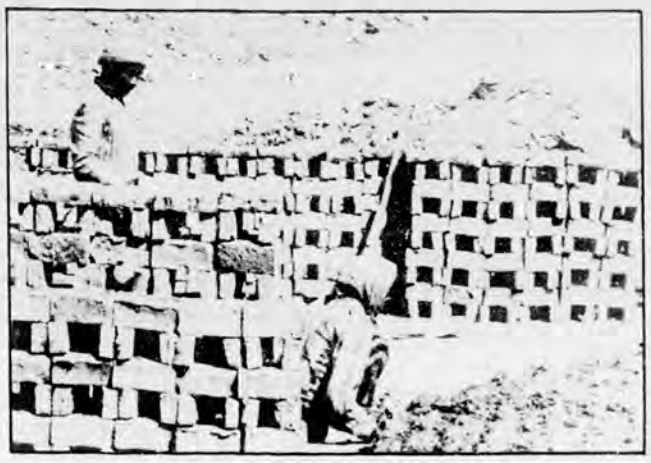

منطقه سنخ در ۱۷ کیلومتری شهر تبریز واقع شده و چندین کوره‌پزخانه در این منطقه وجود دارد. کارگران این کوره‌ها عموما" غیربومی بوده اکثر آنها کردها به همراه خانواده‌شان و بقیه افراد فارس‌زبان و ترکهای اطراف تبریز می‌باشند. زنان کارگران در بدترین شرایط همدوش مردان کار می‌کنند. قبل از انقلاب کارگران این کوره‌ها مثل سایر زحمتکشان کشورمان در استثمار سرمایه‌داران بوده‌اند و از تمام امکانات رفاهی و بهداشتی محروم بودند و الان نیز که یک سال و چند ماهی از پیروزی انقلاب می‌گذرد، چندان تغییری در شرایط کار و وضع سیئی صاحبان کارخانه‌ها با عنوان کردن آن در واقع مطوری جز تثبیت وضع خود در چهره جدید ندارند.

اینبار با اسلام پناهی به استثمار کارگران زحمتکش پرداخته‌اند. تمام صاحبان کارخانه‌های این منطقه از وحدت کامل برخوردارند و در جریان تمام امور کارخانه‌های همدیگر هستند و اخیرا" نماینده‌ای نیز از بین خود برای شرکت در جلسات مربوط به کارگران در مجامع دولتی با شرکت مقامات مسئول و کارگران انتخاب کرده‌اند. اینها تاحالا از تشکیل شورا و انتخاب نماینده کارگران جلوگیری کرده و هرگاه مستقل نماینده و شورا پیش آمده گفته‌اند که شما برای خود نماینده هستید، اگر نماینده انتخاب شود، خودش کارنکرده و نردش را از شما خواهد گرفت.

تعداد کمی از کارگران عضو اتحادیه شوراهای اسلامی کوره‌پزخانه‌ها بوده و با اتحادیه ارتباطی نداشته‌اند.

چندی پیش کارگران بخاطر افزایش دستمزد خود پیش صاحب کارخانه رفته و این مسئله را با وی مطرح می‌کنند و وی با پرخاشگری جواب سربالا داده اظهار می‌کند بروید پیش نماینده، که هرچه ایشان بگوید من قبول دارم. و کارگران پیش نماینده آنها (صاحبان کارخانه‌ها(!)) رفته و ایشان نیز جواب سربالا داده با جسارتی هرچه تمام اظهار می‌کند: "بروید شکایت کنید".

کارگران با مراجعه به مقامات از آنان نیز جواب سربالا می‌شنوند، اما اینبار متحدا" تصمیم به اعتصاب می‌گیرند و همزمان دست از کار کشیده و قاطعانه خواستار افزایش دستمزد خود می‌شوند. صاحبان کارخانه‌ها دست به توطئه و شایعات می‌زنند. برای‌لوث‌کردن‌حرکت‌کارگران شروع به مارک زدن و دروغپردازی در پیش مقامات می‌کنند، که کارگران تحریک شده‌اند(!) کارگران به محض اطلاع از جریان و ترس از اینکه از کارخانه بیرونشان بکنند، مجددا" آغاز بکار می‌کنند.

بخش کارگری ـ هواداران ح.م.م ـ تبریز

گزارشی از شورای طرحهای...

بقیه از صفحه یک

حق مسکن، حق اولاد و حق خواروبار که با آنزمان به کارگران پرداخت نشده بود، پرداخت گردید و به تعداد زیادی از کارگران که در فروردین ۵۸ مشغول بکار بودند و از دریافت اضافه دستمزد مصوبه شورایعالی کار محروم مانده‌بودنداین مبلغ از زمانی که به‌آنان تعلق می‌گرفت پرداخت گردید.

کارگران با این زمان با کامیون به محل کار می‌آمدند که شورا اقدام به تهیه سرویس رفت‌وآمد نمود. غذاخوری کارگاه که در دوران انقلاب بسته شده بود، جهت استفاده شروع بکار کرد.

به این ترتیب شورا باکسب‌موفقیتهایی در زمینه مسائل صنفی و رفاهی کارگران و با برخورداری از حمایت بی‌چون‌وچرای کارگران خود را موظف به دخالت در امور مربوط به مدیریت دید و در این‌راه نظارت کامل بر پرداخت‌ها و هزینه‌ها و دریافتهای شرکت را به عهده گرفت و تاحدود زیادی مانع ریخت‌وپاش‌های قبلی و برداشتهای نابجا شد.

شورا در این مراحل از کار با کارشکنیها و مشکلاتی روبرو می‌شد که غالب آنها را با تشکیل دادن مجامع عمومی با کارگران در میان می‌گذاشت و از نیروی لایزال آنان جهت برداشتن موانع و پیشرفت کار کمک می‌گرفت.

کارگاه از بدو تشکیل شورا تاکنون لحظه‌ای تعطیل نشده و کار بصورت سریع و منظم ادامه داشته است، در حالیکه مدیر شرکت دائما" دم از اخلال در کارگاه می‌زند، اما عملا" نشان داده شده است که کارگر محل کار و نظم نیست بلکه با شرف و وجدان کاری‌اش مسئولیت را با علاقه پذیرا میگردد و این کارفرماست که جهت رسیدن به منافع خود و مانع انجام امور است و اخلال می‌کندو در این راه با بهره‌گیری از عوامل خود از هرگونه کارشکنی دریغ نمی‌ورزد. کارفرما که بنا به قول خودش، دیگر کارکردن برایش صرف نمی‌کند، اقدام به فروش تدریجی وسایل و ماشین‌آلات کارگاه نموده و از حساب که از طرف دانشگاه باز شده بود، می‌خواست که کلیه عقب‌مانده‌های حقوق سال قبل کارگران و کلیه هزینه‌های مربوط به ۲ سال قبل را پرداخت نماید تا این حساب را که جهت نظارت زیادتر شورا بر دریافتها و هزینه‌ها بود مسدود کرده و به شکست بکشاند. و همچنین از قبول پروژه‌های جدید سرباز می‌زند در حالیکه کارهای بتونی این پروژه‌ها رو به اتمام است و بدنبال عدم تقبل کارفرما، هم‌اکنون کارگران قالب‌بند و آرماتوربند که هر یک ۵ تا ۶ سال در کارگاه ـ های مختلف شرکت مشغول به کار بودند در خطر اخراج قرار گرفته‌اند.

مهندس راطق مدیرعامل شرکت که از بدو دخالت شورا در امر مدیریت وجلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران با استفاده از ماده ۳۳ قانون کار، هر روزه بیشتر سد راه شورا می‌شد و اشکالتراشی می‌کرد و اعضای شورا را تهدید به اخراج کرده و به آنها عنوان ضدانقلاب می‌داد.

شورا که خود را در برابر اخراج و مسئله بیکاری کارگران مسئول می‌دید به کلیه مقامات و نهادهای مسئول و مرجع مراجعه می‌نمود و راه‌حل می‌طلبید. هنگامیکه اولین گروه کارگران که بعلت تمام شدن کار مربوط به حرفه آنان "مکانیکی" اخراج گردیدند، شورا به استانداری مراجعه کرده و مقامات مسئول را در جریان این اخراج که مقدمه اخراج بقیه کارگران بود قرار داد ولی با بی‌توجهی مسئولین روبرو گردید. پس از آن به جهادسازندگی رجوع نمود و خواست‌خود را در مورد اینکه کارگران اخراجی لااقل در جهاد سازندگی مشغول بکار گردند را مطرح نمود ولی گفته شد که امکانات جهت بکارگیری آنان وجود ندارد و هنگامیکه به مسئول جهاد گفته شد که شما می‌توانید امکانات" شرکت را در اختیار گرفته‌و کارگران را سر کار برگردانید و می‌باید که این کار را انجام دهید در جواب گفته شد که: اموال خصوصی کسی را نمی‌توان از او گرفت‌و وی "کارفرما و رئیس شرکت" می‌تواند کلیه ماشین‌آلات خود را بفروش رسانده و پولش را برداشت نماید و چون مسئله با اصرار و پی‌گیری شورا مواجه گشت گفتند باید به تهران بروید و موضوع را به تهران مرجوع نمودند که مسلما" پاسخ در تهران هم منفی می‌بود.

باز در همین رابطه شورا جلسه‌ای در حضور استاندار فارس و با شرکت مهندس راطق "مدیرعامل" داشت و خواهان آن شد که مدیر عامل پروژه را قبول کرده و کارهای موجود را نیز به پیمانکار ندهد.

وی در جواب، کارگران را آلت دست کمونیستها معرفی نمود و گفت شماهمانهایی هستید که در کردستان بر علیه انقلاب توطئه می‌کنید و یکی از برادران عضو شورا از وی خواست با اینکه وی بیسواد است مسئله شکافته شود و بررسی گردد که چه فردی آلت دست واقع شده و اخلالگر است.

پس از مدتی بحث و گفتگو مدیر عامل بدیرفت که پروژه را قبول کند منتهی به این شرط که خودش آنرا انتخاب نماید و از پیمانکار هم تعدیدا" دفاع کرد.

ولی آیا به‌قولش عمل نمود؟ نه. مسلم است که اینان بنا بر بینشان، همان نیروان شیطانند که چون با نفس نفع‌پرست خود خلوت کنند گویند ما با شمائیم و آنها را تمسخر می‌کنیم. خلاصه خبری از قبول پروژه نشد که هیچ باز هم به بهانه اینکه در اصفهان شرکت کار نقل کرده، می‌خواست ماشین‌آلات را از شرکت خارج کند و اینکه در آینده می‌خواهد به چه شیوه‌هایی متوسل شود خودش می‌داند و نفس شیطانش.

با مشاهده این امر که باز حدود ۲۰۰ نفر از کارگران در معرض خطر اخراج قرار گرفته‌اند و مدیر عامل هنوز هم پروژه‌ای قبول نکرده بود، شورا نمایندگان همه ارگانهای مسئول را به همکاری با مجری طرح "دانشگاه شیراز" به یک مجمع دعوت نمود و کارگران و اعضاء شورا خواهان مسئولیت دادن و به رسمیت شناختن شورا بودند.

در حالیکه مسئولین وازجمله نمایندگان طرح برنامه‌و بودجه دکتر اسفندیاری و مهندس دستغیب که در مجمع حضور داشتند از پیمانکاری دفاع می‌کردند و پیمانکاران را به‌عنوان افرادی کاردان و ذیصلاح که می‌توانند پول را توزیع کنند، شناخته و با تکیه به این موضوع که دیگر اقتصاد، اقتصاد شبانی نیست، این امر را موجه جلوه می‌دادند و در مقابل خواسته کارگران که تقویت کردن و برسمیت شناختن شورا بود، آنان شورا را فاقد توان انجام امور و صلاحیت ذکر نمودند و این پاسخ به کارگرانی بود که می‌گفتند حاضریم شبانه‌روز کار کنیم و نان و پنیر بخوریم ولی روابط کارگر و کارفرما از بین برود ولی متاسفانه مسئولین را می‌دیدند که با استفاده از تئوریهای جامعه‌شناسی امریکا و موجه دادن سرمایه‌داری و اینکه روابط صنعتی پیچیده شده و حمل و نقل مشکل گردیده و.... دیگر توجیهات سعی داشتند که شورا را فاقد توان در تصمیم‌گیری وحل مشکلات بدانند که شورا با طرح این مسئله نمی‌تواند مسئولیت تنظیم بودجه و توزیع را بعهده بگیرد، این‌ارگان انقلابی و خودجوش از بین توده کارگران را نادیده انگاشته وآنرا غیرقانونی جلوه می‌دهند.

ولی چون با پافشاری و مخالفت شدید کارگران روبرو شدند و مورد سوال واقع گردیدند، پذیرفتند که شورا تنها می‌تواند حل مسائل کارگری را بعهده بگیرد نه اینکه در کار پیمانکار و امر مدیریت دخالت کند.

بقیه در صفحه ۶

لغومالکیت‌های فئودالی، خواست توده‌های دهقانی است

نخلستانهای 'بنارسلیمانی' و خشم و توطئه فئودالها

نقل از نشریه سازمان مسلمانان مبارز دشتستان

چگونگی درگیری مردم روستای بنار سلیمانی با این فئودال و پدرش تاریخچه چندین ده ساله دارد ولی آنچه در زیر میآوریم تنها دلایل و شرح حالی است که منجر به این حرکت دهقانی گردیده.

در واقع بعد از قیام خونین ۲۲ بهمن همه طاغوتچه ها بعد از فرار طاغوت بزرگ به کنجی خزیدند و منتظر فرصت بودند تا دوباره به جنایات خود ادامه دهند و در این ده نیز چون بیشتر دهات چنین شد تا اینکه در روز رفراندوم جمهوری اسلامی (۵۸/۱/۱۲) مردم این قریه می بینند که باز عوام فریبان خود را در صفوف انقلاب حازده و اعضای نظارت صندوق عمال حاج ناصر بنافی میباشند، مردم به خشم می‌آیند ولی برای حفظ آرامش و به هم نخوردن رای گیری سکوت میکنند ولی عمال این فئودال وقاحت را به حداکثر رسانده و یکی از معتمدین ده را بدون هیچ بهانه‌ای از مسجد به زور بیرون می اندازند که این بار نیز مردم با آگاهی و خونسردی خویش مسئله را فیصله میدهند ولی می بینند که بعد از این جریان این فئودال، عمالش را مرتب مسلح میکند و کار را بجائی میرساند که علاوه بر آزار و اذیت روستائیان در روز انتخابات قانون اساسی بدلیل اینکه عمال وی را سر صندوق رای گیری محل نمی گذارند، راه را بسته و با چماق به مسئولین صندوق حمله ور میشوند که پرونده کامل این تهاجم در بخشداری سعد آباد موجود است، اینبار نیز مردم سکوت میکنند تا اینکه در سالروز جمهوری اسلامی (۵۹/۱/۱۲) بدون هیچ بهانه‌ای به یکی از افراد ده بنام رضا بنافی حمله ور میشوند (این شخص چون پدرش رعیت بنافی ها بوده است فامیل بنافی دارد وگرنه هیچ نسبتی قومی با آنها ندارد) و با اسلحه به خانه او و خواهرش یورش میبرند، به هر طریق این روستائی از ترس فرار میکند و در همین روز یکی از معلمان متعهد و مسلمان به نام محمد کاررونی را در روستای در واهی دستگیر کرده و کتک میزنند و شبانه اطراف بنار سلیمانی را محاصره میکنند و به تیراندازی میپردازند، مردم ناچارا" از ترس مال و جانشان تصمیم میگیرند به خانه این فئودال حمله کنند ولی بنا بمو ساطت ریش سفیدان ده این کار را انجام نمیدهند ولی به پاسگاه ژاندارمری شکایت میکنند که نتیجه‌ای نمیگیرند، در همان شب عده‌ای از طرف سپاه پاسداران بهمراه چند تن از پرسنل ژاندارمری به ده میروند واز مردم حمایت میکنند.

عمال فئودال از این عمل روستائیان ستمدیده به خشم می آیند و باز شب هنگام اطراف ده را محاصره میکنند، از محاصره‌کنندگان محمد بنافی فئودال دشتی و الله کرم شجاعی کدخدای دوران طاغوت بنار آب شیرینی را میتوان نام برد. بالاخره مردم به تنگ آمده و در روز ۵۹/۱/۱۵ در حدود چهل نفر از نمایندگان اهلی ده به دادستانی بوشهر میروند که در نتیجه حاج ناصر بنافی توسط دادستان انقلاب جلب و دستگیر میگردد، دادستان بعلت اسلامی و انقلابی عمل نمودن بوسیله روحانی نمایان بوشهر و همکاری دادستان کل انقلاب آقای قدوسی بعد از این جریان برکنار میگردد (کیهان مورخه ۵۹/۱/۲۶) تحت عنوان علل برکناری محمد تقی حسانی دادستان سابق بوشهر.

اوضاع ده روستای بنار سلیمانی ۱۲۲ خانوار و در حدود ۷۰۰ نفر جمعیت دارد، از توابع بخش سعد آباد از حومه شهرستان میباشد. در ۲۷ کیلومتری برازجان قرار دارد و توسط جاده‌ای خاکی به جاده برازجان ـ گناوه وصل میگردد از امکانات رفاهی و آموزشی جز مدرسه چیز دیگری ندارد، مسجدی هم که اسما" خانه خدا ولی در واقع مالکیت آن شخصی است و زیر نفوذ فئودالهای ده قرار دارد، خانه ها بیشتر گلی است بجز خانه فئودال و چند نفر دیگرکه خانه فئودال قبلا" برج داشته ولی بتازگی آنرا خراب کرده و دیوار سیمانی محکمی به جای آن ساخته است در کنار چنین خانه‌ای سال گذشته دو خانه گلی متعلق به روستائیان بر اثر طغیان آب رودخانه ای که از کنار ده میگذرد ویران شد که هنوز بقایای آن دو خانه پیداست. کوچه هاخاکی است و در زمستان عبور و مرور در آنها مشکل است، در تابستان گذشته قرار بود از طرف دولت کوچه‌های ده شن ریزی شود که چون با فئودالهای ده مشورت‌نشده بود ممانعت بعمل آور آب آشامیدنی ده از طریق آب انبارهای کوچکی که در بعضی از خانه ها ساخته‌اند و در زمستانها آب گیری میکنند تامین میگردد که در تابستانها بیشتر اوقات با کمبود آب مواجه میشوند.

وضع فئودالها

فئودالهای این ده در روستای "بنو" نزدیک کمارج از منطقه شهرستان کازرون زندگی میکرده‌اند که در حدود پنجاه سال پیش به روستای دشتی ده همجوار بنام سلیمانی می آیند، فامیل بنافی نیز از بنو گرفته شده‌است پدر بنافی بنا به دستور اردشیر خان و منصور خان شبانکاره، کدخدای این ده میگردد (اردشیر فئودال مشهور فراری که غیابا" به اعدام محکوم گردیده) پیرمردهای ده میگویند اردشیر خان او را آورد و گفت‌این یک جویی است که ما در ده شما میگذاریم و میبایست از این جوب پیروی کنید.

مردم بعدا" وی را در درگیری و نزاع میکشند و پسرش ناصر بنافی کدخدای ده میگردد، از استثمار و زورگوئی آنها شواهد فراوان است به طور مثال چندین سال پیش این شخص یکی از کشاورزان‌بنام عبدالله را از ده بیرون میکند و املاکش را غصب مینماید و همچنین روستائی دیگری بنام علی خورشید راکه فعلا" ساکن چهل‌زرعی است (به اصطلاح محلی چهل گزی) و از مهلکه می گریزد. همچنین روستائی بنام محمد علی محمد پورو دیگری بنام رستم را که فعلا" ساکن مزارعی است، که این افراد هم اکنون شاکی ایشان بوده و به دادگاه شکایت کرده‌اند و خواستار احقاق حقوق پایمال شده خود شده‌اند، غیر از این زورگوئی ها چگونگی استثمار را در زیر می‌آوریم:

چگونگی استثمار

دربنار سلیمانی در حدود چهل هزار نخل‌وجود دارد کهاز این تعداد هشت هزار نخل متعلق به حاج ناصر بنافی‌و هفت هزار متعلق به برادرش و پنج هزار نخل متعلق به دیگر افراد طایفه بنافی ها میباشد، یعنی در حدود نصف‌نخلها متعلق به خانواده بنافی هاست حال آنکه این عده فقط ۱۵٪ جمعیت ده را تشکیل میدهند یعنی نصف محصولات متعلق به ۱۵٪ ده و نصف دیگر متعلق به همه روستائیان میباشد که این خود بیانگر استثمارعصر حاضر است.

غیر از این نخلستانها بیشتر مزارع و زمینهای قابل کشت نیز در تصرف این فئودال وعمالش میباشد و کشاورزانی که همه ساله در این نخلستانها کارمیکنند تنها نصف محصول عایدشان میشود. همگی میدانند که درخت خرما پس از چند سال از کشت آن محصول میدهد، روستائیان میگویند ناصر بنافی اغلب روستائیان را فریب داده و در موقعیکه نخلستان محصولی نمیدهد با آنها قول نصف به نصف سهم محصول رامیدهد ولی اغلب اوقات در موقع باروری و برداشت محصول آن کشاورز زحمتکش را بیرون میکند و کشاورز دیگری را به بیگاری میکشند. روستائیان از اینگونه استثمار، شواهد زیاد دارند ،یعنی اینکه این فئودال حتی به استثمار نصف دسترنج کشاورزان نیز راضی‌نمیباشد وهمچنین زمینهای حاصلخیز که‌براساس اصل خدا مالکی در اسلام هیچکس‌نمیتواند آنرا به تملک شخصی خود در آورد توسط این فئودال غصب‌گردیده و وضعی شبیه نخلستانها دارد و حاصل دسترنج روستائیانیکه بر روی این زمینها کارمیکنند به دهان فئودالها ریخته میشود.

اسف انگیزتر آنکه‌غیر از بیغما بردن‌نصف دسترنج کشاورزان توسط مالکین غاصب نصف مخارج کشاورزی نظیر کود، حق آبه و نظایر آنرا مالک از سهم زارع کم میکند و میتوان تمامی‌این مطالبی را کهدر بالا آوردیم با یک نگاه ساده به چهره خسته و ستمکشیده روستائیان و دستهای پینه بسته آنها فهمید و در آخر تاکید میکنیم که اگر هرچه زودتر طرح اصلاحات ارضی پیشنهادی رضا اصفهانی و مصوبه شورای انقلاب که به خواست روستائیان تصویب گردید هر چه فوری تر توسط شوراهای دهقانی به مرحله اجرا در نیاید همین پس مانده های خانمنشی بیشتر رشد خواهند کرد وتوان مقابله باآنها مشکلتر خواهد بود و روستائیان از انقلاب نومید خواهند شد و دوباره ایران‌شاهد ترکتازهای آنجنانی خانها خواهد گشت. مادر پایان خواسته های این روستائیان را که طی عریضه‌ای کتبی به دادستانی انقلاب بوشهر تحویل داده‌اند در زیر میآوریم:

۱ ـ محاکمه علنی ناصربنافی خان ده.
۲ ـ استرداد زمینهائی که از روستائیان به زور غصب کرده است.
۳ ـ بیرون کردن این خان منش از ده.
۴ ـ بازگشت امنیت‌و آسایش به روستا.
۵ ـ دو تن از همکاران او که در ارتش مشغول بکارند محاکمه و در صورت محکومیت از ارتش‌تصفیه گردند.

ما درزیر قسمتی از گفتگوئی که در خود این ده با تنی چند از روستائیان انجام گرفته میآوریم تا روشن گردد که بینش اسلامی وانقلابی روستائیان بالاتر از آن است که ارکان اجرائی‌تصور میکنند.

" بله خیلی خوب شد که دادستانی این جنایتکار را گرفته اما ما میخواهیم بدانیم که دولت اسلامی چرا ما کشاورزان را از شر این زالو صفتها راحت نمیکند، دولت خودش امریکا و کارتر را محکوم میکند که چرا شاه جنایتکار را این طرف و آن طرف میفرستد تا از اجاری عدالت جلوگیری کند، اما دولت عملا" خودش‌همینکار را در مورد فئودالها انجام میدهد، اول میگیرند، بعد میبرند و دوباره آزادش میکنند زورگوتر شده به ده برمیگردد.."

" حتی روحانی نمایان معروف هم برای آنها تلاش‌میکنندو میآیند پیش ما و میگویند صلحو صفا بکنید وگرنه فئودالها شما را میکشند، ما هم به‌آنها گفتیم رهبر ما امام خمینی است و ما افتخار میکنیم که کشته شویم ما مردان روزه و شهادت هستیم اما دیگر بالاخره زیر بار زور نمیرویم، حالا منتظریم ببینیم دادستانی انقلاب چه میکند؟

بعدش بالاخره یک‌طوری میشود. فئودالها که میگویند دو ماه دیگر رژیم امام به هم میخورد و ما همه شما را میکشیم، اما بدبختها نمی فهمند خدای ناکرده، خدای‌ناکرده اگر اینطوری بشود اول ما آنها را میکشیم و دیگر زندگی را برای چه می ـ خواهیم".

* * *

توضیح اینکه بعداز برکناری دادستان‌بوشهر (حسامی) حاج ناصر بنافی نیز از زندان آزاد گردید (۵۹/۲/۱۱) و این گزارش قبل از آزاد شدن وی تهیه گردیده.

● تلاش هواداران در اولین سالگرد انتشار امت

دراولین سالگرد امت هواداران جنبش مسلمانان مبارز در لنگرود و اردبیل نیز نمایشگاهی همزمان با تهران و سایر شهرستانها داشتند. در این نمایشگاهها پوسترها و عکسها و طرحهائی از "امت" به نمایش گذاشته شد.

آنچه برای برادران و خواهران هوادار دلگرم‌کننده بود، استقبال مردم‌ازنمایشگاه و مشارکت آنها در هرچه پربار تر کردن نمایشگاهها بود. امید اینکه این تلاشها در جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم مبارز ایران موثر افتد چرا که معتقدیم تداوم انقلاب و ادامهٔ مبارزه بر علیه امپریالیسم جز از طریق آگاهی مردم امکان‌پذیر نخواهد بود.

● اعضای بازداشتی شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت را سریعاً آزاد کنید.

مدتی است که از دستگیری چهار تن از اعضای مبارز شورای اسلامی کارکنان نفت بنامهای سورانی ،سوری ، شکاری و جعفری میگذرد. تلاشهای فراوان اعضای شورا برای اثبات واهی بودن موارد اتهامی آنان که توسط علی‌اکبر معین‌فر طرح شده تاکنون بی‌نتیجه مانده است علاوه برآن تلاشهای شورا با ارسال نامه جهت مقامات مختلف کشور از جمله دادستان انقلاب آقای قدوسی‌نیزبی‌نتیجه‌مانده است. اعمال این گونه سیاستهای ضد شورائی نشان میدهد که مقامات‌شرکت نفت و پالایشگاه آبادان نه تنها به اصالت مبارزات کارگری اعتقاد ندارند، بلکه بجای تیزترکردن مبارزات ضد امپریالیستی ، تلاش در ایجاد تفرقه و تشتت در بین نیروهای کارگری را دارند. ضمن هشدار به کارگران پالایشگاه برای حفظ وحدت خود آزادی فوری و بدون قید وشرط کارکنان مزبور را خواستاو امید داریم اعضای شورای اسلامی با درک‌ماهیت لیبرالهای سازشکار در افشای این عناصر و مبارزه در سوی طرد آنان ازصفوف انقلابیون پیگیرانه به مبارزه خود ادامه دهند.

بخشنامه جدید آقای رئیس جمهور

گامی درجهت تثبیت ماده ۳۳ قانون کار

چندی پیش بخشنامه‌ای از سوی آقای بنی صدر به کلیه آقایان وزراء و سازمانهای دولتی داده شد محتوی و مضمون آن در رابطه با سازمانها چیزی جز تثبیت ماده ۳۳ قانون کذایی کار مربوط به نظام سرمایه داری وابسته نمیباشد.

در این بخشنامه آمده است" آقایان وزرا و مدیران و متصدیان موظفند در موارد کم کاری ، خرابکاری یا اخلالگری در امر مدیریت دستگاه ها در بخشهای دولتی و خصوصی جلوگیری و متخلفین را شدیدا" تعقیب و در صورت لزوم اخراج و به دادگاههای ذیصلاحیت معرفی نمایند"

چنین بخشنامه هایی بویژه در رابطه با واحدهای تولیدی در حقیقت چیزی جز پوشاندن نقاط ضعف دستگاههای اجرایی دولت‌و عدم صلاحیت اکثریت‌مدیران فرستاده شده به کارخانه ها از سوی وزارت صنایع ومعادن نمیباشد که رژیم گذشته نیز جهت پوشاندن فساد ونقاط ضعف خویش و برقراری آرامشی که مورد تقاضاوخواست سرمایه داران و کارفرمایان بود مواد قانونی قانون کار را تنظیم و تصویب وبه اجرا میگذاشتند و اخلالگران را که در فرهنگ سرمایه داری و لیبرالیستی معنی خاصی دارد از کارخانه‌ها اخراج مینمود.

اگر رئیس جمهورهٔ و شورای انقلاب هدفشان اینست که تولید در حد اعلای خود باقی بماند واخلالی در نظم تولید واحدهای صنعتی بوجود نیاید به طور قطع با اجرای چنین شیوه ها و صدور چنین بخشنامه هایی اگر چه ظاهرا" تولید را نظم بخشیده و افزایش میدهند اما در عوض سیستم سرمایه داری وابسته ونظم و ترتیب ویژه‌آن و بنابراین فرهنگ آن راتثبیت‌می‌نمایند. چرا که کارفرمایان وسرمایه داران اینبار بادلگرمی از این بخشنامه ها در جهت تثبیت قدرت از دست داده خود و حاکمیت نظام سرمایه داری‌وابسته که محیط طبیعی زندگی آنانست با اجرای ماده ۳۳ قانون کار هرچه بیشتر شوراهای واقعی کارگران را تضعیف‌نموده کارگران مبارز و مسلمان راتنها بدلیل اخلال در امر مدیریت اخراج مینمایند.

با صدور چنین بخشنامه هایی بطور قطع میتوان تصور نمود که آئین نامه شوراها که درحال تصویب میباشد چیز متفاوتی با آئین نامه پیشنهادی دولت موقت نخواهد بود ومیتوان آینده نزدیک را در کارخانه‌ها به آسانی مشاهده نمود که شوراهای کارگری یا منحل خواهند شد ویا بصورت بازیچه‌ای در دست کارفرمایان و مدیران عامل صرفا" جنبه مشورتی و حتی نازلتری نسبت به سندیکاها خواهند یافت. که چنین آینده‌ای بطور قطع آغازگر آینده درخشان سرمایه داری‌وابسته به امپریالیسم خواهد بد.

اما بطور قطع کارگران آگاه چنین بخش‌نامه‌ها وآئین نامه هار ایهمانگونه که از دولت موقت نپذیرفتند و شوراهای کارگری را علیرغم مخالفتها و مقاومتهای‌وزات کار تشکیل دارندو بدینوسیله حتی مدیریت را نیز در دست گرفتند وحتی از اینطریق تولید رانیز افزایش دادند اکنون نیز چنین خواهند کرد و راه خویش را که راه امام و پدر طالقانی است‌تا به‌آخر یعنی زمانی که شوراهای اصیل با محتوی اصیل اسلامی در کلیه واحدهای کارگری بوجود آید ادامه خواهند داد.

در پایان‌همانگونه که بارها در عمل دیده‌ایم وبارها گفته‌ایم بار دیگر تکرار میکنیم که افزایش تولید و کار وتلاش تنها در مسیر مبارزه باامپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته واز طریق‌نظام شوراها و واحدهای کارگری امکان پذیر است و تنها صحبت از افزایش تولید در چهارچوب نظام شورائی معنی‌می یابد اگر غیر از این باشد تمامی این نظریات و بخشنامه ها بر آب خواهد بود.

بخش کارگری هواداران
جنبش مسلمانان مبارز
شیراز ۵۹/۲/۲۷

● هشدار به‌مسئولین وزارت کشاورزی

امسال که بهمت و تلاش شبانه‌روزی کشاورزان زحمتکش، محصولات کشاورزی فراوانی در بسیاری از نقاط کشور فراهم شده است، با توجه به محاصرهٔ اقتصادی امپریالیزم، کمک به کشاورزان برای برداشت و حمل این محصولات دارای اهمیت فراوانی است.

در حالیکه ناآرامیها و اختلافات ساختگی و توطئه فئودالهائی که زمینهای تصرفی آنان تقسیم شده است، زحمتکشان روستائی را نگران کرده است، عدم وجود وسایل برداشت کافی و نامشخص بودن سیاست خرید دولت و از بین رفتن "جاده‌هایی که بتوان سریعا" محصولات را به شهر رساند از جمله مشکلاتی است که باید سریعا" حل‌شود.

بهمین منظور لازم است ضمن سم‌پاشی و آماده سازی سیلوها و انبارها و مراقبت کافی از محصولات و خرمنها، در خرید و حمل آنها با قیمت مناسب برنامه‌ریزی اصولی و سریعی بعمل آید. کلیه جوانان مبارز و انقلابی وظیفه دارند دراینمورددر سوی کمک به کشاورزان از هیچ کوششی فروگذاری ننموده و ضمن تشریح موضوع محاصرهٔ اقتصادی برای کشاورزان، آنان را به تشکل و اتحاد برای مبارزه با توطئه‌ها فرا خوانند.

یادهجرت وشهادت معلم انقلاب، شهید شریعتی راگرامی میداریم

انقلاب فرهنگی ـ آموزشی
زمینه و شرایط آن (۲)

۱ ـ وابستگی ـ بعداز عصر مشروطه که اندیشهٔ تجدد طلبی بشدت رواج یافت، ایجاد یک نظام نوین آموزشی برمبنای نظامهای آموزشی اروپا بین روشنفکران فرنگرفته بشدت مطرح گردید. بهمین دلیل به بهانهٔ نوسازی و نوآوری صدها سال تجربه ملی‌و منطقه‌ای در زمینه آموزشی کنار گذاشته شدو پایه های نظام آموزشی فعلی، بدون توجه به زمینه های اقتصادی واجتماعی جامعهٔ آن روزگار گذاشته شد.

این نظام بدلیل بی هویتی و بی ریشگی و تناقضی که با بافت سنتی و قدیمی تولید و روابط اجتماعی داشت، بسرعت عدم توانائی خود را برای پاسخگوئی به نیازها نشان داد. برای رفع مشکلات‌و تنگناهای موجود در این نظام نیز همواره دست نیازبسوی ممالکی که این الگوی آموزش از آنجا اتخاذ شده بوددراز میشد و کارشناسان غربی برای حل این بحرانها و تضادها بطور دائمی به کشور گسیل میشدند.

بدینترتیب کارشناسان خارجی نه تنها برای حفظ این نظام تلاش‌میکردند، بلکه با صرف مخارج سنگین و جدیدی و اضافه و کم کردن روشهای خاص خود در زنده ماندن نظامی که حیات آن از هر نظر به تغذیه از منابع اطلاعاتی (کتابها، سازمانها...) و ابزار غربی (تلویزیون آموزشی، ماشینهای آموزش...) وابسته بود تلاش میکردند.

نظرات تربیتی و آموزشی متناسب با این نظام نیز اساس فلسفه و هدفهای آموزشی بود. بدینترتیب نظام آموزشی نه تنها برخاسته از اندیشه‌وتفکر نبود، بلکه در سوی تقویت فرهنگ امپریالیزم نیز فعالانه شرکت‌می جست.

۲ ـ تمرکز ـ از آنجا که اتخاذ تصمیم درزمینه آموزش کشور درمرکز گرفته شده و رابطه بخشنامه‌ای جای خود را به رابطه‌ای خلاق و فعال داده بود. باتوجه به کندی کار نظام بورکراتیک، مسائل گوناگون نظام بنحو چشمگیری رو به افزایش می گذاشت. عدم دخالت معلمان در اتخاذ تصمیم و عدم بکارگیری و خلاقیت واستعداد مدیران سطوح پائین کندی کار و بی‌علاقگی و سردی دست اندرکاران صدیق نظام آموزش‌را نیز بدنبال داشت. عدم توجه به نیازهای منطقه‌ای و طرح برنامه های سرتاسری بدون رابطه با واقعیتهای محلی این‌بن بستهای نظام‌را افزایش داد.

۳ ـ عدم مشارکت ـ آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی وطبیعتا" مانند هدفها و دیگر بدون مشارکت همه جانبهٔ مردم نمیتواند پویا و متحرک تلقی شود. رژیم سابق نه تنها توده های مردم، بلکه دانش‌آموز، معلم و دانشجو را از شرکت در سرنوشت خودمحروم کرده بود. این عدم مشارکت و اتخاذ تصمیم در پشت اطاقهای در بسته و کنفرانسهای اجتماعی اقتصادی برخوردار باشند. اخذ نمره بعنوان تنها هدف نظام بشدت تبلیغ وبالنتیجه مدرک گرائی بلحاظ گرایش و جاذبیت نظام بورکراتیک ادارات دولتی و کم بها دان به کار تولیدی و یدی، بشدت درحال افزایش بوده است.

۶ ـ تبعیض در بهره گیری از امکانات ـ شکل طبقاتی جامعه و تقسیم نا متعادل امکانات در مدارس‌نیز نا‌ئیر خاص خود را داشته است فرزندان طبقات محروم از مدارسی استفاده‌کرده‌اند که‌فاقد ساده ترین امکانات بوده است، در صورتیکه مدارس ملی با تجهیزات‌و امکانات بسیار فراوان در خدمت فرزندان طبقات مرفه بوده است.

همین موضوع از جمله دلائل افت تحصیلی بسیار فراوان دربین طبقات محروم و فرزندان زحمتکشان محسوب میشود. این توزیع غیر عادلانه امکانات باعث شده است تا راهیابی جوانان خانواده‌های مستضعف بدانشگاه با اشکال صورت گیرد.

● نظام آموزشی نه تنها برخاسته از اندیشه و تفکر نبوده بلکه در سوی تقویت فرهنگ امپریالیسم نیز فعالانه شرکت می‌جست.

۷ ـ تا‌کید بردهنیت ـ نظام آموزشی بعلت تا‌کید فراوان بر پرورش ذهن به زائده‌ای که هیچ نقش اجتماعی واقتصادی ندارد تبدیل شده است. کم بها دادن به کار عملی و یدی جوانان را بسوی قبول زندگی مصرفی وانگلی هدایت نموده است. کار نظام آموزش در حقیقت تغذیه نظام بورکراتیک‌که‌وتقویت رابطه‌های امپریالیستی را بعهده داشته بود و رسالتی‌جز تربیت مصرف کنندگان وابسته به دولت نداشته است. تربیت افراد درزمینه های ذهنی متناسب با برنامه های آموزشی غربی باعث شده است که دانش آموختگان پس از فراغت از تحصیل‌هیچ رابطهٔ متناسبی بین اندوخته های خود و عینیتهای‌جامعه ندیده و از آنجا که فاقد آموزش کافی برای تحلیل ریشه های این مشکل بوده‌اند، غرب را برای خود محیط‌مناسبی تلقی کرده و به‌آن دیار مهاجرت و فرار مغزها را باعث شده‌اند.

جذب مغزها که از برنامه های مهم امپریالیزم است باعث شده است که اندیشه‌های کارآمد و نخبه تن به خدمت تام و تمام به امپریالیزم بدهند بطور کلی از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۴ نزدیک به ۸۵ هزار دانشمند و متخصص از سایر کشورهای دنیا به امریکا مهاجرت نمودند. درکشور امریکا ۴۰٪ از برندگان جوائز نوبل مهاجرین خارجی بوده‌اند. در تعقیب همین سیاست است که سازمانهای بین المللی آموزشی از قبیل یونسکو کمکهای‌گوناگونی در سوی تحکیم نظام فاسد شبه امریکائی کشور ما ارائه میکردند.

نکته بسیارمهمی که ذکر آن ضروری است، آنستکه عوارض و بیماریهای مربور با یکدیگر رابطهٔ متقابل داشته و هرکدام دیگری را بشدت تقویت‌میکند. علاوه برآن حاکمیت امپریالیزم امریکا برهمه نهادهای کشورمان از جمله آموزش و پرورش باعث شده است تا این نهادها همگی سیاست واحدی را تعقیب نمایند. بنابراین همانطور که ذکر شد ملاحظه مشکلات‌آموزش و پرورش جدا از نابسامانیهای اساسی اقتصادی ـ اجتماعی افتادن در دام رفرمیسم و لیبرالیزم است.

● کم بها دادن به کار عملی و یدی جوانان را بسوی قبول زندگی مصرفی و انگلی هدایت نموده است.

برای چاره نمودن این مشکلات‌و پی ریزی یک نظام نوین آموزشی که بتواند پهلو به پهلوی نظام اجتماعی ـ اقتصادی حرکت کند، لازم است درآموزش و پرورش اسلامی اجتهادی متناسب باشرائط انقلابی موجود بعمل آمده و برمبنای آن نظام موجود بازسازی شود.

عمده ترین ویژگیهای آموزش و پرورش اسلامی را که میتواند مبنای‌اساسی برای پی ریزی یک نظام نوین آموزشی باشد میتوان بشکل زیر فهرست نمود:

الف) استقلال ـ نظام آموزش اسلامی ضمن پذیرش خرده فرهنگها و دستآوردهای‌علمی از پذیرش هر نوع عقیده کفر وشرک که در نهایت پویائی اندیشه اسلامی را بخطر اندازد احتراز می‌جوید. در طول تاریخ همواره شاهد بوده‌ایم که نظام آموزش اسلامی‌گام به گام بازمان به پیش آمد و در برابر تهاجمات گوناگون ایستادگی نموده است. علاوه برآن چون بودجه این نظام از طریق موقوفه ها (ونه دولت) تا‌مین میشده استقلال فکری مکاتب گوناگون حفظ و وجود اختلافات عقیده های فلسفی باعث رشد و تحول بوده است. این نظام هرگز شاهد تکفیر فلاسفه و دانشمندان توسط مکتب فکری دیگر نبوده و اگر هم گاهی برخورد رخ میداده تنها به تحریک خلفاء و شاهان واستفاده از بخشی از توده بعنوان چماق سرکوب بوده است.

ب)علم گرایی بجای مدرک گرایی ـ کلیه محصلان نظام آموزش وپرورش اسلامی تنها به انگیزه تعالی خود وارتقاء جامعه در پی کسب دانش بودند و علم را وسیله ترقی فردی وقدرت گرفتن تلقی نکرده بلکه آنرا وسیله شناخت‌میدانستند.

از آنجا که هدف اخذ مدرک نبوده و اساسا" به هیچکس مدرکی داده نمیشد، در سایه بحثهای عمیق وهمه جانبه خلاقیتها بکار گرفته میشد، در حقیقت مدرک دانش آموختگان توسط جامعه داده میشد. بدین معنی که اگر فرد قادر به رفع نیازهای جامعه خویش بود، مثلا" پزشک متخصص ودلسوز با حقوقدان کارآمد و عادلی بود مردم با مراجعه بوی و بهره گیری ازتخصص و دانش وی او را تائید مینمودند. در پشت کتاب‌هرکس (پس از پایان یکدوره درس) درک درست فرد از کتاب بمنظورادامه کار وی با سایر استادان تائید میگردید. اعتماد عمیق بین معلم و محصل و رابطهٔ دائمی بین آنان باعث میشد که امتحان یک وسیله ارزشیابی مشکلات‌ونه محل منازعه استاد و دانشجو بر سر نمره باشد.

بقیه در صفحه ۱۲

☆ ✹ ☆

یادی از استاد مرتضی مطهری

هفته گذشته سالروز بوطئهٔ ناجوانمردانه قتل استاد مرتضی مطهری متفکر و محقق اسلامی بود. در صدد بودیم که در شماره بیستن امت ضمن اشارتی به این حادثه درباره شخصیت فکری علمی و سیاسی آن مرحوم مطلبی درج شود از آنجا که توصیف شخصیت مطهری به تحلیل دقیق و موشکافانه‌ای نیازمند بود و هر اشاره کوتاه و سطحی، در هر حال توصیف ناقص و احیانا" گمراه‌کننده‌ای محسوب می‌شد، این کار به وقت دیگری موکول گردید. اما طرف دو هفته اخیر چند نفری از دوستان ضمن نامه و یا با تلفن درباره علت سکوت ما سوال کردند که دلیلی جز آنچه در بالا آمد نداشته است.

هنوز هم بر این اعتقاد باقی هستیم که افراد تنها از یک بعد شخصیتشان شناخته نمی‌شوند بهمین جهت اگر قرار است شخصیتی بدرستی معرفی شود، لازم است همه ابعاد کار و آثار وجودی وی در طول زمان مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار گیرد و اینکار در مورد استادمطهری به فرصت کافی نیاز دارد.

بی شک مطهری در تاریخ معاصر از زمره کسانی بود که در فرهنگ و اندیشه اسلامی به تحقیقات عمیق و بنیادی دست زده‌اند. وی احاطه وسیعی به فلسفه اسلام و تاریخ‌اسلام داشت و در همانحال با قرآن و نهج‌البلاغه آشنا بود. از این رو میتوانست در باره هر موضوعی، از جنبه‌های مختلف علمی، فلسفی و منابع قرآنی و نیز حدیث به بحث بپردازد و این توانائی به نوشته‌ها و مباحثات وی غنای خاص می‌بخشید.

مطهری در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ جزء اندک دست ـ اندرکاران اسلام‌سیاسی بود که در معرفی درست‌تری ازاسلام‌بخوبی از عهده برآمد و در اینکار موفق بود. در این دوره روشنفکران غیرمذهبی به تقلید روشنفکران قرن ۱۹ اروپائی مذهب را یک سلسله اوهام و خرافه و ناشی از جهل و ترس و ساخته طبقات و دولتهای حاکم‌بمنظور تخدیر توده‌ها و توجیه استثمار و حاکمیت ستمگرانه میشناختند.

کسانی چون مطهری می‌کوشیدند چهره اسلام را از زیر پوشش این اتهامات بیرون کشیده اساس استوار و منطقی و قابل دفاع آنرا نشان دهند. با این تفاوت که مطهری برخلاف همگامان خود در این دوره یکسره به تطبیق دادن اسلام با علم و دستآورد ـ های علمی غرب ننشست و نکوشید بلکه بعکس تمایز فلسفه و عقاید اسلامی را از فلسفه و تعالیم جدید اروپائی تشخیص داد و بر آنها تاکید ورزید. وی در اثبات برتری معارف اسلامی، فلسفه و جهان‌بینی آن بر فلسفه مغرب‌زمین، همیشه موفق بود.

کتابهای مطهری در رفع بسیاری سوءفهم‌ها و برداشتهای غلط از مفاهیم و اصول واحکام اسلامی موءثر بوده‌اند. وی فلسفه و مسائل عقلی و پیچیده فکری اسلامی را به زبان سادهو قابل استفاده برای‌نسل جوان برشته تحریر درآورد.

در باورقی کتاب روش رئالیسم و نوشته هائی چون عدل‌الهی و انسان و سرنوشت، بسیاری مفاهیم دشوار فلسفی و اعتقادی با موفقیت طرح و تشریح شده‌اند.

هر اندازه اسناد مطهری در کار روی اصول پایه و فلسفهٔ اسلامی پای فشرد در معرفی ابعاد اجتماعی ـ سیاسی اسلام یکندی گام برداشت و تفاوت‌عمدهٔ کار وی با کار دکتر شریعتی یکی هم در این بود که نتوانست اسلام را بعنوان یک ایدئولوژی مکتب، راه نمای عمل اجتماعی ـ سیاسی معرفی کند.

مطهری بامسائل سیاسی و مبارزات ملت در شرایط سخت‌و دشوار بعد از کودتای ۲۸ مرداد محافظ کارانه برخورد میکرد و همکاری های وی با اشخاصی نظیر سید حسین نصر رئیس انجمن سلطنتی فلسفه مورد انتقاد بود. بهمین جهت در آن ایام خود را درگیر حل مسایل فکری‌نسل جوانی که در جستجوی راهی برای مبارزه و آزاد شدن از اسارت فکری و سیاسی رژیم بودند نکرد.

مطهری در دادن اعتماد بنفس به جوانان مسلمان در برابر فرهنگها و اسم های بیگانه گامهای موءثری برداشت. لکن تا مدتها از پرداختن به نیاز مردمی که مشتاق آزادی‌و عدالت و قانون مبارزه از درون جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی بودند خودداری می ـ ورزید.

در سالهای سخت دهه ۵۰ وی بیشتر به‌شناخت فلسفی واصول عقاید میپرداخت. تا نشان دادن راه مبارزه از درون فرهنگ اسلامی کاری که شریعتی به استواری در آن گام نهاد. لکن در سالهای اوج انقلاب وی بیش از پیش جذب‌جنبش گردید و در خدمت آن سخن گفت و قلم زد. در زمینه‌ی احیای فرهنگ اسلامی، مطهری بیشتر به تشریح روش و قابل استفاده تعالیم فلاسفه بزرگ اسلامی قناعت ورزید. اما کنکاش وی در بحثهای فلسفی و افکار ملاصدرا در معرفی اندیشه‌های این عالم نوآور و مسلمان بسیار سودمند بود.

بااینحال وابستگی در چارچوب فلسفه و کلام اسلامی‌که بهرحال زیر نایش فلسفه یونان هم بود، اجازه تحرک آزادتر به اندیشه وی نمیداد.

ما فقدان وی را برای جامعه اسلامی یک ضایعه‌ی علمی میدانیم و بخاطر آن به مردم ایران و امام تسلیت میگوئیم.

" هرگز این محصر را در معرفی ابعاد مختلف شخصیت و کارهای مطهری کافی نمیدانیم و تفصیل آنرا به وقتهای بعد موکول مینمائیم.

بازهم هشداربملت قهرمان ایران

بقیه از صفحه ۱

است که اخبار آن بطور پراکنده در جراید به چشم می‌خورد. طبق‌اطلاع تلفنی یکی از افراد متعهد نیروی هوائی در یکی از موارد ورود هواپیماهای دشمن روی صفحه رادار توسط ماموران مراقبت، دریافت و گزارش می‌شود و به یک شکاری فرمان تعقیب میدهند، خلبان شکاری ضمن پرواز متوجه میشود که رادار هواپیما کار نمی‌کند و لذا بی‌آنکه قادر به‌دیدن هواپیمای دشمن باشد به فرودگاه باز می‌گردد.

با توجه به گزارشهای مشابهی که ظرف چند روز اخیر از منابع مختلف درباره فعل و انفعالات مشکوک در ارتش منتشر شده و نیز اعتقاد راسخ آقای چمران مشاور وزارت دفاع و نماینده امام در شورایعالی دفاع مبنی بر حاکمیت فرماندهان طاغوتی و مناسبات استعماری در ارتش چه مقامی خود را در برابر خطراتی که از این سو انقلاب را تهدید می‌کند مسئول می‌داند؟

جائی که رئیس‌جمهور اظهار می‌دارد: ... حتی اگر ما جای رادارها را هم عوض می‌کردیم آنها می‌دانستند که ازچه‌فاصله‌ای عبور کنند.

اقداماتی که‌علیه پرسنل انقلابی و متعهد در تمام سطوح ارتش و نیروی هوایی انجام می‌گیرد و نیز بخشنامه و دستور غیر عادی اعزام همه اعضای انجمنهای اسلامی واحدهای ارتشی به کردستان رویهم ضرورت یک اقدام فوری و اساسی در بازسازی ارتش را پیش می‌آورد. با توجه به این تحولات ووقایع نگران کننده و تهدیدآمیز و تلاشی که دشمن با سرعت برای سازماندهی مزدوران و عوامل وابسته خود در داخل کشور بعمل می‌آورد، خبر آزاد شدن چندصدنفر زندانی‌های اوین و عدم افشای نام آنان به دلائل امنیتی برای آگاهان شگفت‌انگیز و سوال برانگیز است. اتهام این زندانیها چه بوده که بدلائل امنیتی نام آنها نباید فاش شود.

قاعدتا" این‌افراد ساواکی و ضدانقلاب هستند که نامشان را از ترس مردم آشکار نمی‌کنید. آیا در شرایط حساس کنونی افزودن بر تعداد ساواکیها و ضدانقلابیون آزاد در جامعه به نفع کیست؟ انقلاب یا امپریالیسم؟

ما به همه خلق قهرمان و مسلمان ایران هشدار می‌دهیم ومعتقدیم مردم باید خود با تشکیل یک سیستم مقاومت در همه نقاط کشور از انقلاب در برابر دشمن دفاع کنند. از این رو مجددا" بر پیشنهاد تشکیل واحدهای بسیج ومقاومت تاکید می‌ورزیم.

مردم باید بدانند همانگونه که انقلاب علیه رژیم را به‌نیروی ایمان و همبستگی و فداکاری خود پیروز کردند، هم‌اکنون هم خود متعهد به دفاع از آن هستند و نباید چشم امید به دستگاههای مسئول یا ارتش و مشابه آن بدوزند. بی‌شک در مقابله با دشمن چنانکه در جریان انقلاب علیه رژیم همه برادران سرباز و افسران متعهد و انقلابی در ارتش و نیروی هوائی در کنار مردم خواهند بود.

★ ★

گزارشی از شورای طرحهای ...

بقیه ازصفحه ۴

اعضای شورا در مقابل طرح کردند که مگر پیمانکار هنگام تقبل یک پروژه چه می‌کند؟ جز این‌است که فقط یک امضاء می‌دهد؟ اگر شما ما را برسمیت بشناسید، مامی‌توانیم مسئولیت بپذیریم و در جهت بسط‌و توسعه شرکت‌عمل کنیم که کارگران دراینجا با این جواب که: دستورات باید از بالا بیاید و طرحها باید به مناقصه بین پیمانکاران گذارده‌شود روبرو شدند. "درجلسه نماینده سندیکای پیمانکاران نیز حضور داشت".

از دیگر دلایل عدم برسمیت شناختن شورا از طرف مدیر عامل این بود که هنوز آئین‌نامه مربوط به شوراها نیامده تا ما آنها را به جای پیمانکار برسمیت بشناسیم و پروژه‌ای هم در دست نیست که آنرا در اختیار شورا بگذاریم. این جلسه که حاکی از صداقت و پاکی کارگران و وفاداری آنها به انقلاب و مکتب بود، بدون گرفتن تصمیم مشخصی به پایان رسید. البته قرار شد که طرح ناقصی اجرا شود که از بیکاری این ۲۰۰ نفر جلوگیری گردد که در این مورد هم شورا با تمام توان خود در جهت پی‌گیری آن عمل می‌کند که خواهان موفقیت آنها در حل این جریان مقطعی هستیم.

والسلام

امریکا، ژنرالهای ارتش شاه و...

بقیه از صفحه ۱

ریخت. افرا دگارد جاویدان در هوای برقی در لویزان در نمایشهای رزمی فریاد مردند زنده باد شاه ـ مرگ بر خائنین . . . نشاط فرمانده گارد جاویدان به خبرنگاران گفت: این سربازان آماده‌اند آخرین قطره خون خود را برای اعلیحضرتین (شاه و شهبانو) بریزند وی ادامه میدهد که اعلیحضرت به یکی از شهرهای تعطیلاتی معمول خود رفتند و سربازان به غربت شاه به این شکل نگاه میکنند وقتی اعلیحضرت برگردند سربازان اینجا خواهند بود و مانند همیشه آماده‌اند که خون خود را نثار کنند.

امپریالیسم امریکا به سرکوب خونین خلق وسیله این جناح از سرکردگان ارتش شاهنشاهی جسم دوخته بود و حاضر بود بقیمت اتحاد جنایت های خون ریزالهای دست آموز خود را از حمایت از شاه خائن تحریص و تشویق نماید ـ شاه جنایتکار در رأس ماشین جنگی عظیم سرکوب خلق قرار داشت و بارها ادعان نموده بود که اگر قرار برقص او باشد ایران را به ویرانه‌ائی مبدل خواهد ساخت.

شاه مخلوع در مصاحبه خبرنگار فیگارو در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۷۹ چنین میگوید: خبرنگار: خطور و چه وقت دیگر از تسلط به اوضاع ایران مأیوس شدید.

شاه: با آزادی هائی که داده بودم باعث شعله ور شدن انقلاب شدم و میتوانستم با رویه سخت گیری و شدت و فشار شعله آنرا خاموش کنم من فکر نمیکردم که باید یک کشتار دسته جمعی را موجب شوم اگر چه در اطراف من اشخاص زیادی مرا به این امر تشویق میکردند بدیهی است که اگر اقدامات آزادی خواهانه (؟) نبود هیچ اغتشاش واقع نمیشد وی گفت: بفرض دارم اگر نصیحت آنهائیکه می‌گفتند کشور را برک کنم (؟) گوش نمی کردم ارتش وفادار باقی میماند.

روز ۱۳ آبان‌ماه ۵۷ تهران شاهد وحدت تصمیم نهائی امپریالیسم امریکا و شاه و جناح سرکوبگر ارتش برخشونت وکشتار و دیکتاتوری خونین و خشن بود ـ در آن روز تهران بدست ساواک در آتش می ـ سوخت و بوی خون و خشونت فضای تهران را آکنده بود ـ دیگر از ریاکاریها و سجاده نرویر پهن‌کردنها و نسبت دادن خود به خانواده روحانی شریف امامی خبری نبود ـ این ژنرالهای تاج و ستاره بدوش بودند که از راه میرسیدند ـ امام از مردم خواستند که توجهی به اصول و مقررات حکومت نظامی نکنندو با فرا رسیدن ماه محرم در اولین روز آن شاهد تظاهرات گسترده شانه مردم تهران در ساعات منع عبور و مرور شانه بودیم که درآن شب عده زیادی از مردم تهران به درجه شهادت رسیدند این برنامه بطور همه گیر بعد ازتهران به بقیه شهرهای کشور نیزسرایت‌کرد.

کم کم دامنه تظاهرات گسترده تر شد و کارگران غیور صنعت نفت نیز بـــه صف تظاهرکنندگان پیوستند و شیرهای‌نفت را به گلوی کشاد و پر اشتهای امپریالیسم امریکاو متحدانش بستند. محاصره نظامی پالایشگاه و کشتار دائمی مردم توسط‌ارتشی به جائی نیانجامید. روحیه انقلابی مردم بشدت تقویت شده بود و روح برادری و ایثار در خلق قهرمان ایران بطور چشمگیری تظاهر میکرد. مواضع کارتر که ناشی از ماهیت او بود باطلاعات غلطی که بدست او میرسید نسبت داده شد اندره یانگ متحد دموکرات کارتر چنین گفت: ایالات متحده امریکا بخاطر حمایت از شاه مخلوع در دوران سلطنتش دچار اشتباه گردید.

اوج گیری مبارزات قهرمانانه خلق مسلمان ایران بار دیگر طراحان پنتاگون و کاخ سفید را دورهم جمع‌کرد و این بار به توطئه دیگری نشستند ـ شاه رفتنی است و دیگر غیر قابل دفاع، پس باید دست بکار شویم، شاه حتی اگر تمام مردم ایران را با اسلحه هائی که ما در اختیار او گذاشته‌ایم قتل عام کند قادر بحفظ تخت و تاج و رژیم خود نخواهد بود. بنابراین وزیر امور خارجه امریکااعلام کرد که امریکا احساس میکند که درآینده سیاسی ایران شاه دیگر نقشی ندارد.

دولت کارتر برای اطمینان از این احساس یک هیئت ۴۰ نفره از مأموران برجسته C.I.A را برای تحقیق در این مورد به ایران سفرستد (ورود این هیئت توسط BBC مرتب در برنامه های فارسی آن گفته میشد متاسفانه‌بعلت‌توقف روزنامه های فارسی در آن زمان موفق به درج خبر آن نشدند) این هیئت بعد از مدتی تحقیقات در ایران وآگاهی از جریانات درون ارتش ایران و اطمینان به آمادگی جناح لیبرال ارتش برای‌حمایت طرح های آینده کاخ سفید گزارشی در باشد حذف شاه از صحنه سیاسی ایران به دولت کارتر میدهد در همین زمان زمزمه احتمال‌مسافرت شاه برای استراحت و روی کار آوردن دولت غیر نظامی صدیقی ـ امینی ـ بختیار در افکار عمومی ایران پخش گردید درهر صورت

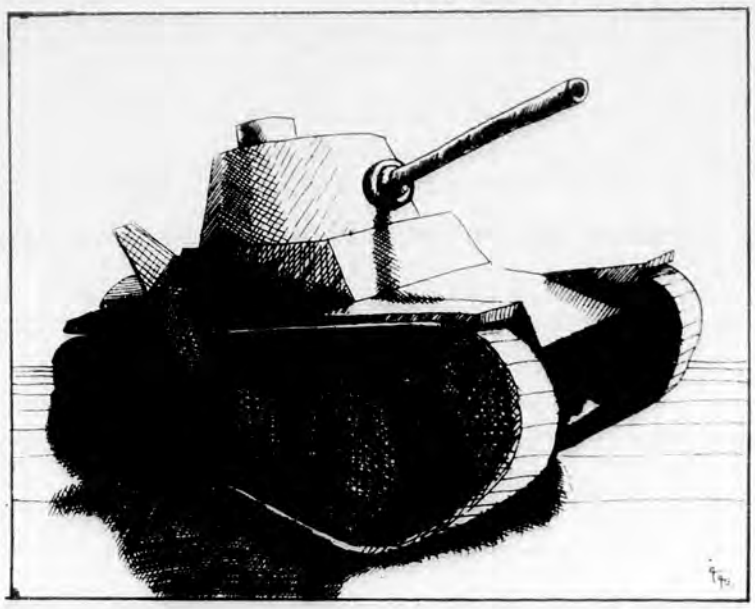

گزارش این هیئت‌منجر به خروج شاه از ایران شد و براساس این گزارش کارتر مقدمات تشکیل کنفرانس کوادلوپ را برای ایجاد تصمیمات‌نهائی فراهم ساخت دراین کنفرانس‌علاوه بر امریکا ـ آلمان غربی ـ فرانسه ـ انگلیس نیز شرکت داشتند. در تصمیمات دراین کنفرانس طرح کارتر بدین صورت شکل میگیرد:

۱ ـ تبعید شاه از ایران برای همیشه

۲ ـ فرستادن ژنرال هویزر که از مأموران چهار ستاره و ممتاز سیا و معاون نیروهای نظامی ناتو در اروپا بود. برای فراهم‌کردن زمینه اجرای طرح ونس و جلوگیری از وقوع کودتای ناخواسته در ایران توسط‌جناح بختیار و ارتش.

۳ ـ ایجاد جنگ روانی فرسایشی مانند برشادن مردم از کودتا، در صورت رد حکومت بختیار.

۴ ـ فراهم ساختن زمینه مذاکرات با جناح های لیبرال و سازشکار آنچنانکه در اسناد افشا شده جاسوسخانهٔ امریکا روشن شد. فرستـــادن ناوهای گوناگون به خلیج فارس واقیانوس هند نیز از همین قبیل برنامه ها بود. ورود ژنرال هویزر را دولت امریکا برای سرکشی به مأ سیسات جاسوسی امریکا در ایران ذکر کرد (جان کلی اطلاعات ۵۸/۳/۱۲)

مشابه همین مأموریت در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۲ ش ـ ق) به ژنرال شوارتسکف در ایران داده شده بود که وی عملاً" برای رهبری و در دست‌گرفتن کنترل ارتش برای انجام‌کودتا به تهران آمده بود وی بعد از فرار شاه ۱۰ میلیون دلار پول C.I.A را برای تظاهرات بنفع شاه بین عده‌ای اوباش ـ قمه کش و قواحش پخش کرد. ولی اینبار این مأمور سیا برای جلوگیری از کودتا و فراهم نمودن زمینه طرح های بعدی دموکرات ها به ایران گسیل داده شده بود. برای اثبات این مدعا به خبرهائی در این مورد توجه کنید.

۵۷/۱۱/۱۸ اطلاعات به نقل از خبرگزاریها. وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) اعلام کرد که هویزر ایران را ترک کرده وی مأموریت داشت در طول اقامت خود فرماندهان ارتشرا از کودتا برحذر دارد.

۵۷/۱۰/۱۹ کیهان به نقل از B.B.C در امریکا این خبر تائید شده که یکی از افسران نیروی هوائی امریکا بنام‌ژنرال رابرت‌هویزر که از ایران دیدن میکند از فرماندهان نظامی ایران خواسته که اردولت غیر نظامی بختیار پشتیبانی کنند.

دلیل عدم تمایل دولت امریکا در وقوع کودتا در حین انتقال ـ قدرت‌را از زمان مأمور عالیرتبه (جاسوسی) امریکادر سفارت ایران‌میتوان یافت این سند توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام مستقر در لانه جاسوسی امریکا فاش شد که حاکی از جریانی انحرافی و سازشکار درجهت انحراف مسیر اصلی‌انقلاب اسلامی ایران بود.

اطلاعات ۵۸/۱۱/۱۸

ارسفارت امریکا ـ تهران

به وزارت امور خارجه‌واشنگتن (دی‌سی)

مأمور سفارت: تلاش خمینی به‌منظور تشکیل یک دولت رقیب بعد از ورودش میتواند خطرناک باشد.

انتظام: آیا منظور از این حرف احتمال وقوع کودتا است.

مأمور سفارت: این احتمال کاملا" از صحنه بیرون نرفته است. در روزهای اخیر احتمال وقوعش هست‌هیچ کس نه ارتش نه امریکا و نه مخالفین حقیقتا" نمیخواهند کار به اینجا بکشد.

انتظام: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکائی ملاقات کند برای مذاکره درباره منافع امریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین امریکا و جنبش اسلامی که‌خواستار روابط خوب باامریکاست. در یک گفتگوی‌کوتاه جداگانه‌ای مأمور سفارت‌توسط ناصر میناچی اطلاع یافت که مـــلاقات رهبران نهضت آزادی و سران ارتش (؟) احتمالا" در غروب ۲۲ ژانویه اتفاق خواهد افتاد میناچی نظرش این بود که خمینی تصمیم به بازگشت در ۲۶ ژانویه گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۰

● اوج گیری مبارزات قهرمانانه خلق مسلمان ایران بار دیگر طراحان پنتاگون و کاخ سفید را دورهم جمع کرد و این بار به‌توطئه دیگری نشستند، شاه رفتنی است و دیگر غیرقابل دفاع، پس باید دست بکار شویم.

● بیانیه جوانان مسلمان مبارز تبریز در مورد تهاجم نظامی آمریکا

بنام خدا

تهاجم نظامی امریکا علیه خاک ایران از مهمترین رویدادهای روزهای اخیر بوده و شکی نیست اوضاع‌داخلی ایران زمینه عمل را برای شیطان بزرگ فراهم ساخته است. عوامل گوناگونی که‌از ۲۲ بهمن آغاز شده و اکنون نیز ادامه دارد واین اعمال جراح انجام‌دادن عملیات مختلف را به امپریالیسم جهان‌خوار داده است. کیفیت عملکرد سازمانهای دانشجوئی مسلمان و با توجه به عدم برنامه‌ریزی و سازماندهی و عدم انسجام تشکیلاتی آنان شعار انقلاب فرهنگی نیز مانند دیگر شعارهای انقلابی توسط جریان پیچیده سازشکاری لوث گردید و دانشگاهها به‌آشوب کشیده شد.

عدم اتخاذ یک روش مکتبی ـ مردمی از جانب شورای انقلاب و رئیس‌جمهور در حل مسئله توسعه‌ها، کردستان را تبدیل به یک میدان واقعی جنگ نموده است. اینها و بسیاری از عوامل و عمده‌کشتن اهداف ترقی، امریکای جنایتکار را در اعمال روشهای ضدخلقی‌اش جدی‌تر نمود و بالاخره دست بعمل زد. آنچه که از حمله نظامی امریکا به خاک عزیز ایران عجیب‌تر می‌نماید، موضع‌گیری مسئولین سیاسی کشور است. گوانیکه بینش حاکم بر آنان این موضع‌گیری را کاملا توجیه می‌کند. سوخی انگاشتن این مسئله‌خطیر ازجانب‌سازشکاران ماهیت ارتجاعی آنان را در تغییر بنیادین نظام قبلی و اتحاد روشهای مترقی مکتبی آشکار می‌سازد. بمباران مشکوک هواپیماهای امریکائی و کشته‌شدن فرمانده سپاه یزد در آنجا سوالاتی فراوان را در اذهان خلق دلیر و مسلمان ایران‌ایجاد می‌کند.

هشـــــدار ـــــ اینهم هشدار دیگری است برای خلق بیدار و مسلمان ایران که اندک دقتی کافی است تا ناتوانی کلیه لیبرال مرتجعین و سازشکاران را در حل مسائل داخلی کشور طبق موازین مکتبی و اتحاد مواضع صریح و سازش‌ناپذیر منطبق با خط امام آشکار سازد.

پس بطور کلی از این جریانات نتیجه می‌گیریم که اسلامی مدرن با ماهیت غیرمترقی توسط سازشکاران در حال فرسیم عملی است و بر همگان روشن‌است که در یک روند زمانی آنچه خدشه می‌بینند وجهه سازش ناپذیر امام است و آنچه مسخ میگردد فرهنگ غنی و انقلابی اسلامی است. و اینهمه چه بار سنگینی را بر دوش نیروهای مبارز توحیدی و پویندگان راه الله می‌گذارد.

پس افشای محور اتحاد پنجگانه (سرمایه‌داری وابسته، لیبرالیسم، ارتجاع فئودالیسم، و بقایای رژیم) یعنی لیبرالیسم که عمده‌ترین پایگاه امریکاست وظیفه مکتبی هر جریان رزمنده توحیدی است.

سازش و مماشات و یا سکوت در مقابل این جریان در حکم سازش با شیطان بزرگ است. ما حمله نظامی کثیف امریکا و اتحاد روشهای سازش‌جویانه و غیرمکتبی در مقابل این حمله از جانب مسئولین سیاسی کشور را شدیدا" محکوم می‌کنیم. ما خواستار تشکیل شوراهای اصیل مکتبی برای حاکمیت واقعی مردم و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی با محتوای واقعی طبق رهنمودهای امام خمینی هستیم. ما خواستار افشای تمامی اسناد ومدارک موجود در ساواک‌تهران هستیم.

نابود باد سلطه امپریالیسم آمریکا

نابود باد پایگاههای داخلی امریکا در ایران

هرچه افشاترباد مواضع غیرمکتبی سازشکاران گسترده‌تر با حاکمیت‌خلق مسلمان و دلیر ایران

جوانان مسلمان مبارز

جانبازان سربازان شهید ـ تبریز

بسیج مردم در امر پاکسازی و بازسازی انقلابی هر یکاز موسسات و قطع دستهای عناصر وابسته و فاسد ـ و نیز تجدید حیات تولید و کار اقتصادی ـ در عمل به مردم آموزش مکتبی ـ سیاسی بدهند. سوم) تنها به شرط ایجاد یکچنین حرکت همگانی و سراسری‌است که می‌شود و ضرورت دارد همه جوانان، و تخصص دانشجویان متعهد بمیان مردم‌بروند، در روستاها و شهرها در امر تولید و بازسازی و در هدایت مکتبی تودهها و شوراها شرکت فعال کنند و در همانحال طرح یک نظام آموزشی تدوین و آماده واجرا گردد ـ

موارد فوق یک چند از وظایف مبرم و مجلس شورا در جمهوری اسلامی تحت شرایط حساس کنونی است ـ بی شک امید آن نیست که اقلیتی از نمایندگان مجلس مسئولیتهای خود را در قبال خدا و خلق درک کنند و شجاعانه خود را آماده ایفای آنها سازند ـ اما براساس اصل مکتبی کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته ـ هیچ عاملی نمیتواند مسئولیت همه احاد مردم را از نظارت و دخالت‌مستقیم در سرنوشت انقلاب باز دارد."

لذا معتقدیم که بازهم مردم‌اند که باید با مسئولیت دفاع از انقلاب را در برابر توطئه های امپریالیسم بردوش بکشند ـ بر جوانان مسلمان و متعهد وهمه مردم مبارز میهن مان کدبرای‌مقابله فوری باتهدیدهای دشمن.

۱) در تشکیل‌واحدهای بسیج و مقاومت درهر محله واداره ومؤسسه و روستا و کارخانه و مدرسه اقدام کنند. برادران ما در سپاه پاسداران انقلاب است که هم چنان به عنوان یک نیروی سیاسی وانقلابی وبا بعهده گرفتن رسالتهای‌مکتبی، تعهد خود را در قبال انقلاب مردم فراموش نکنند و تفنگهای خود را برای دشمن که در لباس مزدور خارجی، عامل دست نشانده داخلی، سرمایه دارو مالک‌وخان و فئودال و توطئه گر ظاهر میشود نشانه روند و هرگز اجازه ندهند نیروی آنان بازیچه مصالح افراد و گروهها قرار گیرد."

۲) برادران و خواهران مبارز میتوانند که بطور فعال در امر بسیج مردم در شهر و روستا بمنظور دفاع از انقلاب و سازندگی و مبارزه با سرمایه داران ومالکان وکمک به دهقانان در بالا بردن تولید و تشکیل شوراها و در کارخانجات برای حمایت از شوراهای کارگری‌و بدست آوردن کار تولید و افزایش آن توسط کارگران و در هرمحله و مدرسه برای تشکیل شوراهای مکتبی و هسته هاو واحدهای‌مقاومت نظامی ـ سیاسی شرکت جویند ـ تنها از این راه میتوان آگاهی سیاسی ـ مکتبی مردم را افزایش داد و جبهه نیرومندی در برابر تهاجم نظامی ـ سیاسی و فرهنگی‌امپریالیسم بوجود آورد.

والســـلام

مجلس چه خواهد کرد؟

بقیه از صفحه۲

از هر عنصر آگاه و دلسوز و متعهدی خالی خواهد کرد. اگر جامعه‌ای اسلامی می‌خواهیم باید بنیادها دگرگون شود. تمام موسسات باید درهم بریزد. این کار در درجه اول لازم است که بجای موسسات و ادارات خیلی روی شوراهای مردمی تکیه شود وسپس غالب ادارات و موسسات که وظایفشان به شوراها سپرده شده یا منحل گردند و یا تنها بخش کوچکی از آنها نگاهداری شوند. انقلاب فرهنگی چند شرط اساسی دارد. اول) تعیین اصول مکتبی که‌باید محور و مبنای انقلاب و جایگزینی قرار گیرد یعنی معین شود که کدام اسلام می‌خواهد جانشین فرهنگ کهنه گردد؟ ـ اسلام پیامبر و علی و یا اسلام امویان و عباسیان یا اسلام صفویان؟ چه نوع انقلاب فرهنگی؟ انقلاب فرهنگی متجددان عصر مشروطه علیه مذهب سنتی، مشروعه‌خواهان علیه متجددین یا انقلابی در خط حرکت سیدجمال که بازگشتی بود به اسلام اصیل که در بعد نظام اجتماعی ـ اقتصادی آن تعالیم ابوذر و حکومت علی را بیاد می‌آورد و در بعد مسئولیت اجتماعی‌اش قیام حسین را. دوم) قبول این اصل که انقلاب باید توسط مردم و در سراسر جامعه انجام گیرد. انقلاب از بالا از قبل محکوم به شکست است حتی‌اگر گردانندگان آن حسن نیت داشته باشند. نمونه انقلاب ناصر در تاریخ کم نیست. برای اینکار باید بسیج تودهها تحقق یابد. یعنی شوراها در همه‌جا تشکیل شوند و رهنمودهای مکتبی توسط دستگاههای تبلیغاتی و ارتباط جمعی که بطور مستقل و زیر نظر یک شورای مکتبی عمل کند، و همچنین با راهنمایی جوانان متعهد شروع به کار کنند. شوراها قادر خواهند بود با

با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم

بقیه از صفحه اول

سنت‌ها در تاریخ

یا در این آیه میخوانیم که" اهم خیر ام قوم تبع والذین من قبلهم اهلکنا هم انهم کانوا مجرمین مجرمین (دخان ۳۷)
" آیا آنان بهتراند یا قوم تبع
وکسانی قبل از ایشان که چون مجرم بودند هلاکشان ساختیم واگذاری مسئولیت به انسان نشانه اصالت دادن به عامل درونی است ـ زیرا اگر انسان از خود اراده و اختیاری نداشت و بر محیط خارجی تسلط بدست نمیآورد و تنها تابعی بود از شرایط محیط
در اینصورت چگونه میشد او را مسئول اعمال وسرنوشتش شناخت؟ اصالت دادن به عامل درونی بمعنای نفی جبر کور و مطلق و تحمیل شده از خارج است خداوند به کرات کسانی را که باتکیه بر عوامل خارجی میخواهند از خود سلب مسئولیت کنند، . . . مورد نکوهش قرار میدهد و برهمین اساس تغییر درونی را مقدم بر تغییر شرایط بیرونی میداند. در تحول اجتماعی و تبدیل جامعه از نظامی به نظام دیگر تغییر شخصیت و طرزفکر افرادی که قصد انجام چنین تحولی را دارند ضروری میشمارد، "ان الله لایغیرمابقوم حتی یغیروا مابانفسهم "رعد / ۱۱ ، خداوند وضع اجتماعی و زندگی مردمی را تغییر نمیدهد پیش از آنکه‌شخصیت آنان تغییر کند. شرایط‌مادی زندگی تابعی است از کیفیت درونی شخصیت انسانها، درست است که انسان شخصیت فکری واخلاقی خود را در جریان تجربه بدست میآورد و تجربه رابط ایست که فرد با محیط برقرار میکند ولی همیشه روابط و نظام اجتماعی و وضعیت محیط جامعه از خصلتها و انگیزه‌ها و رفتار مردم متاءثر میباشد، بدیهی است کسانی عامل این تاثیر در محیط جامعه‌اند که ابزار قدرت و تصمیم گیری و عمل را در دست دارند، زیرا تنها با کمک این وسایل است که هر فرد یا گروه وقشری قادر است جامعه را بر اساس آرزوها، تمنیات، خواستها وانگیزه های درونی خود هدایت و متحول سازد، وقتی روابط اجتماعی براساس خواستها و خصلتهای درونی گروه‌ویا فرد صاحب قدرت تنظیم گردید، تا وقتی آن افراد و گروهها با همان خصلت‌ها وانگیزه ها حکومت میکنند، درکیفیت و ماهیت آن روابط تغییری حاصل نمیشود. مثلا" اگرروابط ماهیت‌استثماری دارد، هم چنان پا برجامیماند. ثابت ماندن ماهیت روابط، دلیل ثابت ماندن جامعه و نهادهای آن نیست ، قطعا" با گذشت زمان خیلی چیزها عوض میشود، روشهای نازه‌ای در تولید اقتصادی ابداع میگردد، منابع جدیدی استخراج، ابزار و وسایل نازه‌ای کشف واختراع و جابجائی‌هائی در جمعیت ها و وضع شهرها پدید می آید، نهادهای تازه‌ای تاسیس نهادهای کهنه‌ای از بین میرود لکن تاوقتی افرا دوقشر صاحب قدرت که تاثیر مستقیم روی جامعه دارند، صاحب همان خصلت‌ها و انگیزه های پیشین باشند، ومردم هم بروال گذشته فکر وعمل کنند، ماهیت روابط اجتماعی که استثماری بود وبدون تغییر باقی میماند، اما اگر یک تحول کیفی در خصلت ها وانگیزه های قشر حاکم حاصل شود ویا بخشی از مردم، شرایط درونی خود را از لحاظ ذهنی و رفتاری تغییر دهند. و قدرت تاثیر گذاشتن برجامعه را بدست آورند، شرایط محیط اجتماعی نیز دستخوش تحول میگردد. بهمین دلیل است که قرآن همه آسیب ها و ضایعات اجتماعی و کمبودها و بدبختی ها را همانند فراوانی و نعمت و عدل وآسودگی نتیجه وضع روحی واخلاقی و طرزفکر وانگیزه های افراد جامعه معرفی میکند" . . . ذلک بان الله لم یک مغیرا" نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا اما بانفسهم و ان‌الله سمیع علیم " انفال/۵۳
. . . این از آنجهت است که خدا نعمتی را که به مردمی عطا کرد تغییر نمیدهد پیش از آنکه مردم " خود " را عوض کنند و خدا شنوا و داناست.
در انقلابات اجتماعی قرآن اصالت را به کار انسانها و کیفیت عمل ومبارزه و روابطشان میدهد، روابط درونی و نوع رابطه‌ای که باهم دارند تعیین میکند که چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد، بر دشمن پیروز شده یا شکست خواهند خورد از فقر و بدبختی واسارت‌نجات‌مییابند یا در ذلت و خواری باقی میماند" واعتصموابحبل الله جمیعا ولاتفرقوا ، واذکروانعمت الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخوانا" وکنتم علی شفا حفرمن‌النار فانقذکم منها، کذالک یبین الله لکم ایاته لعلکم تهتدون " (آل عمران/۱۰۳)
به ریسمان خدا (جهان بینی توحیدی) چنگ‌بزنیدو متفرق نشوید نعمت خدا را بر خودتان بیاد آورید زمانی که دشمن یکدیگر بودیدو بین قلبهای شما الفت برقرار کرد و نعمت برادری به شما بخشیدو در کناره آتش بودید شما را از آن رهائی داد ـ این چنین خداوند نشانه های خود را بیان میکند شاید هدایت شوید. در یک نظام طبقاتی ضد توحیدی مردم‌تحت تاءثیر نظم اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی حاکم جدا از یکدیگر و سرگرم تضادها و خصومتهای کاذب وانحرافی‌هستند که رژیم دامن میزند هرکس دیگری را رقیب می ـ پندارد و موفقیت خود را در کنار زدن و شکست دیگری می بیند ـ خاصیت نظامهای استبدادی و طبقاتی همین است که توده را متفرق و دشمن یکدیگر میکنندآتش جنگها و خصومتهای مذهبی ، مرحله‌ای، نژادی، قومی وصنفی راروشن وتیزمیکندتامردم‌متحد نشوند و در برابر قدرت حاکم قدرتی بوجود نیاورند ـ تحت آن شرایط عقاید و تمایلات متفاوت است ـ انگیزه هاهمه فردی وخصوصی است مردم که از ریشه بدبختی ها آگاه نیستند و عوامل اصلی فقر و ظلم و سیه روزی خود را نمی شناسند یکدیگر را گناهکار و مسبب ناکامی ها می ـ شمارند ـ مسافر راننده اتوبوس ومشتری مغازه دار، کارگر، استاد کار، دانشجو، استاد، ارباب رجوع، کارمند و پاسبان را هرکس رفیق وهمسایه وهمکار نزدیک خود را مانع پیشرفت و خار راه ترقی وبهره مندی می بیند ـ در حالیکه چنین نیست تاوقتی افکار متشتت و دلها دور از هم وبازوها جدا و افراد پراکنده و جهت ها متفاوت اند، شرایط دردناک ظالمانه عوض نمیشود ـ اما وقتی همین مردم متفرق و دشمن هم زیر تاءثیر آگاهی و هدایت درستی قرار میگیرند و به خود آگاهی میرسندو به راه درست نجات و رهائی ایمان میآورند ـ خصومت های‌غیر‌اصولی را کنار میگذارند ـ دشمنی های کاذب را فراموش میکنند ـ بهم نزدیک شده در یک صف قرار میگیرند و برادر وار در یک جهت واحد حرکت می نمایند و در نتیجه این اتحاد راه پیروزی و رهائی آنان هموار مشود واز شکنجه وعذاب دائمی خلاصی می یابند.

● اگر سرنوشت را عوامل خارجی تعیین می‌کنند و بدبختی و خوشبختی، گناه و صواب هم از اراده فرد خارج است، در اینصورت چرا باید مردم را مسئول شناخت؟

قرآن شکستهای بعدی راهم که غالبا" نصیب انقلابیون میشود در وهله اول به عوامل درونی نسبت‌میدهد ومانند بعضی‌ها دشمن وعامل خارجی را مسئول و مسبب شکست هانمیداند ـ بسیاری عادت دارند‌ـ شکست یک نهضت را تنها به عملکرد دشمنان خارجی نسبت دهند اگر امریکا و انگلیس متحد نمیشدند و دست به کودتا نمیزدند نهضت ملی ایران شکست نمیخورد و دکتر مصدق سقوط‌نمیکرد ، اگر انگلیسیها طرح کودتا نمی ریختند ورضاخان را سرکار نمیآوردند ـ نهضت آزادیخواهی و مشروطه به پایان خود نمیرسیداین راه آسانترین شیوه سلب مسئولیت از خود است ـ ساده ترین روش تبیین و توضیح حوادث اجتماعی است ـ اما در همان حال در اندیشه قرآنی غلط ترین آنهاست ـ هنوز هم این طرز فکر بشدت بر بسیاری افراد غلبه دارد ـ براساس همین طرز فکر بود که گروهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تسلط انگلیس وامریکا بر ایران ـ وبا مشاهده قدرت نظامی ـ سیاسی امریکا و حمایت کامل که از رژیم استبدادی ایران میکند بر این عقیده بودند که تغییر شرایط داخلی ایران تابعی است از تغییر شرایط خارجی ـ این طرز فکر ـقبلا" هم سقوط دکتر مصدق را نتیجه تغییر روش‌وسیاست امریکا در برابر نهضت ملی ایران میدانست چنانکه در روی کار آمدن دکتر مصدق هم به سیاست خارجی دولت امریکا در برابر انگلستان در آن دوره استناد میکردند ـ در شکل عامیانه‌اش این نحوه فکر همه حوادث اجتماعی را به عوامل خارجی منتسب‌مینمایند ومردم را دست بسته‌تسلیم تصمیمات قدرتهای بیگانه میشمارد ـ مشروطه را انگلیسیها آوردند! رضا خان را انگلستان آوردند خودشان هم بردند ـ حمال عبدالناصر هم تابع سیاست انگلستان بود! گروههای متحاصم در هر کشور یا تابع سیاست های غربند یا شرق، روی کار آمدن و سقوط دکتر مصدق هم نتیجه عمل سیاستهای خارجی بود حالا هم که شاه مورد حمایت کامل آمریکاست‌و آنها خود وی را مجددا" به تخت وتاج نشانده‌اند جز بدست آنها کنار نمیرود بنابراین تاسیاست امریکا در حمایت از رژیم ایران‌تغییرنیابد ،نبایدانتظارتغییراتی در داخل داشت! این طرز فکر و اعتقاد ریشه اتخاذ سیاست صبر وانتظار از طرف این گروهها بود.
آنان‌آهنگ حرکت ومبارزه خود را با عقربه تغییرات در خط مشی های سیاسی امریکاتنظیم میکردند در فاصله سالهای ۳۹ تا ۴۱ که امریکا موضع انتقادی‌نسبت به شاه داشت شروع به فعالیت‌کردند و بعداز آنکه مجددا" شاه راتائید کامل‌نمود فعالیت را کنار گذاردند وخاموش ماندند تا سالها بعد که مجددا" در سایه حقوق بشر کارتر شاه را مورد انتقاد قرار گرفت و اجازه فعالیت سیاسی از بالا و خارج از مرز صادر کردید ـ امید بزرگ این گروهها انتخابات امریکا بود که اگر جناح میانه رو و لیبرال پیروز میشد‌ـ آنرا مقدمه تغییراتی در وضع داخل کشور به حساب می‌آوردند و با چشم به تضادهای احتمالی و گاه خیالی بین انگلیس و امریکا می‌دوختند، موجب تزلزل قدرت رژیم شود و شرایط برای فعالیت مساعد گردد.
به زعم طرفداران مذهب اصالت برون را شروع و رشد و پیروزی انقلاب ایران علیه رژیم شاه محصول تغییرات در سیاستهای جهانی امریکا بود ـ و اکنون هم هر بلائی بر سر انقلاب بیاید مستقیما" نتیجه نفوذ و عمل قدرتهای جهانی میدانند.
این طرز فکر که بیگانه بانگرش قرآن بر مسائل‌تاریخی واجتماعی‌است آثار خطرناکی در امر مبارزه اجتماعی و رهبری و هدایت تحولات در بر دارد.
در مقابل نباید چنین فکر کرد که اگر قرآن اصالت را به عوامل درونی‌میدهد و مسبب پیروزی و شکست ، خوشبختی یا بدبختی‌مردم را، رفتار و روابط درونی جامعه میشمارد، برای عامل خارجی کمترین سهم واثری قائل نیست اما تاءثیر عوامل خارجی تابعی است از شرایط و روابط درونی. درمقابل این طرزفکر در ایران طرز فکری قرار داشت‌که اصالت را به نیروی مردم و روابط وعملکردشان میداد، لذا علیرغم نامساعد بودن شرایط خارجی به کار در میان مردم ودادن آگاهی و بسیج و سازماندهی آنان اقدام میکرد، رهبری انقلاب ایران تابع این تفکر ونگرش قرآنی بود و به قدرت توده ها وایمان وعمل‌آنان اصالت میداد بهمین جهت قدرت دشمن و حمایت امریکااز رژیم را چندان بها نداد ودر انتظار اشارات سیاسی قدرتهای خارجی ننشست و در نتیجه از مردم قدرتی مستقل از قدرتهای خارجی بوجود آورد، در آن طرزفکر مردم همیشه تابعی هستند از دوسانات سیاستهای خارجی، در این طرز فکر مردم عامل مستقلی میشوند وچون‌با استقلال عمل میکنند، خود حاکم بر سرنوشت خویش میشوند، واز تبعیت خارج میگردند.
وبعد از پیروزی نهضت وانقلاب هم، سیر تحولات و آسیب ها وضربات وارده و سرانجام تداوم پیروزی وباوقفه و شکست آن مربوط به وضع نیروها و روابط درونی جامعه است ، تاءثیر عوامل خارجی در این جا تابعی است از عوامل داخلی، انسجام و وحدت جبهه‌داخلی، اثر توطئه های دشمن را خنثی میکند. روش درست حل مسایل به رشد جامعه وحل تضادهاکمک میکند وجامعه را از تشتت و مشکلات خطرناک میرهاند، قرآن به کرات یادآور میشود که حتی بحران اقتصادی ، کمبود، قحطی، گرانی و مشکلات از این قبیل را به عوامل خارج از جامعه نسبت ندهید، بلکه دقیقا" هر یک از این مسایل زائیده عملکرد شماست، طبیعی است اگر بجای اتخاذ شیوه های مکتبی، بجای عمل حکیمانه و منطبق با واقعیتها ،از هوسها و تمایلات شخصی پیروی کردید و یا نسبت به حق و قوانین آن جاهل بودید، بیراهه میروید و شکست و ناکامی نصیب شما میشود. بعد خواهیم دید حتی‌عواملی‌نظیر طوفان، سیل و نظایر آن کمگیگاه در قرآن به عنوان عذاب‌های الهی‌عنوان شده و در سقوط و نابودی گروههای ستمگر نقشی بازی کرده‌اند. بهیچ وجه مستقل از شرایط درونی جامعه نکرده‌اند.

● روش درست حل مسائل به‌رشد جامعه و حل تضادها کمک می‌کند و جامعه را از تشتت و مشکلات خطرناک می‌رهاند

قرآن ضمن شرح داستان قیام موسی و قوم بنی اسرائیل بسیاری از قوانین حرکت اجتماعی وانقلاب را شرح میدهد، از جمله تاکید بر اصل اصالت درون است، دراین قیام تاریخی قوم بنی اسرائیل در برابر قوم فرعون قرار دارند، قوم بنی اسرائیل را مشتی برده ناچیز ضعیف تشکیل میدهند که در برابر مردم اصلی مصر (قبطیان) در اقلیت کمی قرار دارند. فاقد سلاح و ساز و برگ‌و سازماندهی وتشکیلات و قدرت و توان مالی‌میباشند، مردمی پراکنده ، ماءیوس ، با احساس شدید ضعف وحقارت و عجز و اوج تسلیم گرایی‌وتبعیت از قدرتها ، در برابرشان فرعون و دستگاه عظیم امپراطوری و لشکریان بسیار و مستعمرات و پول و ثروت فراوان و قلاع و پاروها و . . . ایستاده‌است
بنی اسرائیل در اثر فشار و شکنجه و نیرومندی قدرت حاکم و طول مدت بردگی تن و روح تسلیم وضع‌حاضر کرده بودندو شاید اگر روزی بفکر تخفیف فشارو کسب امتیازی می افتادند راهی جز این نمی ـ شناختند که نزد فرعون ویا ماءمورین وی روند ود رخواست کمک وبخشش نمایند، یعنی هر تغییری در سرنوشت خود را صرفا" از طریق تصمیمات واراده فرعون میسر می دیدند.
از میان این قوم مستضعف و زیر ستم و استثمار، موسی قیام میکند و به فرمان خدا درصدد هدایت قوم برمی آید.
آگاهیهائی که موسی میدهد، آنانرا متوجه وضع اسف بار وسرنوشت‌دردناکشان میسازد.
تدریجا" به نامشروع بودن حاکمیت فرعون واربابان پی می‌برند و تحمل آن وضع دشوار و شرایط غیرانسانی را غیرممکن می‌بینند. از این رو نافرمانیهائی در گوشه و کنار و بطور پراکنده بچشم می‌خورد. بنی‌اسرائیل بر طبق بینش معمولی خویش امیدی به نجات و رهائی‌ندارند. زیرا فرعون و فرعونیان‌را قویتر از آن می‌بینند که بشود با آنان مقابله کرد. بخصوص که مبارزات پراکنده آنان با مجازاتهای سخت پاسخ داده می‌شود و رژیم فرعونی بیرحمانه هر نافرمانی را سرکوب و جواب می‌دهد و تصمیم به کشتار جوانان بنی‌اسرائیل میگیرد" "وقال الملاء من قوم فرعون اتذر موسی و قومه لیفسدوا فی‌الارض و یذرک و الهتک ـ قال سنقتل ابنائهم و نستحیی نسائهم وانا فوقهم قاهرون "اعراف/۱۲۷ ـ سران‌قوم‌فرعون‌گفتند آیاموسی‌وبنی‌اسرائیل را می‌گذاری تا در زمین فساد کنند و تو و خدایت را واگذارند؟ (فرعون) گفت، بزودی فرزندانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنها تفوق و قدرت داریم".
اکنون فرعون در کمال قدرت و آمادگی برای سرکوبی قیام است. موسی دو راه در پیش دارد: یکی عقب‌نشینی و روی‌آوردن به فرعونیان و درخواست گذشت از جانب آنان وکسب‌امتیازاتی برای‌بنی‌اسرائیل‌یعنی اصالت دادن به دشمن و در انتظار ضعیف شدن وی باقیماندن. راه دوم: ادامه مقاومت و مبارزه و تکیه بر قدرت و نیروئی است که از اتحاد مردم نهفته و ایمان به برتری حق اگرچه از لحاظ کمی ضعیف و ناچیز باشد.
موسی بفرمان وحی راه دوم را به پیش می‌گیرد و به حق و توده‌ها اصالت می‌دهد. "قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین"اعراف/۱۲۸ـ موسی به مردم خود گفت (ازخدایاری‌بخواهید (ازحق نه از باطل) و مقاومت بورزید (به نیروی خود متکی باشد) زمین از آن خداست و بهر کس از بندگانش بخواهد ارث می‌دهد و فرمان کارها (مبارزات و کشمکشها) از آن متقین است.
قانونمندی اساسی که موسی به مردم خود آموخت، این بود که در مبارزه با دشمن اولا به نیروی خود اتکاء کنند و ثانیا سنت‌های الهی را رعایت نمایند. ایمان و توکل، آگاهی و اعتقاد به اراده وسنت خدا در هستی و تکیه و اعتماد بر آن است. بهمین دلیل بود که این قوم مستضعف با وجود شکنجه‌های سختی که از جانب فرعونیان متحمل شدند و تفوق و برتری کاملی که از لحاظ عدد و سلاح و ساز و برگ جنگی بر آنان داشتند، چون مقاومت ورزیدند، پیروز شدند.
" و اورثناالقوم الذین کانوا یستضعفون مشارق‌الارض و مغاربها التی بارکنافیها و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی‌اسرائیل بما صبروا و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ماکانوا یعرشون" اعراف/۱۳۷
" ما مردمی را که ضعیف و حقیر نموده شده بودند وارث شرق و غرب زمین با برکت (مصر و شام) گردانیدیم. و احسان خدا بر بنی‌اسرائیل به حد کمال رسید و بپاداش مقاومتی که بخرج دادند، و فرعون و قومش را با آن صنایع و کاخ باعظمت نابود و هلاک ساختیم".

ادامه دارد

یک لحظه با پدر

"بمناسبت انتشار جلد پنجم پرتوی از قرآن"

جلد پنجم پرتوی از قرآن در میان دستانم بود و در دلم می گریستم که ای پدر، چه زود بود و چه خالی است جای تو، دریغ و دردم را زمزمه میکردم وآرزو که ایکاش تنها یک لحظه‌توان سخن‌گفتنم بود و می‌گفتم وچنین پنداشتم که با پدر سخن می‌گویم. در یک لحظه فریاد رعدگونهٔ چریک پیر که در نمازهای جمعه می‌شنیدم بر وجودم طنین‌انداخت، قلبم تپیدن آغازید و برای چند لحظه دست و پایم را گم کردم اما انگار آرامش پدر آرام آرام در وجودم رخنه کرد، نفس بلندی کشیدم سلام دادم، جواب سلامم را داد. شروع به سخن‌کردم و با التماس می‌گفتم ای پدر، ای معلم کبیر ما و ای سنگر مقاوم اسلام. پدر آیا می‌دانید که شورای انقلاب بدنبال سیاست‌های دولت قبلی از تشکیل شوراهای اصیل اسلامی سر باز زد همان شوراهایی که شما با ذره ذره وجود خودتان در همه جا آنرا فریاد می‌کشیدید.
گفتم پدر آیامی‌دانید سعی بلیغ بخرج دادند تا جاسوسان را رهائی بخشند و با آمریکا مصالحه و مماشات نمایند، آخر پدر تو خود می‌دانی که ما و مکتب و امامان در جبههٔ حق هستیم و کارتر و امپریالیسم در جبههٔ باطل است اما مسئولین امور اجرائی کشور عقیده داشته و دارند در این مبارزه هر دو جبهه ضرر خواهند دید.
گفتم پدر آیا می‌دانی که سازشکاران قدم به قدم مواضع قدرت را قبضه‌می‌کنند و منافق‌وار دم از تامین رفاه و آسایش و امنیت و . . . می‌زنند؟ آخر پدر کدام رفاه، کدام آسایش؟ در مقابل و در ازای آن چه چیز باید بپردازیم، ایمانمان را؟ اصالت مکتبمان‌را؟ شرف و استقلالمان را؟ سلاحمان را؟ چه چیز را؟؟
پدر آیا آگاهیدکه لیبرالها و مرتجعین سازشکار اسلام را در شکل صفوی مدرنیزه‌اش احیا می‌کنند واسلام بسان نقابی شده بر چهره‌های آنها. پدر آیا می‌دانید دل تمام جوانان و صادقان و صالحان بدرد آمده از این همه فریب و قدرت‌طلبی‌و انحراف.
پدر! فاجعه عمق پیدا کرده است. طوفانهای نهال‌برانداز برخاسته‌اند. ابرهای سیاه خفقان در حال بهم‌پیوستن ـ اند. خورشید امت را جاه‌طلبان که اصالتا" همان سازشکارانند فروزان و درخشان نمی‌خواهند. چه طلوع خورشید خلق افول آفتاب عمر آنان است.
پدر جان ای پدر مبارزمان و ای پدر دل خسته‌مان وسواسان همیشه‌پلید تاریخ وسوسه‌های رنگینی را آغازیده‌اند. نفاثات در عقده‌های نیرنگ مستمر می‌دمند و حسودان قدرت عرصه را بر متقین تنگ گرفته‌اند.
خفاشان ظلمت‌خواه کبوتران عشق و عدالت و انسانیت و آزادی را از صحنه برون رانده‌اند و خود یکه‌تاز میدان شده‌اند. پدر جان! سازشکاران هرلحظه امام را بیشتر در محاصره خویش درمی‌آورند. آخر آنها امام و امت را با هم در یک سنگر نمی‌خواهند و خود می‌دانید چرا.
پدر جان! فریادهای تاریخ‌ساز جدتان حسین بن علی(ع) را که در حلقوم خلق رنجدیده‌مان دگربار تجلی یافته بود، سازشکاران با اتکا بر مرتجعین و بسیج سرمایه‌داران وابسته و خانهای خونخوار و بازماندگان رژیم شاهی لوث کرده و اگر بتوانند در همان لحظه اول خفه می‌کنند.
دلم سخت بدرد آمده بود و روی سخنم با پدر بود و می‌گفتم و می‌گریستم که یکباره صدای پدر را که سورهٔ انشراح را تلاوت می‌نمود شنیدم و خاموش شدم.
بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم
الم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک و زرک الذی انقض ظهرک و رفعنالک ذکرک فان مع‌العسر یسرا" ان مع‌العسر یسرا، فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب.
و چنین پنداشتم که آموخته‌هایم از پدر از زبانشان جاری است که فرزندم بدان هر پدیده و هر جریانی که برخلاف سنت‌های مسلم خدائی حرکت کند، قطعا" محکوم به نابودی است. اما در شرایط حاضر حفظ اصالت و معیارهای مکتب بر کلیه آگاهان وتلاش کنندگان راه خدا فرض است. سنگرها را مشخص کنید، خط ها را از هم بشناسید و بشناسانید. مطمئنا" در پیکار مستمر و بلاانقطاع حق و باطل پیروزی ازآن حق است و زمان مرگ سالکان طریقت باطل با موضع‌گیری شما تعیین می‌گردد.
و من بخود بازگشتم "پرتوی از قرآن در دلم تابیده واشک شوق در چشمانم جاری.
"رحمت خدا بر پدر باد"

مردم و ما

تبریز ـ برادر رضا .

برادرعزیز قیام حضرت" مهدی" را باید در مجموعه فرهنگ انقلابی واصیل اسلام تبیین نمود ـفرهنگی که تا تودههای مردم سرنوشت خود را دگرگون نکنند خدا تغییری در سرنوشت آنها نخواهد داد .

که جوهر جهاد ومبارزه با هرگونه ظلم و شرک و کفر و استثمار در حرکت تکاملی تاریخ روزبروز شکفته تر خواهد شدو انسان هرگز از حرکت باز نخواهد استاد ـ انتظار قیام حضرت مهدی در فرهنگ اسلامی هرگز مفهوم و معنای دست روی دست گذاشتن ندارد که برعکس انتظار قیام در برگیرنده آمادگی همه جانبه برای انقلاب نهایی و جهانی است ، دربرگیرنده جهاد و شهادت در هر حرکت مکتبی است .

۲ ـ بدون تردید کسی که انقلابی نیست وسازشکار است نمیتواند مرجع تقلید باشد مرجع تقلید در زمان و روزگار خود باید در جمیع جهات اسوه والگوی مسلمانان باشد .

۳ ـ برادر عزیز ـ در قرآن و فرهنگ اسلامی جایی برای اندیشه های خرافی از آن قبیل کدسمانام برده اید ـ فال کرمس . . . وجود ندارد .

باججی آباد : نقی ـ الف

برادر عزیز: برخورد عاطفی و احساسی هرگز کمکی به امر وحدت گروهها و سازمانها و جریانهای مکتبی نخواهد کرد ـ احساسات برادرانه باید همراه با اصرار و پای فشردن به اصول و پرهیز از هرگونه مصلحت‌گرائیهای مقطعی و زودگذر باشد .

همچنین جنبش مسلمانان مبارز معتقد است که ریشه‌های مواضع سیاسی گروهها و سازمانها را دقیقاً" باید در دیدگاههای مکتبی و برداشتهای ایدئولوژیک آنان جستجو نمود . اگر مقام مسئولی بعد از پیروزی انقلابی که حداقل ۶۰ هزار شهید داشته است ، بگوید من از همان ابتدا معتقد به عفو عمومی بودم ، ریشه جنبش موضعی را بدون تردید باید در بینش و چهارچوبهای عقیدتی او جستجو نمود .

برادران ، جوانان مسلمان دهدشت :

نوشته‌اید که دو تن از فئودالها که دستهای بلندشان به خون چند نفر از اهالی منطقه شما آلوده است ، بر علیه مردم و کشاورزان توطئه می‌کنند . برادران مبارز:

مواضع محافظه‌کارانه و سازشکارانه دست‌اندرکاران امور ، همدی جناحهای ضدانقلاب را جری ساخته است‌و در این میان خان‌ها و فئودالها و مالکین هم بر نگرانیهای بعد از انقلاب خود فائق آمده و در کسوت اسلام با سیمارتودهها برداخته‌اند

شما عزیزان باید از حقوق مسلم کشاورزان ، بر زمین‌هائی که کشت کرده‌اند ، دفاع کنید . بآنها بگوئید که زمین تنها از آن خداست و دیناری به خانها و مالکین خونخوار نباید بپردازند . محصول زمین تنها از آن کسی است که بر روی آن جان کنده و کار کرده و عرق جبین ریخته است .

مالکین را در منطقه افشا کنید ـ در برداشت محصول به‌کشاورزان رنجدیده کمک کنید و به آنها بگوئید که اسلام محمدی و تشیع علوی با هرگونه بهره‌کشی انسان از انسان مخالف است .

رامهرمز: مهدی ـ ر

سئوال کرده‌اید: وقتی امام از رئیس ـ جمهور پشتیبانی می‌کند شما چرا او را لیبرال می‌دانید؟

پشتیبانی امام از هر فرد و جریانی منوط به حرکت در خط مکتب و انقلاب است . وقتی دولت موقت سابق تشکیل شد ، ما از ابتدا گفتیم که این دولت ماهیتاً" توان حرکت در جهت منافع توده‌های مستضعف را ندارد و شما دیدیدکه چنین شد . جنبش مسلمانان مبارز از ابتدا معتقد به رهبری امام خمینی بوده است اما این بدان معنی نیست که امام را مطلق کنیم .

مشهد: م ـ ع

پرسیده‌اید چرا افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام قطع شده است وآیا اسناد افشا شده معتبرند یا خیر؟

جنبش مسلمانان مبارز اطلاعی از جرائی قطع افشاگریها ندارد . اما چنانکه بارها تذکر داده‌ایم ، در صحت و اعتبار اسناد افشا شده هیچگونه تردیدی نداریم و فکر می‌کنیم اسناد دیگری هم وجود دارند که باید منتشر و باطلاع مردم رسانیده شوند

تهران : خواهر گرامی معصومه باقری

چنانکه ملاصدرا فیلسوف نامی مسلمان هم معتقد است ، روح مرحله عالی تکامل ماده‌است . در خط سیر تکامل عمومی موجودات (ضرورت بسوی الله) ماده اولیه بطرف جداکوته شدن متحول می‌شود . (از جمله از جبر به آزادی) . مغز ماده پیچیده و تکامل‌یافته است ـ و شعور مرحله عالیتر آنست . خداوند انسان را با استعداد کسب شعور و روح آفرید . این استعداد در عمل بروز می‌کند . عمل صالح موجب ظهور این استعداد و تکامل آن می‌شود .

طفل انسان ، استعداد تفکر دارد ولی این استعداد با عمل بروز می‌کند . اگر طفلی در وضعی قرار گیرد و بزرگ شود که اصلاً" نیازی به فکر کردن پیدا نکند ، متفکر نمی‌شود . صاحب شعور نمی‌شود . همینطور سایر استعدادهای معنوی و عاطفی . آیه۱۰ سوره فاطر موید این مطلب است .انشاءالله این مطلب در ساحت ایدئولوژیک با تفصیل بیشتری شرح داده خواهد شد .

از اعلام آمادگی شما برای همکاری استقبال می‌کنیم . با شما در این زمینه تماس گرفته خواهد شد .

برادر گرامی آقای مهدی وطن‌خواه‌کورنده روستای کورنده

ضمن درود بر شما هوادار جنبش مسلمانان مبارز ، در پاسخ سئوالاتتان باید بگوئیم :

۱ ـ از اعلام مواضع جنبش مسلمانان مبارز ، مسئله صایع و ملی کردن آن که طرحش از ابتدا از ابتکارات جنبش و پیشنهاد جنبش به شورای انقلاب و دولت موقت بود ، مفصلاً" توضیح داده‌ایم و توجه شما را به مطالعه آن جلب می‌کنیم .

۲ ـ رابطه ما با سایرمطبوعات رابطه‌ای مطبوعاتی است . در زمینه ارسال خبر و بیانیه‌ها .

برادر عزیز احمد رضا ـ اصفهان

بعد از سلام .

۱) جنبش مسلمانان مبارز از نخستین روزهای انقلاب ، ارتجاع و لیبرالیسم هر دو را مورد تعرض قرار داده و عملکرد هر دو جریان را که ماهیت ارتجاعی مشترک دارند به زیان انقلاب تشخیص داد منتهی لیبرالها را که به حمایت از سرمایه‌داران وابسته برخاسته و در خط سازشکاری با آمریکا عمل می‌کردند . در صف مقدم طیف ارتجاع قرار داد . در این باره چندین تحلیل و سرمقاله در اسناد گذشته است که می‌توانید به آنها رجوع کنید .

۲) امیدواریم در یک فرصت مناسب درباره النقاط و سوءاستفاده‌ای که از آن می‌شود بحثی داشته باشیم . ضمن اینکه النقاط یک واقعیت است .اما بعضی این مسائلرا جنائی کرده‌اند علیه هر طرز فکر اسلامی که باافکارشان یکی و منطبق نباشد .

۳) ما معتقد به وحدت اصولی (مکتبی) نیروهای انقلابی مسلمان برای تداوم انقلاب بسوی جامعه توحیدی هستیم و در این راه کوشیده‌ایم و خواهیم کوشید .

بر گروههای دیگر است که موضع خود را در قبال خواست ما روشن کنند .

۴) هر وقتی اصول ایدئولوژی جنبش را مطالعه کردید ، چه آنها که تاکنون بچاپ رسیده و چه آنها که بعداً" منتشر خواهد شد خودتان می‌توانید با برداشتهای دیگر سازمانها مقایسه کنید .

مسجد سلیمان : برادر کارگر الف ـ مقدم

جنبش مسلمانان مبارزبارها اعلام کرده است که از هر لحظه زمانی که در رادیو و تلویزیون در اختیار داشته باشد ، در ارائه نقطه‌نظرهای مکتبی ـ سیاسی خود استفاده خواهد کرد اما هم‌چنانکه در پاسخ به رادیو و تلویزیون گفته شد ، مناظره‌هائی از آن قبیل که تاکنون ارائه شده کمکی برشد مبارزات توده‌ها نخواهد نمود .

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا با دار و دسته‌های وابسته اروپائی خود مصمم به نابودی انقلاب اسلامی ایران است ، بحث زیرسنا و رو بنا آنهم در مناظره‌های گروهی تلویزیونی و کشاندن اذهان مردم به بحث‌های خشک فلسفی هرگز بوحدت توده‌ها نخواهد انجامید .

مجدداً" تاکید می‌نمائیم که حتی اگر یک ثانیه وقت رادیوئی و تلویزیونی در اختیار داشته باشیم نقطه‌نظرهایمان را در بارهٔ امپریالیسم‌و ماهیت و عملکرد آن و دیگر مطالب ضروری بیان خواهیم داشت .

تیروزآباد : سیدمحمد صادق . د

برادر عزیز ، انقلاب لیبی بارهای از بن اسلام عزیز را که سالیان دراز در سیطره رژیم سلطنتی وابسته به بیگانگان رنج می‌کشید ، آزاد ساخت و هم‌اکنون هم مواضع ضدامپریالیستی و تکیه بر عدم وابستگی به ابرقدرتها و حمایت بیدریغ از انقلاب اسلامی ایران را در پیش گرفته است . بنابراین بفرض وجود موانع و مشکلاتی در راه پیوند دو انقلاب ایران و لیبی ، برخوردهای سنجیده‌جویانه بعضی از محافل و جریانهای مشکوک با انقلاب لیبی را عملی کاملاً" ضدانقلابی می‌دانیم .

نکته جالب‌اینکه بعضی از محافل مخالف باانقلاب لیبی مانند صادق روحانی بشدت با هرگونه طرح انقلابی مانند واگذاری حق کشاورزان بآنها هم مخالفت می‌کنند و این نمایانگر از ماهیت آنها و حمایت انقلاب لیبی می‌باشد .

قم : برادر ص. ح

نوشته‌اید چرا جنبش مسلمانان مبارز به آمریکا حمله می‌کند ولی نسبت به شوروی بی‌تفاوت است .

برادر عزیز: ۱ ـ هم‌چنانکه امام هم بارها گفته‌اند دشمن اصلی و عمده و بزرگ همه‌ی حلقه‌های جهان در حال حاضر آمریکاست و کسانیکه خطر شوروی را عمده می‌کنند دانسته و ندانسته آب به آسیاب آمریکا می‌ریزند .

۲ ـ در مورد یورش نظامی شوروی به افغانستان از همان ابتدا گفتیم که چنین حرکتی تنها بسود امپریالیسم آمریکا خواهد بود نه مردم افغانستان .

آبادان : برادر ب ـ آباد

برادر عزیز: در پاسخ سئوالهای شما :

۱ ـ بله، هفته‌نامه امت ارگان جنبش مسلمانان مبارز است .

۲ ـ ما معتقدیم که حرکت توده‌های مردم از محتوی وخواستهای غنی و دگرگونیهای بنیادی در همهٔ مناسبات برخوردار بوده است . بنابراین آنچه را که در چند سال گذشته در ایران رویداد ، انقلاب می‌دانیم .

۳ ـ درباره پیام نوروزی امام برخلاف کسانیکه با افراطی‌گری و چپ‌روبهای کودکانه آنرا پیام ضدانقلاب نامیدند ، نقطه‌نظرها و مسائلی داشتیم که با عنوان "عریضه سرگشاده" به اطلاع امام و امت رساندیم .

تهران : فرهاد ـ ع

در مبارزات سالهای نهضت ملی شدن صنعت نفت ، جریانهائی از چپ و راست در ضدیت با مصدق بدامن دربار و انگلیس افتادند ، گروهی گفتند مصدق نوکر امپریالیسم امریکاست و در توطئه علیه او با دشمنان مردم هم‌صدا شدند ، گروهی گفتند حتی اگر شده با انگلیس‌ها می‌ساریم و مصدق را واژگون می‌کنیم و در این میان دربار و امپریالیسم دست به کودتا زد . امروز هم جماعتی از سر دشمنی با خمینی بدشمنان مردم پیوسته‌اند ، نزیه و امیر ـ انتظام و مقدم مراغه‌ای و . . .

و جماعتی دیگر از سر دشمنی بامجاهدین ، دشمن اصلی ، امپریالیسم امریکا را کم بها داده‌اند . شما به دشمن خمینی و روحانیت مترقی و بقول خودتان آخوندها باشید نه دشمن مجاهدین بلکه معیار داشته باشید و با معیار و ضابطه همه را بشناسید و قضاوت کنید . بر اصول وفادار باشید و تنها با دشمنان مردم دشمن باشید و به جریانها و گروههائی که فکر می‌کنید در جبههٔ مردم هستند انتقاد سازنده و تعالی‌بخش داشته باشید نه ویرانگر،که حیات و هستی انقلاب را بخطر اندازد . جنبش مسلمانان مبارز تاکنون در انتقادها و تحلیل‌های خود از این شیوه تبعیت کرده‌است و انتقادهای خود را نسبت بسازمانها و گروهها اجتناب ـ ناپذیر و حیاتی و ضروری و سازنده می‌داند و باین کار ادامه خواهد داد .

کرج: برادر ، م ـ الف

با درود به شما ، ۱ ـ لیبرالها دموکراسی غربی را تا مرزهای تامین خواستها و منافع بینشی و طبقاتی خود مراعات می‌کنند و بهنگام بخطر افتادن خود ، چهره دشمنی با مردم را عریان می‌کنند . بنابراین هیچ تناقضی میان حرکات ضد دموکراتیک لیبرالها و لیبرال نامیدن آنها وجود ندارد . شما امروز بوضوح می‌بینید که شاهپور بختیار ، حسن نزیه و مقدم مراغه‌ای که ماهیت لیبرالی داشتند چگونه با اوجگیری مبارزات مردم به صف ضدانقلاب پیوسته‌اند .

۲ ـ روی سخن جنبش مسلمانان مبارز همیشه با مردم است و حتی آنگاه که به شورای انقلاب پیشنهادی عرضه می‌کنیم با مردم سخن می‌گوئیم و در حقیقت پیشنهاد خودرا به مردم ارائه می‌دهیم .

تا بحال چه کرده‌ایم؟

نقل از "موج"
"نشریه کارگاه تحقیق و تولید
صدا و سیمای جمهوری اسلامی

تا بحال چه کرده‌ایم ؟ این سوال باید خیلی از ما را بخود مشغول کرده باشد ، واقعاً بعد از یکسال و اندی چه کرده‌ایم ؟ کارگاه ما چه ثمری داشته است؟ آیا اگر بسته می‌بود منفعتش بیشتر نمی‌بود ؟ و هزار و یک سوال دیگر . حالا بیائیم و کلاهمان را قاضی کنیم و یک حساب سرانگشتی بنمائیم چه کرده‌ایم . البته دنبال این نیستیم که دقیقاً و تحقیقاً کارنامهٔ یکسالهٔ کارگاه را ارائه دهیم و قصه همان حساب سرانگشتی است .

کارگاه ما تاکنون حدود هزار میز و نیمکت برای جهاد سازندگی مدارس ساخته است . همچنین حدود ۲۰۰ عدد چهارچوب (ازپروفیل) مختلف برای مدارس باغین شهر درست کرده است و کارهائی از این قبیل . از این گذشته اغلب دستگاه‌های تلویزیون که به علت نبودن قطعهٔ یدکی می‌خوابد در حال حاضر یدکی‌اش را بحدهای کارگاه تحقیق یا جنگ و دندان می‌سازند و و و . . . همهٔ اینها را هم مدیون کارگران قسمتهای مختلف کارگاه هستیم که زحمت اصلی را می‌کشند . اما با اینهمه کارگاه کار ندارد ! چرا ندارد؟ برای اینکه هیچکدام از اینها که برشمردیم دخلی به کار اصلی ما که فرستنده‌سازی است ندارد . این همه دستگاههای ریز و درشت ، دقیق و ظریف در اینجا ردیف شده است که بیایند میز و نیمکت درست کنند . این کار را یک کارگاه سادهٔ آهنگری هم می‌تواند بکند . این ابزار وآلات برای کار دیگری اینجا فراهم آمده است .

ما باید اگر هم بعلت بر نبودن ساعات کارمان سیاستی از بیرون کار بگیریم ، کاری باشد که هم با دستگاههایمان جور در بیاید و هم هر کارگاهی بتواند از عهده‌اش برنیاید و این مهم بعهدهٔ شورای کارگاه و دیگر مسئولینی که در ارتباط با بیرونند ، میماند که سفارشات کارگاه را به این جهت سوق دهند .

اساسنامه شورا به تصویب رسید

سرانجام پس از یکسال و اندی پیش‌نویس اساسنامه شورا تهیه شد و در مجمع عمومی (روز دوشنبه اول و چهارشنبه سوم اردیبهشت) به تصویب رسید و این یک قدم به جلو است چون در حال حاضر دست‌کم چارچوبی هست که شورا بداند در آن محدوده باید کار کند و در آن حوزه مسئولیت بپذیرد و در مقابل ، تحدهای کارگاه بدانند که چه کارهائی از شورا باید خواست . این اساسنامه شامل چهار بخش (اهداف ، تشکیلات ، وظایف شورا ، وظایف کارکنان) میباشد . همچنین جزئیات هر بخش بند به بند تشریح شد . در بخش اول اداره و انجام کلیه امور کارگاه بعنوان یکی از اهداف (باعتقاد ما مهمترین وظیفه شورا) ذکر شده است .

امیدواریم با تصویب این اساسنامه شورا بتواند هرچه بیشتر نقشی را که باید در کارگاه ایفا کند ، بیابد و ما بتوانیم پایه‌گذار یک نظام شورائی واقعی در کارگاه باشیم .

بساط سرمایه‌دار برچیده باید گردد .

ادامهٔ تصفیه‌گروهای سیاسی ـ مکتبی به جای انقلاب فرهنگی در دانشسراهای تربیت معلم تبریز

شرایط ثبت نام و پذیرش دانش‌آموزان برای دورهٔ تربیت‌معلم در دانشسراها داشتن ایدئولوژی انقلابی ـ اسلامی است که بصورت بخشنامه‌ای در تمام دانشسراها از طرف وزارت آموزش و پرورش الزامی گردیده و از اول سال تحصیلی جدید بصورت نسبی بمرحلهٔ اجراء درآمده است . علیرغم وجود این صافی برای افراد غیرمعتقد به اسلام ، مسئولان موجدفعالیت گروههای سیاسی مختلف چه معتقد به مکتب اسلام و یا غیر می‌شوند و در صدد شناسایی تمام افراد فعال در گروههای سیاسی مکتبی و غیر برمی‌آیند . و زمزمهٔ اخراج این دسته از افراد را سر می‌دهند که با مقاومت دانشجویان روبرو شده و مسئولان موقتاً" عقب‌نشینی می‌نمایند .همزمان با شروع طرح انقلاب فرهنگی از طرف سازمانهای دانشجویان مسلمان وانجمنهای اسلامی و بدست گرفتن رهبری این جریان از جانب ریاست جمهور و شورای انقلاب و انحراف شعار انقلاب فرهنگی به تصفیه گروههای مکتبی و غیره در سطح دانشگاهها مسئله تصفیه‌افراد فعال در گروههای سیاسی بصورت قاطع از جانب مسئولین دانشسراهای دخترانه و پسرانه تبریز به مرحله اجرا در می‌آید و مسئولین با ذکراین مسئله که تنها کسانی می‌توانند در دانشسرا ادامه درس بدهند که در انجمنهای اسلامی فعالیت نمایند (و عملاً" تنها رادفعالیت را تفکر در سیستم خاص انجمنهای اسلامی محدود می‌کنند) و در غیراینصورت باید اخراج شوند ،مقدمات‌اخراج‌عده‌ای را فراهم‌میکنند میشود اما اعمال این تصفیه مواجه با عکس‌العمل دانشجویان گردیده بطوریکه‌به تظاهرات و شکستن شیشه‌ها و دخالت سپاه پاسداران می‌انجامد و بالاخره بعد از کشمکشهای چندروزه عده‌ای اخراج می‌شوند و عملاً" در اثر بآرامیهای بعد از اخراج دانشسرا به‌تعطیل کشانده شده و هم‌اکنون دانشجویان در حال اعتصابند .

بخش‌دانشجوئی (انستیتوها و مدارس عالی) هواداران جنبش مسلمانان مبارزتبریز

توضیح مشاور وزیر دفاع

بسمه تعالی

سردبیر محترم نشریه امت ، روز چهارشنبه ۵۹/۲/۲۴ سال دوم شماره ۵۶ درآن نشریه سئوالی از طرف یکی از برادران ارتشی از دکتر چمران وزیر دفاع بچاپ رسیده بود لذا در پاسخ به آن سئوال امیدوار است که مطالب زیر را در آن نشریه طبق قانون مطبوعات برای روشن شدن اذهان عمومی بچاپ برسانید .

باتشکر فراوان

سئوالات مطروحه در نشریه امت ، از طرف یکی از برادران ارتشی ، بهیچوجه من الوجوه به وزارت دفاع‌مربوط نمیشود ، ومن چندین بار بصراحت ، در رسانه های عمومی این موضوع را متذکر شده‌ام ، و تعجب میکنم که یک ارتشی‌نیز چنین اشتباهی را تکرار مینماید . بخصوص آنجا که برادرارتشی ما کارهای وزارت دفاع را طبقه بندی میکند ، و میخواهد که رادارهای نیروی هوائی را چنین و چنان کنند ، این امر بکلی مربوط به‌نیروها و ستاد ارتش است و هیچ رابطه‌ای باوزارت دفاع ندارد و اصولاً" مسئولیت کلی ارتش وایجادامنیت و دفاع از حدود و ثغور کشور بعهده ستاد مشترک است و رئیس ستاد ارتش باید جوابگوی کلیه سئوالهائیکه در زمینهٔ ارتش مطرح میشود باشند .

نصب رادارهای متحرک در نقاط کور و مسائل مربوط به تجاوزات امریکای جنایتکار به حریم کشور مستقیماً" مسئولیت رئیس ستاد مشترک میباشد و نه وزیر دفاع . کار وزارت دفاع ، براساس قانون اساسی جدید ، امور مالی واداری ولجستیکی است ، و بهیچ وجه در کار نیروها و ستادارتش دخالتی ندارد . قسمت‌دومی را که برادرارتشی ما سئوال کرده‌اند دربارهٔ تحقیق وتهیه گزارش جامع پیرامون حمله نظامی امریکا بخاک کشورمان میباشد . این کار بار هم بهیچوجه مربوط بوزیر دفاع نیست ، ولی از آنجا که شورای انقلاب کمیسیونی سه نفری ، متشکل از آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی و شخص بنده بوجود آورده تا این موضوع را بررسی کند ، ما نیز تا حد امکان تحقیقاتی بعمل آورده و نتیجه راتسلیم‌شورای انقلاب کرده و میکنیم ، واگر شورای انقلاب خواست هر قسمتی از گزارش رامنتشر کند آزاد است .

برادر ارتشی مادر سومین کار وزارت دفاع ، اعلام بحث ها و نظریات شخصیتهای شرکت‌کننده در سمینار امنیت و تصمیم نهائی سمینار مزبور را خواستار شده است ، ولی این سمینار زیر نظر وزارت دفاع انجام نشده بود ، و ستادارتش که برگزار کننده این سمیناربود احتمالاً" نتایج آنرا منتشر خواهد کرد ، ولی شخص من در آن سمینار نظرات بنیادی ارائه دادم که خود مسئول آن هستم وانتشار یافته است ، واگر خواستید یک نسخه‌آن نظرات را برای شما ارسال میکنم‌تا برای‌آگاهی خوانندگان عزیز انتشار دهید .

با کمال احترام
دکتر چمران

گذری بر جوانب اقتصادی جامعه توحیدی

برای دانش آموزان

"جامعه توحیدی جامعهٔ ایده‌آلی است که میتوان آنرا عالیترین وجوه تکاملی جامعهٔ انسانی دانست. خداوند از این جامعه، در قرآن، با عبارت "امت واحده" یاد می‌کند.

"امت" از ریشه "ام" ـ به معنای قصد کردن ـ جامعه‌ای است که‌اساس آن نه بر پیوندهای خونی و قبیله‌ای و نژادی و ریاضی یا اشتراک اقلیمی، که بر اشتراک هدف و مقصد و مقصود استوار و پایدار است. (۱)

قرآن تشکیل امت واحده را امری حتمی دانسته که‌مطابق سنتها و قانونمندیهای لایتغیر الهی نهایتا" بر روی کرهٔ زمین و در میان مردم تحقق می‌پذیرد.

آنطور که قرآن بیان می‌کند، مردم در ابتدا امت واحدی را تشکیل می‌دادند ـ کان الناس امة واحدة" (۲) ـ این، جامعه ـ ای است که در آن هیچکس را امتیازی بر دیگری نیست هرکس به اندازهٔ نیاز مصرف می‌کند و بهره‌کشی فرد از فرد در ان معنایی ندارد.

اما در این جامعه اولیه‌اساس نه بر آگاهی واراده و اختیار که بر جبر غرایز و محیط طبیعی استوار بود. پیدایش آگاهی در انسان باعث میشود که از سویی پیشرفتهایی در شیوهٔ تامین معیشت پدید آمده و فرد بتواند بیش ازنیاز خود تولید نماید ـ بعبارت بهتر به جای جمع‌آوری غذا، کاملا" به تولید آن بپردازد ـ و از سوی دیگر، انسان به امر "اختیار" دست یابد. اختیاری که مالا" انتخاب را در پی خود خواهد داشت. انتخاب بین حق و باطل، انتخاب بین تجور و فلاح.

از این هنگام عده‌ای ـ بدلایل گوناگون ـ به حق دیگران تجاوز نموده و دسترنج آنان جنگ می‌اندازند. برادریها و برابریها از جامعه میروند و جای خود را به اختلاف و نزاع و کشمکش و درگیری می‌سپارند و جامعه را از شکل اجتماعی خالی از طبقات خارج میکنند. از این پس خداوند رسولان و انبیاء را برانگیخته و کتابها ـ میزان ـ را نازل میفرماید، تا این اختلافات و تخاصمات از بین رفته مردم قسط و عدل را بر پای دارند. . . . . و امت واحد ـ جامعهٔ توحیدی ـ را تحقق دوباره بخشند. (۳) تفاوت اساسی و عمده‌ای که این جامعه با امت واحد اولیه دارد، در اینست که اساس و پایه‌اش را آگاهی و اختیار و اراده تشکیل می‌دهد، نه جبر کور غرایز.

اکنون، برآنیم تا در این مختصر با استفاده از قرآن و متون‌اصیل و معتبر، فقط خصوصیات اقتصادی جامعهٔ توحیدی را بشناسیم. امید که از عهده برآئیم.

ـ در جامعهٔ توحیدی مالک مطلق خداست (۴) و هرکس فقط به اندازهٔ کار و نیاز خویش حق انتفاع از مواهب و نعمات الهی را داراست. فقط ماحصل کار فرد به او تعلق دارد ـ لیس‌للانسان الا ماسعی ـ معیار دیگر نیازهای اصیل و واقعی فرد است که مال اضافه، آنرا باید انفاق نماید: یا ایها‌الذین آمنوا انفقوا مما رزقناکم (۵) ـ ای کسانی که ایمان آورده‌اید انفاق کنید از آنچه روزی شما گردانیدیم. این دو اصل (حق انتفاع بر اساس کار ـ انفاق زیاده بر نیاز) از اصول اساسی و لازم‌الاجرای اسلام هستند. به این‌ترتیب استفادهٔ "انگل‌وار" از کار دیگران و انباشت سرمایه ـ که قرآن آنرا بر حسب آیهٔ کنز (توبه ۳۴) شدیدا" رد می‌کند ـ امری غیرممکن بوده و جامعه بسوی برابری و نهایتا" نفی کامل طبقات حرکت می‌کند.

با این خصوصیات بی‌طبقه بودن یکی از ویژگیهای عمدهٔ "امت واحده" است و از اینرو میتوان آنرا به "جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی" ترجمه نمود.

ـ شمول و تسری اصل "خدامالکی" در جامعهٔ توحیدی الزاما" به معنای مالکیت عموم مردم و کل جامعه بر تمامی منابع و مواهب ـ اعم از مصنوعات انسانی و نعمات طبیعی ـ می‌باشد (۶) و جامعه به یک میزان و بر اساس احتیاجات واقعی حق استفاده از آنها را دارد. بعلاوه هرگونه اسراف و تبذیر در استفاده از این امکانات حرام و ممنوع است ـ کلوا و اشربوا و لاتسرفوا انه لایحب‌المسرفین ـ اعراف ۳۱

اسراف که خود نوعی تجاوز است در دو رابطه حرام است. از سویی برداشت از نعمات باید به گونه‌ای باشد که عدالت کامل در رابطه با تکتک افراد جامعه رعایت شود و از سوی دیگر این استفاده نباید بصورتی جریان یابد که نسلهای آینده و انسانهای آینده بر اثر برداشتهای ناصحیح اسلاف از این مواهب، در مضیقه قرار گیرند.

همچنین جامعه مکلف است حق کسانی را که ـ بدلایل مختلف ـ قادر به کارکردن نیستند، ادا کند:

انعام ـ ۱۴۱: او آن‌خدائیست که برای استفادهٔ شما باغها و بستانها بیافرید که انباشته از درختان افراشته و با افراشته و درختان خرما و زراعتهائیست که میوه‌های گوناگون ببار می‌آورند و دارای زیتون و انار و میوه‌های متشابه و نامتشابه هستند. از این‌میوه‌ها ومحصولات هرگاه‌بثمررسند (۷) استفاده کنید وهنگام درویدن، حقی را که در این نعمتها برای مسکینان نهاده شده بدهید، و بیش از نیازهای خود استفاده نکنیدکه خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

حضرت علی (ع) خطاب به کسانی که به تندی از او می‌پرسند که چرا بیت‌المال را بالسویه در میان مردم تقسیم می‌نماید و اشخاصی را که در اسلام سبقت داشته و دارای شرافت و بزرگ بودند، برتری نمیدهد، فرمود: . . . . اگر بیت‌المال مال شخص من هم بود آنرا بالسویه میان مسلمانان تقسیم مینمودم. پس حکومت (بین مردم) تبعیض قائل شوم و حال آنکه این مال، مال الله است. سپس فرمود: آگاه باشید که بخشیدن مال به کسی که حقش نیست (احتیاجی ندارد) تبذیر و اسراف است. (۸)

ـ جامعهٔ توحیدی چنانکه قبلا" هم گفتیم عالیترین سطح تکامل جامعهٔ انسانی است. در این میان چون "انسان" سازندهٔ این جامعهٔ متکامل است، پس خود او نیز الزاما" میبایستی به درجات والایی از تکامل دست یافته باشد. اینچنین است که میبینیم سنت الهی بر این قرارگرفته تا انسانها در طول تاریخ در کوره‌های سخت آزمایش قرار گیرند و ابتلاء یابند تا هر کسی که جهتی ضدتکامل و ضد الله دارد در مذبلهٔ تاریخ به خاک هلاک درافتد و آنانکه رو بسوی "الله" دارند استوارتر و آبدیده‌تر از پیش به حرکت در جهت هدف لاینتاهی خود ادامه دهند و این مشیت الهی است:

ولوشاء الله جعلکم امه واحده ولاکن لجعلکم فی‌ما اتیکم فاستبقواالخیرات الی الله مرجعکم جمیعا" فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون ـ و اگر خدا میخواست (مشیت او اقتضاء می‌کرد) همه را یک امت می‌گردانید ولی این نکرد تا شما را به احکامی کددر کتاب‌خود فرستاده بیازماید. پس بکارهای نیک سبقت گیرید که بازگشت همه بسوی خداست و در آنچه اختلاف می‌نمائید شما را به جزای آن آگاه خواهد ساخت. (فراز دوم ازآیه ۴۸ سورهٔ مائده).

ولوشاء ربک لجعل الناس امه واحده و لایزالون مختلفین ـ الا من رحم ربک و لذلک خلقهم و تمت کلمه ربک لاملان جهنم من‌الجنه والناس اجمعین ـ و اگر خدا میخواست همه ملل و مذاهب را یک امت می‌گردانید ولیکن دائم همهٔ ملل و اقوام دنیا با هم در اختلاف خواهند بود مگر آنکس که خدا برحمت (۹) و لطف خاص هدایت کند و برای همین آفریده شدند. . . .

(هود ـ ۱۱۸ ـ ۱۱۹)

پس از طی یک چنین دورهٔ سخت و طولانی در عرصهٔ تاریخ است که امامت و وراثت مستضعفان ـ و ایجاد جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی ـ تحقق عینی در سطح تمامی کرهٔ زمین می‌یابد و وارثان زمین کسانی نیستند مگر آنانکه از این امتحان سخت تاریخی سرافراز بیرون آمده‌اند. آنانکه تنها در جهت تکامل عمل می‌کنند. بعبارت بهتر: ان‌الارض یرثها عبادی ـ الصالحون (انبیاء ۱۰۵). بالاخره‌سازندگان جامعهٔ توحیدی کسانی نیستند جز مستضعفین به تقوی رسیده.

ـ در جامعهٔ توحیدی ناامنی و تجاوز به حقوق دیگران جایی ندارد. در این جامعه اساس بر برادری استوار است ـ انما المؤمنون اخوه ـ امنیت واقعی آنست که بر عملکرد آگاهانهٔ جامعه در رابطه با تسلط بر کل منابع اقتصادی و حرکت منطبق بر اصول مکتب و روند تکامل استوار باشد. هر امنیت دیگری که بر اساس غیر از این پایه داشته باشد، آلوده به شرک است و نهایتا" در جهت ضدتکامل و هرجامعه‌ای که غیر از این عمل نمود، به نابودی و هلاک کشیده میشود:

خداوند مثال می‌زند برایتان شهر و جامعه‌ای را که در آن امنیت کامل برقرار بود و اهلش در آرامش واطمینان زندگی میکردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها میرسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفران کردند (درجهت ضد تکامل از آن استفاده نمودند) خدا هم بموجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی (عدم امنیت) را به آنان چشانید. . . پس شما مؤمنان از آنچه خدا روزی حلال و پاک شما قرارداده بخورید و شکر نعمتش بجای آرید (از آن در جهت الله استفاده کنید) اگر حقیقتا" خدا را می‌پرستید. (۱۱۲ و ۱۱۴ ـ از سورهٔ نحل).

ـ تجاوز از حد همان ظلم است، یعنی تجاوز از حدودی که بر اساس سنتها و قوانین الهی معین و مشخص شده است، جامعهٔ توحیدی چنانکه گفتیم رها و آزاد از این تجاوزات است.

مسجد نمونهٔ کامل یک چنین جامعه‌ای است. در این جامعه حتی مصرف امری نیست که بر پایهٔ لغو و بیهودگی ـ که خود تجاوز ازحدوظلم‌است ـ انجام‌گیرد. (۱۰)

در مسجد برابری کامل حکم‌فرماست و هیچکس را در آن بر دیگری مزیتی نیست. حتی در ساختش. چنانکه میبینیم حضرت محمد(ص) پس از ورود به مدینه چگونه خود در ساختن مسجدالنبی به مهاجرین و انصار یاری می‌دهد.

خصوصیت دیگر مسجد اینست که مالکی ندارد مگر خدا و از طرف دیگر محل عبادت است.

جامعهٔ توحیدی خود یک مسجد است. مالک آن خداست، همگان در آن برابر و برادرند و هر عملی که درش انجام شود یک عبادت است. (۱۱) اگرچه ظاهرا" چنین نباشد:

"مسجد اسم موضع عبادت است ـ خواه در آن سجده شود یا نه (۱۲) . . . . .

پاورقیها

۱ ـ در این رابطه رجوع کنید به کتاب "واژه‌های قرآنی" نوشته دکترحبیب‌الله پیمان، فصل اول.

۲ ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۳

۳ ـ سورهٔ بقره ۲۱۳ ـ حدید ۲۵

۴ ـ آیات بیشماری در قرآن شاهد بر این معناست. از آنجمله‌اند: ۱۲۶ ـ ۱۳۱ ۱۳۲ ـ ۱۷۰ و ۱۷۱ از سورهٔ نساء. ۱۷ و ۱۸ از سورهٔ مائده. ۱۲ ـ انعام ۱۱۶ ـ توبه.

"ادامه دارد"

فلسطین پارهٔ تن مستضعفان جهان

بقیه از صفحه ۱

مرز شهادت بر بلندیهای سرزمین پیامبران برافراشته خواهی داشت. تو خواهی ایستاد و به هنگام شهادت نیز ایستاده خواهی مرد، تو امروز پاسدار حرمت ابراهیم و عیسی و محمد در رویا روی بوطئه های صهیونیسم و سرمایه داری جهانی هستی، میدانم که فریادت و فریاد مسلسل هایت را از قدس و خلیل و بیت‌المقدس و رام الله خواهیم شنید و نوای عشقت و تجسم شرف و هستی و حیثیت خلق فلسطین، ای به بند کشیده زندان های امریکا و اسرائیل میدانم که بر دیوار زندان های ساخته دستهای پلید صهیونیسم نام فلسطین را خواهی نوشت.

قلب مستضعفین جهان در قدس فلسطین ودر مسجد اقصی می طپد. بکذار دشمنان مستضعفین و خلق فلسطین دست در دست یکدیگر به بوطئه بنشینند، بکذار کارتر و سادات و بگین در کنب دیوید به "مواءمرد" و بوطئه بنشینند، بکذار "سلطات العدو" و "سلطات الاحتلال" در "بیرزیت" و "رام الله" و "بیت لحم" تظاهرات فلسطینیان را به کلوله ببندند. بکذار فراء و قصات و شهرها و خیمه های فلسطینی مورد قاسیتی ترین حملات صهیونیسم و امپریالیسم باشد ـ اما درون هر خیمه و قریه و قصبه و در میان خون و آتش،جریک فلسطینی بر "رشاشه" خود بوسه خواهد زد، ارادهٔ مستضعفین وارادهٔ فلسطینی درسان باروت و خون استوارتر خواهد شدو انقلاب فلسطین بر همهٔ بوطئه های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و مرتجعین عرب غلبه خواهد کرد.

صمود و پایداری تو را همه‌ی مستضعفین جهان تجربه خواهند کرد و با تو خواهند سرود:

انا صامد
ان سرقوا زادی
انا صامد
ان هدموا بیتی
یا بیتی!
فی ضل محارک
انا صامد

★

من پایدارم
اگر چه همهٔ توشهٔ راهم را بغارت‌برده‌اند
باز من پایدارم
اگر چه خانه و کاشانه‌ام را ویران کرده‌اند
ای خانه‌ام
در سایه‌سنگهای ویرانت
من پایدارم

مرگ بر امپریالیسم امریکا
مرگ بر صهیونیسم منکی به امپریالیسم
انقلاب، انقلاب، تا پیروزی

امریکا، ژنرالهای ارتش شاه

بقیه ازصفحه۷

۵۷/۱۰/۳۰ کیهان. سخنگوی‌وزارت امور خارجه امریکااعلام کرد ژنرال هویزر که سرکرم بازدیداز ایران است‌اظهار عقیده میکند که عناصر اصلی ارتش از بختیار حمایت میکنند ـ هویزر هفته گذشته وارد تهران شد.

۵۷/۱۱/۱۸ اطلاعات به‌نقل‌ازخبرگزاریها واشنگتن

هودینگ کارتر: پایان ماءموریت هویزر را اعلام کرد. وی گفت هویزر بعضی از مسائل ناشی از وضع سیاسی ـ اقتصادی ایران را مورد بررسی وبحث قرار داده و نتیجه آن کاملا" رضایت بخش بوده است. دو هفته بعد از ورود ژنرال هویزر به ایران شاهد تظاهراتی غیر مترقبه بطرفدارای قانون اساسی و بختیار از جانب افراد ارتشی‌و عده‌ای از آدمهای خوش پوش از جمله خانم هائی که پالتو پوست به تن داشتند بودیم که انسان را بی اختیار بیاد تظاهرات ضد سالوادور آلنده که به کودتای امریکائی در شیلی انجامید می انداخت.

نکته‌ای که در آن زمان نظر مارا جلب میکرد تکوین توطئه‌ای بود که منشاء آن سازمان سیا بود ولی آنچه مسلم بود توطئه طرح واجرای نقشه کودتای نظامی نبود بلکه طبق سناست کارتر طرح درازمدت برای اسارت مجدد ایران بود. این توطئه از آنجا دارای اهمیت می گشت که کرمیت روزولت که از ماءموران ممتاز سیا و از عوامل اصلی طراحی کودتای ۱۹۵۲ (۱۳۳۲) در ایران بود بار دیگر به کار دعوت شده بود. دلائل و مدارک منطقی در دست است که وی برای مشاوره بروی مسائل ایران به وزارت خارجه و سیا فراخوانده شده بود

وجندی قبل از آن نیز با دوست صمیمی اش اسابقلد تریر (رئیس کنونی سیا) ملاقاتی داشتند. وی‌همچنین چندی پیش با یکی از اعضاء برجسته سازمان جاسوسی انگلستان که در سال ۱۳۳۲ با وی همکاری عمیقی داشته تماس گرفته بود این عضو برجسته اخیرا" از طرف انگلستان به عنوان مشاور دولت عربستان‌بدان کشور فرستاده شده و دوستی و همکاری زیادی با ریموداح کلاور (ماءمور وسریرست ایستگاه عملیاتی C.I.A در عربستان‌که هم اکنون از طرف رژیم عربستان به ریاست سازمان امنیت آنجابرگزیده شده!!!) دارد.

هم چنین ۴۰ نفرا ز ماءموران برجسته سیا که قبلا" در ایران سابقه عملیات جاسوسی داشتند به تهران روانه شدند.

این فعل‌وانفعالات باید ذهن ساده ـ اندیشان لیبرال سازشکار و حامیان ارتجاعی آنها رابه خود جلب میکرد و هشداری بود برای آنان که به علت ضعف اساسی در شناخت ماهیت امپریالیسم و عملکردهای آن تنها به بعد مبارزاتی ضد شاه و ضد دیکتاتوری آن هم با تماس با ماءموران سیا با ماسک دیپلمات دلگرم شدند این نیروها در گرماگرم مبارزه خلق ما با پایگاه های داخلی امپریالیسم بخاطر ماهیت سازشکارانه خود و بحساب غلط خود برای‌نجات ایران و جلوگیری از خونریزی بیشتر به مصالحه باماءموران امپریالیسم پرداختند! و انقلاب عظیم خلق ایران را نارس و ناقص العضو بدنیا آوردند.

دومین سالگرد عاشورای دانشگاه حنیف‌نژاد (تبریز)

بنام خدا

اعلامیه دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز ـ تبریز بمناسبت دومین سالگرد عاشورای دانشگاه (۱۸ اردیبهشت)

جنبشهای دانشجویی تاریخچه پرفراز و نشیب و خونباری در تمامی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم دارند و دانشگاه همواره سمبل مقاومت و خاستگاه فریاد حق‌طلبانه مستضعفان جامعه از حلقوم جانبازترین فرزندان خلق بوده است و حرکتهای دانشجویی بعنوان مقاومترین سدها در قبال دیکتاتورها و سلطه‌گران و یکی از اصیل‌ترین عوامل رسواگرانه ماهیت سازشکاران و فرصت‌طلبان بوده است.

جنبش دانشجوئی کشورمان نیز که سراسر مشحون از ایثار و فداکاری و اسارت و زندان و شهادت است، نقش اساسی در آگاهی و تحرک درآوردن توده‌های تحت ستم میهنمان داشته است. بیشمار جان برکف خلق با ایمان به مکتب و پیروزی حق بر باطل همواره بعنوان نیروی تسلیم‌ناپذیر و متکی به خلق در مقابل دیکتاتورهای دست‌نشانده امپریالیسم با پایمردی و بی‌هیچ‌پروائی در راه به حاکمیت رساندن مستضعفان بپاخاسته عمل کرده‌اند.

جنبش دانشجوئی در روند حرکت خونبار خویش با براه انداختن حرکتهای صنفی ـ سیاسی تا بنیان‌گذاری هسته‌های مسلحانه زیرزمینی نقش پیشتازی خود را در راه نجات خلق از بند اسارت استبداد وابسته بامپریالیسم ایفا نموده است.

از ۱۶ آذر ۳۲ که دانشگاه این سنگر جاودانی آزادی شاهد شهادت سه تن از فرزندان رشید خلق بود، جنبش دانشجوئی پرچم خونبار مقاومت‌قهرمانانه خویش را پیشاپیش توده‌ها لحظه‌ای بر زمین ننهاد. در تداوم این حرکت و در پیوند با قیام توده‌های مستضعف در ۱۸ اردیبهشت ۵۷ در چهلم شهدای یزد و جهرم دانشگاهمان شاهد اوج‌تظاهرات‌دانشجویان مسلمان و مبارز بود. در این روز دو تن از فرزندان امت قهرمانمان در زیر رگبار گلوله ـ های آمریکائی بدست مزدوران رژیم در صحنه دانشگاه به شهادت رسیدند و تعهد خدائی‌شان در قبال خلق را با خون خویش بانجام رساندند.

یادشان گرامی باد.

و ما امروز تداوم حرکتشان را در جبهه نبرد ضدامپریالیستی و در مبارزه و افشاء و نابودی پایگاه‌های داخلی امپریالیسم (سرمایه‌داری وابسته ـ لیبرالیسم وارتجاع ـ فئودالیسم ـ قراردادهای استعماری از جمله نفت و...) میدانیم. و معتقدیم که هرگونه مماشات و عدم موضعگیری قاطع در مقابل لیبرالها و وابستگرایان انحراف از آرمان و بانحراف کشاندن جنبش دانشجوئی است. بخصوص در شرایط حساس فعلی دانشگاهها که‌جنبش‌دانشجوئی باید موضعگیری قاطعی علیه لیبرالها و وابستگرایان داشته باشد. انحراف از این خط ـ انحراف از مکتب و خط‌انقلاب‌است.

و ما با تاکید میثاقمان با خدا و خلق و با ایمان به مکتب و حتمیت پیروزی حق تا از هم گسستن همه زنجیرهای وابستگی و دست یافتن به قله رفیع جامعه بی‌طبقه توحیدی براهشان ادامه میدهیم.

باشد که با هوشیاری موسانه و مبارزه‌ای مکتبی و آگاهانه مبارزه امت قهرمانمان را بر علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی‌اش هرچه برنوانتر سازیم و این مبارزه را از هرگونه تزلزل و سازش و تسلیم یا انحراف یا ارتجاع باز داریم.

برنوانتر باد اتحاد بیشازان مکتبی با مستضعفان بپاخاسته علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی‌اش

دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز ـ دانشگاه حنیف‌نژاد ـ تبریز
۱۳۵۹/۲/۱۸

بازهم حمله به‌کتابخانه اسلامی زاهدان

پس از گذشت یک ماه از حملهٔ عده‌ای انحصار طلب و معلوم الحال در پی قرائت قطعنامه‌ای تحریک آمیز در نماز جمعه زاهدان، مجددا" کتابخانهٔ مسجد جامع این شهر مورد حمله و تعرض قرار میگیرد، این عده بظاهر حامی اسلام با شعارهای "مرگ بر کمونیست"، "مرگ بر منافق"، چندی‌از جوانان مسلمان را که از بنیانگذاران این کتابخانه بوده و از تحمل هر گونه پیش آمد ناگواری در حفظ این کتابخانه چه‌در دوران طاغوت و چه بعد از آن، هیچگونه دریغی نکرده‌اند مورد حمله و ضرب و جرح قرار میدهند، که در نتیجه آن عده‌ای از جوانان مجروح و بستری میشوند.

در این میان آنچه مورد تأسف و تأثر بود وانسان را بیاد قضاوتهای دوران طاغوت و طاغوتیان میاندازد، موضع گیریهای مغرضانهٔ آقای دادستان محل و مسکوت گذاشته شدن جریان و عدم پیگیری آن بوسیله ایشان میباشد، که تا کنون هیچ گونه اقدامی جهت رسیدگی جدی به این موضوع و دستگیری‌عوامل آن، علیرغم اعلام جرم اعضای کتابخانه(جوانان مجروح) بعمل نیامده است.

ماضمن محکوم کردن این گونه حملات توجه دادستانی را به مسئولیت خطیرشان که بنام اسلام و دفاع از آن در مسند قضاوت نشسته‌اند، جلب می نمائیم.

جلوگیری ازچاپ پوستر روزکارگر

به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر طرحی از طرف هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اهواز تهیه شده بود. که با تلاش برادران و خواهران ویکی از برادران کارگر در چاپخانه وسائل و شرایط چاپ پوستر آماده گشت ولی در روز چهارشنبه (۵۹/۲/۱۰) مسئولین به استناد بخشنامه دادگاه انقلاب اهواز مبنی بر تعقیب اشخاصی که بدون اجازه آن دادگاه به چاپ پوستر، اعلامیه بپردازند، از چاپ پوستر خودداری کردند.

داستان انقلاب (آقای صادقی) نیز در پاسخ مراجعه برادرکارگر مان در چاپخانه برای کسب اجازه چاپ وی را عضو گروه دانسته و به بهانه های واهی‌از چاپ آن ممانعت بعمل میآورد، تلاش برادران و خواهران برای گرفتن اجازه نامه تا قبل‌از تعطیل چاپخانه‌ها به نتیجه نرسید.

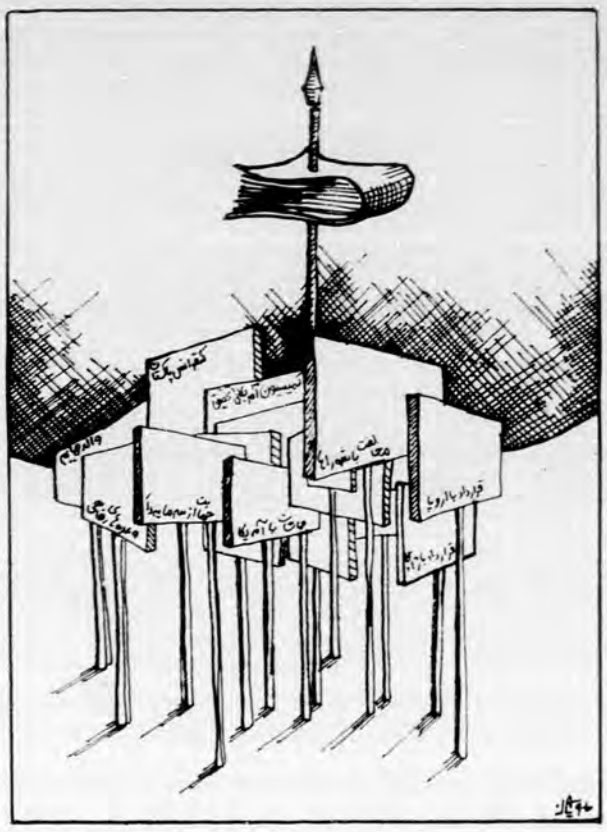

امریکا غول بیمار، درسراشیبی سقوط

سیاستمداران و ناظران اقتصادی ـ سیاسی جهان روزبروز قانع‌تر می‌شوند که غول بیمار و سرگردان و دیوانهٔ تمدن صنعتی غرب در سراشیبی سقوط‌خود شتاب بیشتری می‌گیرد.

در مبارزه‌ی انتخاب ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۶(۱۳۵۵) دست‌اندرکاران پشت پرده‌ی سیاست آمریکا خیال میکردند که پس‌از رسوائی استعفای نیکسون باید کسیرا بر سر کار بیاورند که‌باشعارهائی چون "حقوق بشر" تصویر زشت و فساد ـ آلوده‌ی رژیم آمریکا را در چشم مردم جهان عوض کند. لذا شخص گمنامی را بنام جیمی‌کارتر برای این منظورانتخاب‌کردند. ماشین تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آمریکا بکار افتاد و با صرف دهها میلیون دلار علنی و مخفی جیمی‌کارتر را به مردم بی‌اطلاع آمریکا شناساند.

در این مبارزه‌ی انتخاباتی دو شعار از همه بیشتر جلب توجه می‌کرد. یکی از این شعارها خطاب به سیاهان و مظلومان جامعه آمریکا بود که بآنها وعده و وعید برابری و برادری در فرصتها و در امکانات تحصیل و اشتغال و زندگی میداد. بهمین سبب جیمی‌کارتر موفق شد با همراهی دوست دیرینه‌ی کلیسائی خود اندروینگ رای سیاهان را بطرف خود جلب کند و به پیروزی برسد. اهمیت رای قاطع سیاهان بحدی بود که جیمی‌کارتر در یک مورد موفقیت خود را مدیون اندروینگ‌دانست و بآن اعتراف کرد.

شعار دوم تکیه بر دموکراسی‌وحقوق بشر بود که خیلی زود ماهیت آن بر جهانیان روشن شد. حمایت بی حد و حصر کارتر از رژیم‌های فاسدی چون رژیم دیکتاتور شاه و جنایات اسرائیل در فلسطین اشغال‌شده پرده‌های نیرنگ و ریا را درید.

رسوائی استعفاء اندروینگ از نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد، پس گرفتن رای مثبت آمریکا در شورای امنیت که بنفع تشکیل یک دولت فلسطینی داده شده بود، شکست نکبت‌بار آمریکا در اقدام نظامی در دشت کویر ایران و استفاده‌ی ناشیانه از قضیه گروگانها در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری وقایعی است که میبایستی باقیمانده‌ٔ حیثیت ساختگی آمریکا را در صحنه‌ی سیاست بین‌المللی بزداید.

بااینهمه باید دانست که در صحنه‌ی اقتصادی شکست‌های آمریکا کوچکتر از شکست‌های سیاسی آن نبوده است. دوران ریاست‌جمهوری کارتر شاید بعنوان نقطه‌ی عطفی شناخته شود که بر اثر ضربات کوبنده انقلاب ایران و سیاست آشتی‌ناپذیر رهبر آن در تمامی شئون اقتصادی ـ اجتماعی امریکا اختلالهای اساسی ایجاد شد.

بعنوان مثال کسری تراز پرداختهای آمریکا که در اوایل دهه‌ی هفتاد از چند میلیارد دلار در سال تجاوز نمی‌کرد در سه ماهه‌ی اول سال ۱۹۸۰(سال جاری) به ۱۲/۲ میلیارد دلار یا معادل ۴۹ میلیارد دلار در سال رسید. با آنکه‌اقتصاددانان آمریکا مقدار قابل توجهی از این کسری را ناشی از قیمت نفت و فلزات مورد نیاز صنایع نظامی میدانند، ولی علت اصلی را کاهش‌روزافزون قدرت تولید کارگر آمریکائی و قدرت تولید واحد سرمایه‌درآمریکا در مقابل آگاهی روزافزون ملل بپاخاسته در اداره‌ی منابع طبیعی خود باید دانست. آمریکا آنچنانکه پس از جنگ جهانی دوم مدعی بود، آقای جهان نیست.

پدیده‌ی استثنایی دیگر در اقتصاد آمریکا نرخ بهره‌ی اعتبار برای بهترین مشتریان نظام بانکی است که تا سه هفته‌ی پیش به ۲۰درصد رسید. وامهای تجاری و صنعتی با نرخی که حتی تا ۲۸% هم میرسید در اختیار مشتریان قرار گرفت. هدف از افزایش نرخ بهره این بود که پس‌اندازهای مردم را بطرف اوراق قرضه‌ی دولتی و خزانه‌داری آمریکا جلب کرده و مانع خریدهای مصرفی و تورمی آنها بشوند. از آنجا که مردم به تدابیر اقتصادی کارتر بی‌عقیده بودند، هجوم سرسام‌آوری به خرید لوازم زندگی واشیاء و عتیقه شد و در مقابل نه‌تنها سرمایه‌گذاری ثابت بلکه تحصیل اعتبار در گردش هم متوقف شد تا جائیکه بعضی کشاورزان آمریکائی ترجیح میدادند از مراقبتهای لازم زراعتی دست بکشند و اعتبار نرخهای بیش از ۲۰درصد دریافت نکنند.

آثار این رکود اقتصادی در چند هفتهٔ اخیر رخ نموده و موجب تعطیل کارخانجات اتومبیل‌سازی و بیکاری دهها‌هزارنفر کارگر شده است. شرکت اتومبیل‌سازی کرایسلر که چندی پیش ۲۵۰ میلیون دلار کمک دولتی بدست آورده به هیچیک از مشکلات خود نتوانسته سروسامانی بدهد. برای اولین بار در تاریخ آمریکا قرار شده رئیس اتحادیه‌ی کارگران اتومبیل‌سازی آمریکا (شخصی بنام فریزر) بعضویت‌هیات‌مدیره‌ی این شرکت در آید تا شاید بتواند در مباحثی که مطرح میشود، با طرح مسائل کارگری راه‌حلهای جدیدی بدست بیاورد. گفته میشود که در این معامله مبلغ ۲۰۳ میلیون‌دلار مزایای عقب‌افتاده کارگران اتومبیل‌سازی آمریکا نادیده‌گرفته شده تا آقای فریزر بعضویت هیات‌مدیره‌ی کرایسلر درآیند. همین شرکت از دولت کانادا هم مبلغ ۲۱۰ میلیون‌دلار وام با تضمین دولتی دریافت نموده است. علی‌رغم همه‌ی این کمکها و چاره‌اندیشی‌ها فروش این موسسه از دوره‌ی مشابه سال قبل ۴۲% کمتر شده و در سه ماهه‌ی اول سال جاری ۴۴۹ میلیون‌دلار زیان دیده است.

بحران باین زمینه‌ها و واحدها محدود نیست. شبکه‌ی فروشگاههای بزرگ، شرکتهای راه‌آهن در رقابت‌باتولیدکنندگان اتومبیل، شرکتهای فولادسازی و شیمیائی همگی در آستانه‌ی بحران عظیمی قرار دارند که بقول جیمی‌کارتر چند ماهی تلخ و سخت را در پیش رو دارند اگر به بیش از آن نیانجامد.

(درمصاف آمریکا)

همچون کبوتر سپید آزادی
کد در فضای پر صیاد
ردبه‌اوجی‌بلند بسپارد
هم چون آتش سرخ حق طلبی
کد با نفیر استبداد
اشتعالی عظیم‌افروزد
نو نهال انقلاب امتمان
در هوای مصاف امریکا
هرزمان‌قوتی‌فزون‌گیرد

* * *

نهال انقلاب سرخ امت
به رگبار هر تهدید رشد خواهد کرد
به تندباد هر تحریم جوانه خواهد زد
به طوفان هر هجوم میوه خواهد داد
و خاک را تنگ میکند بر
ریشه های گندیده وابستگی
علف های هرز سازشکاری

* * *

پس ای جهانخواران
این شما و این میدان
و من....
در جیب مشتی از گندم میهنم
در دست تفنگ ایرانی ام
ودر قلب شورای اسلامی ام
چشم به آبهای خلیج
منتظر ناوگانتان میمانم

بقیه از صفحه ۱

برادرکشی درکرستان ..

ب ـ قبول حاکمیت خلق کرد بر مناطق کردنشین از طریق شوراهای مردم کردستان "این طرح باید در سایر ایالات نیز به مرحله اجرا درآید".

ج ـ استقرار ارتش در خارج از شهرها و سپردن انتظامات داخل شهرها به سپاه پاسداران مشروط بر آنکه وظایف خود را با همکاری نزدیک‌با شوراهای مردم انجام دهند.

د ـ احترام و پاسداری از فرهنگ و زبان مردم کرد و آموزش کامل زبان و ادبیات کردی در مدارس همراه با آموزش زبان فارسی.

هـ ـ انجام فوری اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان در منطقه و قدرت دادن به شوراهای تعاونی و روستایی و کمک به آنان برای بازسازی روستاها و قطع کامل نفوذ فئودالها در منطقه.

و ـ احتراز از برخوردهای قهرآمیز و تحریک‌کننده در سرتاسر منطقه و همکاری و شرکت در پاسداری از مرزها.

ز ـ با قبول شرایط فوق، شورایی متشکل از نمایندگان شورای انقلاب و نمایندگان منتخب مردم کردستان در مجلس شورای ملی به منظور نظارت بر انتخابات شوراهای محلی شروع بکار انتخابات درمحیطی‌دور از حضور نیروهای مسلح و گروهها انجام گیرد.

طبیعی است که برای تحقق این پیشنهادات به منظور فراهم نمودن مقدمات مذاکرات و تشکیل یک شورای نظارت بر آتش‌بس، ما آماده همه‌گونه همکاری اصولی و بی‌نام و نشان با مقامات و مسئولین امور و برادران کرد خود هستیم.

سخنرانی درتبریز

بدنبال دعوت دفتر هواداران جنبش مسلمانان مبارز تبریز در تاریخ ۵۹/۲/۲۳ برادر دکتر پیمان سخنرانی در مورد انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادی نظام آموزشی در محل سالن ورزشی دانشگاه حنیف نژاد تبریز ایراد کردند و در انتها به پرسشهائی که از جانب شرکت کنندگان سخنرانی مطرح شد پاسخ گفتند.

گذری بر جوانب اقتصادی جامعه توحیدی

برای دانش آموزان

"جامعه توحیدی جامعهٔ ایده‌آلی است که میزان آنرا عالیترین وجوه تکاملی جامعهٔ انسانی دانست. خداوند از این جامعه، در قرآن، با عبارت "امت واحده" یاد می‌کند.

"امت" از ریشه "ام" ـ به معنای قصد کردن ـ جامعه‌ای است که‌اساس آن نه بر پیوندهای خونی و قبیله‌ای و نژادی و زبانی یا اشتراک اقلیمی، که بر اشتراک هدف و مقصد و مقصود استوار و پایدار است. (۱)

قرآن تشکیل امت واحده را امری حتمی دانسته که‌مطابق سنتها و قانونمندیهای لایتغیر الهی نهایتاً" بر روی کرهٔ زمین و در میان مردم تحقق می‌پذیرد.

آنطور که قرآن بیان می‌کند، مردم در ابتدا امت واحدی را تشکیل می‌دادند ـ کان الناس امة" واحدة" (۲) ـ این، جامعه ـ ای است که در آن هیچکس را امتیازی بر دیگری نیست هرکس به اندازهٔ نیاز مصرف می‌کند و بهره‌کشی فرد از فرد در آن معنایی ندارد.

اما در این جامعه اولیه‌اساس نه بر آگاهی واراده و اختیار که بر جبر غرایز و محیط طبیعی استوار بود. پیدایش آگاهی در انسان باعث میشود که از سویی پیشرفتهایی در شیوهٔ تامین معیشت پدید آمده و فرد بتواند بیش ازنیاز خود تولید نماید ـ بعبارت بهتر به جای جمع‌آوری غذا، کاملا" به تولید آن بپردازد ـ و از سوی دیگر، انسان به امر "اختیار" دست یابد. اختیاری که مالا" انتخاب را در پی خود خواهد داشت. انتخاب بین حق و باطل، انتخاب بین فجور و فلاح.

از این هنگام عده‌ای ـ بدلایل گوناگون ـ به حق دیگران تجاوز نموده و دسترنج آنان چنگ می‌اندازند. برادریها و برابریها از جامعه میروند و جای خود را به اختلاف و نزاع و کشمکش و درگیری می‌سپارند و جامعه را از شکل اجتماعی خالی از طبقات خارج میکنند. از این پس خداوند رسولان و انبیاء را برانگیخته و کتابها ـ میزان ـ را نازل میفرماید، تا این اختلافات و تخاصمات از بین رفته مردم قسط و عدل را بر پای دارند..... و امت واحد ـ جامعهٔ توحیدی ـ را تحقق دوباره بخشند. (۳)

تفاوت اساسی و عمده‌ای که این جامعه با امت واحد اولیه دارد، در اینست که اساس و پایه‌اش را آگاهی و اختیار و اراده تشکیل می‌دهد، نه جبر کور غرایز.

اکنون، برآنیم تا در این مختصر با استفاده از قرآن و متون‌اصیل و معتبر، فقط خصوصیات اقتصادی جامعهٔ توحیدی را بشناسیم. امید که از عهده برآئیم.

ـ در جامعهٔ توحیدی مالک مطلق خداست (۴) و هرکس فقط به اندازهٔ کار و نیاز خویش حق انتفاع از مواهب و نعمات الهی را داراست. فقط ماحصل کار فرد به او تعلق دارد ـ لیس‌للانسان الا ماسعی ـ معیار دیگر نیازهای اصیل و واقعی فرد است که مال اضافه، آنرا باید انفاق نماید: یا ایهاالذین آمنوا انفقوا مما رزقناکم (۵) ـ ای کسانی که ایمان آورده‌اید انفاق کنید از آنچه روزی شما گردانیدیم. این دو اصل (حق انتفاع بر اساس کار ـ انفاق زیاده بر نیاز) از اصول اساسی و لازم‌الاجرای اسلام هستند. به این‌ترتیب استفادهٔ "انگل‌وار" از کار دیگران و انباشت سرمایه ـ که قرآن آنرا بر حسب آیهٔ کنز (توبه ۳۴) شدیدا" رد می‌کند ـ امری غیرممکن بوده و جامعه بسوی برابری و نهایتا" نفی کامل طبقات حرکت می‌کند.

با این خصوصیات بی‌طبقه بودن یکی از ویژگیهای عمدهٔ "امت واحده" است و از اینرو میتوان آنرا به "جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی" ترجمه نمود.

ـ شمول و تسری اصل "خدامالکی" در جامعهٔ توحیدی الزاما" به معنای مالکیت عموم مردم و کل جامعه بر تمامی منابع و مواهب ـ اعم از مصنوعات انسانی و نعمات طبیعی ـ می‌باشد (۶) و جامعه به یک میزان و بر اساس احتیاجات واقعی حق استفاده از آنها را دارد. بعلاوه هرگونه اسراف و تبذیر در استفاده از این امکانات حرام و ممنوع است ـ کلوا و اشربوا و لاتسرفوا انه لایحب‌المسرفین ـ اعراف ۳۱

اسراف که خود نوعی تجاوز است در دو رابطه حرام است. از سویی برداشت از نعمات باید به گونه‌ای باشد که عدالت کامل در رابطه با تکتک افراد جامعه رعایت شود و از سوی دیگر این استفاده نباید بصورتی جریان یابد که نسلهای آینده و انسانهای آینده بر اثر برداشتهای ناصحیح اسلاف از این مواهب، در مضیقه قرار گیرند.

همچنین جامعه مکلف است حق کسانی را که ـ بدلایل مختلف ـ قادر به کارکردن نیستند، ادا کند:

انعام ـ ۱۴۱: او آن‌خدائیست که برای استفادهٔ شما باغها و بستانها بیافرید که آبیاشته از درختان افراشته و تا افراشته و درختان خرما و زراعتهائیست که میوه‌های گوناگون ببار می‌آورند و دارای زیتون و انار و میوه‌های مشابه و نامشابه هستند. از این‌میوه‌ها ومحصولات هرگاه‌بثمررسید (۷) استفاده کنید وهنگام درویدن، حقی را که در این نعمتها برای مسکینان نهاده شده بدهید، و بیش از نیازهای خود استفاده نکنیدکه خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

حضرت علی (ع) خطاب به کسانی که به تندی از او می‌پرسند که چرا بیت‌المال را بالسویه در میان مردم تقسیم می‌نماید و اشخاصی را که در اسلام سبقت داشته و دارای شرافت و بزرگ بودند، برتری نمیدهد، فرمود: .... اگر بیت‌المال مال شخص من هم بود آنرا بالسویه میان مسلمانان تقسیم مینمودم. پس چگونه (بین مردم) تبعیض قائل شوم و حال آنکه این مال، مال الله است. سپس فرمود: آگاه باشید که بخشیدن مال به کسی که حقش نیست (احتیاجی ندارد) تبذیر و اسراف است. (۸)

ـ جامعهٔ توحیدی چنانکه قبلا" هم گفتیم عالیترین سطح تکامل جامعهٔ انسانی است. در این میان چون "انسان" سازندهٔ این جامعهٔ متکامل است، پس خود او نیز الزاما" میبایستی به درجات والایی از تکامل دست یافته باشد. اینچنین است که میبینیم سنت الهی بر این قرارگرفته تا انسانها در طول تاریخ در کوره‌های سخت آزمایش قرار گیرند و ابتلاء یابند تا هر کسی که جهتی ضدتکامل و ضد الله دارد در مذبلهٔ تاریخ به خاک هلاک درافتد و آنانکه رو بسوی "الله" دارند استوارتر و آبدیده‌تر از پیش به حرکت در جهت هدف لایتناهی خود ادامه دهند و این مشیت الهی است:

ولوشاء الله لجعلکم امه واحده ولاکن لیبلوکم فی‌ما اتیکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعا" فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون ـ و اگر خدا میخواست (مشیت او اقتضاء می‌کرد) همه را یک امت می‌گردانید ولی این نکرد تا شما را به احکامی که‌در کتاب‌خود فرستاده بیازماید. پس بکارهای نیک سبقت گیرید که بازگشت همه بسوی خداست و در آنچه اختلاف می‌نمائید شما را به جزای آن آگاه خواهد ساخت. (فراز دوم ازآیه ۴۸ سورهٔ مائده).

ولوشاء ربک لجعل الناس امه واحده و لایزالون مختلفین ـ الا من رحم ربک و لذلک خلقهم و تمت کلمه ربک لاملان جهنم من‌الجنه والناس اجمعین ـ و اگر خدا میخواست همه ملل و مذاهب را یک امت می‌گردانید ولیکن دائم همهٔ ملل و اقوام دنیا با هم در اختلاف خواهند بود مگر آنکس که خدا برحمت (۹) و لطف خاص هدایت کند و برای همین آفریده شدند....

(هود ـ ۱۱۸ ـ ۱۱۹)

پس از طی یک چنین دورهٔ سخت و طولانی در عرصهٔ تاریخ است که امامت و وراثت مستضعفان ـ و ایجاد جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی ـ تحقق عینی در سطح تمامی کرهٔ زمین می‌یابد و وارثان زمین کسانی نیستند مگر آنانکه از این امتحان سخت تاریخی سرافراز بیرون آمده‌اند. آنانکه تنها در جهت تکامل عمل می‌کنند. بعبارت بهتر: ان‌الارض یرثها عبادی ـ الصالحون (انبیاء ۱۰۵). بالاخره‌سازندگان جامعهٔ توحیدی کسانی نیستند جز مستضعفین به تقوی رسیده.

ـ در جامعهٔ توحیدی ناامنی و تجاوز به حقوق دیگران جایی ندارد. در این جامعه اساس بر برادری استوار است ـ انما المؤمنون اخوه ـ امنیت واقعی آنست که بر عملکرد آگاهانهٔ جامعه در رابطه با تسلط بر کل منابع اقتصادی و حرکت منطبق بر اصول مکتب و روند تکامل استوار باشد. هر امنیت دیگری که بر اساس غیر از این پایه داشته باشد، آلوده به شرک است و نهایتا" در جهت ضدتکامل و هرجامعه‌ای که غیر از این عمل نمود، به نابودی و هلاک کشیده میشود:

خداوند مثال می‌زند برایتان شهر و جامعه‌ای را که در آن امنیت کامل برقرار بود و اهلش در آرامش واطمینان زندگی میکردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها میرسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفران کردند (درجهت ضد تکامل از آن استفاده نمودند) خدا هم بموجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی (عدم امنیت) را به آنان چشانید... پس شما مؤمنان از آنچه خدا روزی حلال و پاک شما قرارداده بخورید و شکر نعمتش بجای آرید (از آن در جهت الله استفاده کنید) اگر حقیقتا" خدا را می‌پرستید. (۱۱۲ و ۱۱۴ ـ از سورهٔ نحل).

ـ تجاوز از حد همان ظلم است، یعنی تجاوز از حدودی که بر اساس سنتها و قوانین الهی معین و مشخص شده است، جامعهٔ توحیدی چنانکه گفتیم رها و آزاد از این تجاوزات است.

مسجد نمونهٔ کامل یک چنین جامعه‌ای است. در این جامعه حتی مصرف امری نیست که بر پایهٔ لغو و بیهودگی ـ که خود تجاوز ازحدوظلم‌است ـ انجام‌گیرد. (۱۰)

در مسجد برابری کامل حکم‌فرماست و هیچکس را در آن بر دیگری مزیتی نیست. حتی در ساختنش. چنانکه میبینیم حضرت محمد (ص) پس از ورود به مدینه چگونه خود در ساختن مسجدالنبی به مهاجرین و انصار یاری می‌دهد.

خصوصیت دیگر مسجد اینست که مالکی ندارد مگر خدا و از طرف دیگر محل عبادت است.

جامعهٔ توحیدی خود یک مسجد است. مالک آن خداست، همگان در آن برابر و برادرند و هر عملی که درش انجام شود یک عبادت است. (۱۱) اگرچه ظاهرا" چنین نباشد:

"مسجد اسم موضع عبادت است ـ خواه در آن سجده شود یا نه (۱۲).....

پاورقیها

۱ ـ در این رابطه رجوع کنید به کتاب "واژه‌های قرآنی" نوشته دکترحبیب‌الله پیمان، فصل اول.

۲ ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۳

۳ ـ سورهٔ بقره ۲۱۳ ـ حدید ۲۵

۴ ـ آیات بیشماری در قرآن شاهد بر این معناست. از آنجمله‌اند: ۱۲۶ ـ ۱۳۱ ۱۳۲ ـ ۱۷۰ و ۱۷۱ از سورهٔ نساء. ۱۷ و ۱۸ از سورهٔ مائده. ۱۲ ـ انعام ۱۱۶ ـ توبه.

"ادامه دارد"

فلسطین پارهٔ تن مستضعفان جهان

بقیه از صفحه ۱

واحده" ابراهیم (ع) و محمد (ص) تحقق نخواهد یافت.

و توای مادرم و خواهرم، تو در درون خیمه ها و تل ها تنها بدستان بربارت ایمان آوری، تو با دستان خود فقر و دربدری و بیماری و آوارگی را آزمودی، هم چنانکه سازمان ملل متحد و شورای امنیت وامریکای جنایتکارو جهانخوار را.

تو در سرودهای‌خود در گوش فرزندان خردسال ات ریاکاری مدعیان دروغین حمایت از حقوق خلق فلسطین را زمزمه کردی و او را آموختی که تنها بخود متکی باش و "رشاشه"ات که اگر چنین کنی خدا با تو ست.

خواهرم ـ تو درمیان خون و آتش در "دیرپاسین" و "کرامه" و "تل زعتر" دوستان‌و دشمنانت‌را آزمودی و در بمبارانهای خوشه های ناپالم جنوب لبنان جوانه های امیدت شکفتند، امید به حقانیت راهی که در پیش‌گرفته‌ای.

هرگز فراموش نخواهی کرد آن شب شوم و دیرپای سال ۱۹۴۸ را که" دیویدبن گوریون" سرزمین تو را اسرائیل نامید و ارتش هفت کشور غربی بدلیل ماهیت وابسته و خیانت زمامداران وسرکردگانش نتوانست باری از شانه های زخمی توبردارد و توازهمهٔ موکلین رسمی و غیر رسمی و قطعنامه های سازمان ملل متحد یکباره امید بریدی و ظلمت آن شب شوم را با بارقه" قنبله" هایت روشن ساختی.

و توای برادر و خواهرم، در سرزمین‌های غصب شده میدانم که علم فلسطین را تا مرز شهادت بر بلندیهای سررس پیامبران برافراشته خواهی داشت. تو خواهی ایستاد و به هنگام شهادت نیز ایستاده خواهی مرد، تو امروز پاسدار حرمت ابراهیم و عیسی و محمد در روبا روی توطئه های صهیونیسم و سرمایه داری جهانی هستی، میدانم که فریادت و فریاد مسلسل هایت را از قدس‌و جلیل و بئرالسبع و رام الله خواهیم شنید و توای‌عیسی‌و مریم شرف و هستی و حیثیت خلق فلسطین، ای به بند کشیده زندان های امریکا و اسرائیل میدانم که بر دیوار زندان های ساخته دستهای پلیدصهیونیسم نام فلسطین را خواهی نوشت.

قلب مستضعفین جهان در قدس فلسطین ودر مسجد اقصی می طپد. یکدار دشمنان مستضعفین و خلق فلسطین دست در دست یکدیگر به توطئه بنشینند، یکدار کاربر و ساداتو بگین در کمپ دیوید به "موا"مرد" و توطئه بنشینند، یکدار"سلطات العدو" و "سلطات الاحتلال" در "بیرزیت" و "رام الله" و" بیت لحم" تظاهرات فلسطینیان را به گلوله ببندند. یکدار قراء و قصبات و شهرها و خیمه های فلسطینی مورد فاشیستی ترین حملات صهیونیسم و امپریالیسم باشد ـ اما درون هر خیمه و قریه و قصبه و در میان خون و آتش،جریک فلسطینی بر"رشاشه" خود بوسه خواهد زد، ارادهٔ مستضعفین وارادهٔ فلسطینی درمیان باروت و خون استوارتر خواهد شدو انقلاب فلسطین بر همهٔ توطئه های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و مرتجعین عرب غلبه خواهد کرد.

صمود و پایداری تو را همه‌ی مستضعفین جهان تجربه خواهند کرد و با تو خواهند سرود:

انا صامد
ان سرقوا زادی
انا صامد
ان هدموا بیتی
یا بیتی!
فی ضل مجارک
انا صامد

★

من پایدارم
اگر چه همهٔ توشهٔ راهم را بغارت‌برده‌اند
باز من پایدارم
اگر چه خانه و کاشانه‌ام را ویران کرده‌اند
ای خانه‌ام
در سایه‌سنگهای ویرانت
من پایدارم

مرگ بر امپریالیسم امریکا
مرگ بر صهیونیسم متکی به امپریالیسم
انقلاب، انقلاب، تا پیروزی

امریکا، ژنرالهای ارتش شاه

بقیه ازصفحه۷

۵۷/۱۰/۳۰ کیهان. سخنگوی‌وزارت امور خارجه امریکااعلام کرد ژنرال هویزر که سرگرم بازدیداز ایران است‌اظهار عقیده میکند که عناصر اصلی ارتش از بختیار حمایت میکنند ـ هویزر هفته گذشته وارد تهران شد.

۵۷/۱۱/۱۸ اطلاعات به‌نقل ازخبرگزاریها واشنگتن

هودینگ کارتر: پایان ماءموریت هویزر را اعلام کرد. وی گفت هویزر بعضی از مسائل ناشی از وضع سیاسی ـ اقتصادی ایران را مورد بررسی وبحث قرار داده و نتیجه آن کاملا" رضایت بخش بوده است.

دو هفته بعد از ورود ژنرال هویزر به ایران شاهد تظاهراتی غیر مترقبه بطرفداری قانون اساسی و بختیار از جانب افراد ارتشی‌و عده‌ای از آدمهای خوش بوش از جمله خانم هائی که پالتو پوست به تن داشتند بودیم که انسان را بی اختیار بیاد تظاهرات ضد سالوادور آلنده که به کودتای امریکائی در شیلی انجامید می انداخت.

نکته‌ای که در آن زمان نظر مارا جلب میکرد تکوین توطئه‌ای بود که منشاء آن سازمان سیا بود ولی آنچه مسلم بود توطئه طرح واجرای نقشه کودتای نظامی نبود بلکه طبق سیاست کارتر طرح درازمدت برای اسارت مجدد ایران بود. این توطئه از آنجا دارای اهمیت می گشت که کرمیت روزولت که از ماءموران ممتاز سیا و از عوامل اصلی طراحی کودتای ۱۹۵۲ (۱۳۳۲) در ایران بود بار دیگر به کار دعوت شده بود. دلائل و مدارک منطقی در دست است که وی برای مشاوره بروی مسائل ایران به وزارت خارجه و سیا فراخوانده شده بود

وچندی قبل از آن نیز با دوست صمیمی اش استانفلد ترنر (رئیس کنونی سیا) ملاقاتی داشتند. وی‌همچنین چندی پیش با یکی از اعضاء برجسته سازمان جاسوسی انگلستان که در سال ۱۳۳۲ با وی همکاری عمیقی داشته تماس گرفته بود این عضو برجسته اخیرا" از طرف انگلستان به عنوان مشاور دولت عربستان‌بدان کشور فرستاده شده و دوستی و همکاری زیادی با ریموندجاک کلاور (ماءمور وسرپرست ایستگاه عملیاتی C.I.A در عربستان‌که هم اکنون از طرف رژیم عربستان به ریاست سازمان امنیت آنجابرگزیده شده!!!) دارد.

هم چنین ۴۰ نفرا ز ماءموران برجسته سیا که قبلا" در ایران سابقه عملیات جاسوسی داشتند به تهران روانه شدند.

این فعل‌وانفعالات باید ذهن ساده ـ اندیشان لیبرال سازشکار و حامیان ارتجاعی آنها رابه خود جلب میکرد و هشداری بود برای آنان که به علت ضعف اساسی در شناخت ماهیت امپریالیسم و عملکردهای آن تنها به بعد مبارزاتی ضد شاه و ضد دیکتاتوری آن هم با تماس با ماءموران سیا با ماسک دیپلمات دلگرم شدند این نیروها در گرماگرم مبارزه خلق ما با پایگاه های داخلی امپریالیسم بخاطر ماهیت سازشکارانه خود و بحساب غلط خود برای‌نجات ایران و جلوگیری از خونریزی بیشتر به مصالحه باماءموران امپریالیسم پرداختند! و انقلاب عظیم خلق ایران را نارس و ناقص العضو بدنیا آوردند.

دومین سالگرد عاشورای دانشگاه حنیف‌نژاد (تبریز)

بنام خدا

اعلامیه دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز ـ تبریز بمناسبت دومین سالگرد عاشورای دانشگاه (۱۸ اردیبهشت)

جنبشهای دانشجویی تاریخچه برفراز و نشیب و خونباری در تمامی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم دارند و دانشگاه همواره سمبل مقاومت و خاستگاه فریاد حق‌طلبانه مستضعفان جامعه از حلقوم جانبازترین فرزندان خلق بوده است و حرکتهای دانشجویی بعنوان مقاومترین سدها در مقابل دیکتاتورها و سلطه‌گران و یکی از اصلی‌ترین عوامل رسواگرانه ماهیت سازشکاران و فرصت‌طلبان بوده است.

جنبش دانشجوئی کشورمان نیز که سراسر مشحون از ایثار و فداکاری و اسارت و زندان و شهادت است، نقش اساسی در آگاهی و تحرک درآوردن توده‌های تحت ستم میهنمان داشته است. بیشماران جان برکف خلق با ایمان به مکتب و پیروزی حق بر باطل همواره بعنوان نیروئی تسلیم‌ناپذیر و متکی به خلق در مقابل دیکتاتورهای دست‌نشانده امپریالیسم با پایمردی و بی‌هیچ‌پروائی در راه به حاکمیت رساندن مستضعفان بپاخاسته عمل کرده‌اند.

جنبش دانشجوئی در روند حرکت خونبار خویش با براه انداختن حرکتهای صنفی ـ سیاسی تا بنیان‌گذاری هسته‌های مسلحانه زیرزمینی نقش بیشتری خود را در راه نجات خلق از بند اسارت استبداد وابسته بامپریالیسم ایفا نموده است.

از ۱۶ آذر ۳۲ که دانشگاه این سنگر جاودانی آزادی شاهد شهادت سه تن از فرزندان رشید خلق بود، جنبش دانشجوئی پرچم خونبار مقاومت‌قهرمانانه خویش را پیشاپیش توده‌ها لحظه‌ای بر زمین ننهاد. در تداوم این حرکت و در پیوند با قیام توده‌های مستضعف در ۱۸ اردیبهشت ۵۷ در چهلم شهدای یزد و جهرم دانشگاهمان شاهد اوج‌تظاهرات دانشجویان مسلمان و مبارز بود. در این روز دو تن از فرزندان امت قهرمانمان در زیر رگبار گلوله ـ های آمریکائی بدست مزدوران رژیم در صحنه دانشگاه به شهادت رسیدند و تعهد خدائی‌شان در قبال خلق را با خون خویش بانجام رساندند.

یادشان گرامی باد.

و ما امروز تداوم حرکتشان را در جبهه نبرد ضدامپریالیستی و در مبارزه و افشاء و نابودی پایگاه‌های داخلی امپریالیسم (سرمایه‌داری وابسته ـ لیبرالیسم وارتجاع ـ فئودالیسم ـ قراردادهای استعماری از جمله نفت و...) میدانیم. و معتقدیم که هرگونه مماشات و عدم موضعگیری قاطع در مقابل لیبرالها و واپسگرایان انحراف از آرمان و بانحراف کشاندن جنبش دانشجوئی است. بخصوص در شرایط حساس فعلی دانشگاهها که‌جنبش‌دانشجوئی باید موضعگیری قاطعی علیه لیبرالها و واپسگرایان داشته باشد. انحراف از این خط ـ انحراف از مکتب و خط انقلاب است.

و ما با تاکید میثاقمان با خدا و خلق و با ایمان به مکتب و حتمیت پیروزی حق تا از هم گسستن همه زنجیرهای وابستگی و دست یافتن به قله رفیع جامعه بی‌طبقه توحیدی براهشان ادامه میدهیم.

باشد که با هوشیاری مومنانه و مبارزه‌ای مکتبی و آگاهانه مبارزه امت قهرمانمان را بر علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی‌اش هرچه پرتوانتر سازیم و این مبارزه را از هرگونه تزلزل و سازش و تسلیم یا انحراف یا ارتجاع باز داریم.

پرتوانتر باد اتحاد بیشتازان مکتبی با مستضعفان بپاخاسته علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی‌اش

دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز ـ دانشگاه حنیف‌نژاد ـ تبریز
۱۳۵۹/۲/۱۸

بازهم حمله به‌کتابخانه اسلامی زاهدان

پس از گذشت یک ماه از حملهٔ عده‌ای انحصار طلب و معلوم الحال در پی قرائت قطعنامه‌ای تحریک آمیز در نماز جمعه زاهدان، مجددا" کتابخانهٔ مسجد جامع این شهر مورد حمله و تعرض قرار میگیرد، این عده بظاهر حامی اسلام با شعارهای "مرگ بر کمونیست"، "مرگ بر منافق"، چندی‌از جوانان مسلمان را که از بنیانگذاران این کتابخانه بوده و از تحمل هر گونه پیش آمد ناگواری در حفظ این کتابخانه چه‌در دوران طاغوت و چه بعد از آن، هیچگونه دریغی نکرده‌اند مورد حمله و ضرب و جرح قرار میدهند، که در نتیجه آن عده‌ای از جوانان مجروح و بستری میشوند.

در این میان آنچه مورد تاءسف و تاءثر بود وانسان را بیاد قضاوتهای دوران طاغوت و طاغوتیان میاندازد، موضع گیریهای مغرضانهٔ آقای دادستان محل و مسکوت گذاشته شدن جریان و عدم پیگیری آن بوسیله ایشان میباشد، که تا کنون هیچ گونه اقدامی جهت رسیدگی جدی به این موضوع و دستگیری‌عوامل آن، علیرغم اعلام جرم اعضای کتابخانه (جوانان مجروح) بعمل نیامده است.

ماضمن محکوم کردن این گونه حملات توجه دادستانی را به مسئولیت خطیرشان که بنام اسلام و دفاع از آن در مسند قضاوت نشسته‌اند، جلب می نمائیم.

جلوگیری ازچاپ پوستر روزکارگر

به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر طرحی از طرف هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اهواز تهیه شده بود. که با تلاش برادران و خواهران ویکی از برادران کارگر در چاپخانه وسائل و شرایط چاپ پوستر آماده گشت ولی در روز چهارشنبه (۵۹/۲/۱۰) مسئولین به استناد بخشنامه دادگاه انقلاب اهواز مبنی بر تعقیب اشخاصی که بدون اجازه آن دادگاه به چاپ پوستر، اعلامیه بپردازند، از چاپ پوستر خودداری کردند.

داستان انقلاب (آقای صادقی) نیز در پاسخ مراجعه برادرکارگر مان در چاپخانه برای کسب اجازه چاپ وی را عضو گروه دانسته و به بهانه های واهی‌از چاپ آن ممانعت بعمل میآورد، تلاش برادران و خواهران برای گرفتن اجازه نامه تا قبل‌از تعطیل چاپخانه‌ها به نتیجه نرسید.

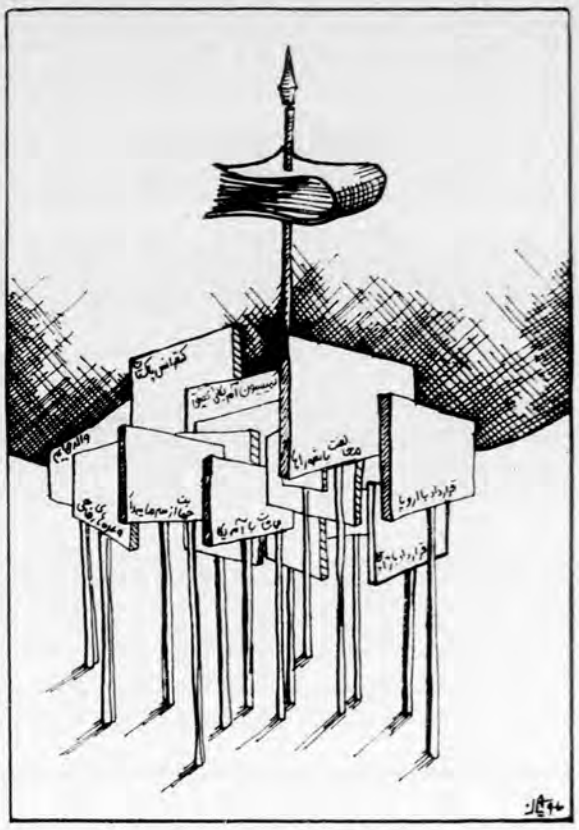

امریکا غول بیمار، درسراشیبی سقوط

سیاستمداران و ناظران اقتصادی ـ سیاسی جهان روزبروز قانع‌تر می‌شوند که غول بیمار و سرگردان و دیوانهٔ تمدن صنعتی غرب در سراشیبی سقوط‌خود شتاب بیشتری می‌گیرد.

در مبارزه‌ی انتخاب ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) دست‌اندرکاران پشت پرده‌ی سیاست آمریکا خیال میکردند که پس‌از رسوائی استعفای نیکسون باید کسیرا بر سر کار بیاورند که‌باشعارهائی چون "حقوق بشر" تصویر زشت و فساد ـ آلوده‌ی رژیم آمریکا را در چشم مردم جهان عوض کند. لذا شخص گمنامی را بنام جیمی‌کارتر برای این منظورانتخاب‌کردند. ماشین تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آمریکا بکار افتاد و با صرف دهها میلیون دلار علنی و مخفی جیمی‌کارتر را به مردم بی‌اطلاع آمریکا شناساند.

در این مبارزه‌ی انتخاباتی دو شعار از همه بیشتر جلب توجه می‌کرد. یکی از این شعارها خطاب به سیاهان و مظلومان جامعه آمریکا بود که بآنها وعده و وعید برابری و برادری در فرصتها و در امکانات تحصیل و اشتغال و زندگی میداد. بهمین سبب جیمی‌کارتر موفق شد با همراهی دوست دیرینه‌ی کلیسائی خود اندروینگ رای سیاهان را بطرف خود جلب کند و به پیروزی برسد. اهمیت رای قاطع سیاهان بحدی بود که جیمی‌کارتر در یک مورد موفقیت خود را مدیون اندروینگ دانست و بآن اعتراف کرد.

شعار دوم تکیه بر دموکراسی وحقوق بشر بود که خیلی زود ماهیت آن بر جهانیان روشن شد. حمایت بی حد و حصر کارتر از رژیم‌های فاسدی چون رژیم دیکتاتور شاه و جنایات اسرائیل در فلسطین اشغال‌شده پرده‌های نیرنگ و ریا را درید.

رسوائی استعفاء اندروینگ از نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد، پس گرفتن رای مثبت آمریکا در شورای امنیت که بنفع تشکیل یک دولت فلسطینی داده شده بود، شکست نکبت‌بار آمریکا در اقدام نظامی در دشت کویر ایران و استفاده‌ی ناشیانه از قضیه گروگانها در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری وقایعی است که میبایستی باقیماندهٔ حیثیت ساختگی آمریکا را در صحنه‌ی سیاست بین‌المللی بزداید.

بااینهمه باید دانست که در صحنه‌ی اقتصادی شکست‌های آمریکا کوچکتر از شکست‌های سیاسی آن نبوده است. دوران ریاست‌جمهوری کارتر شاید بعنوان نقطه‌ی عطفی شناخته شود که بر اثر ضربات کوبنده انقلاب ایران و سیاست آشتی‌ناپذیر رهبر آن در تمامی شئون اقتصادی ـ اجتماعی امریکا اختلالهای اساسی ایجاد شد.

بعنوان مثال کسری تراز پرداختهای آمریکا که در اوایل دهه‌ی هفتاد از چند میلیارد دلار در سال تجاوز نمی‌کرد در سه ماهه‌ی اول سال ۱۹۸۰ (سال جاری) به ۱۲/۲ میلیارد دلار یا معادل ۴۹ میلیارد دلار در سال رسید. با آنکه‌اقتصاددانان آمریکا مقدار قابل توجهی از این کسری را ناشی از قیمت نفت و فلزات مورد نیاز صنایع نظامی میدانند، ولی علت اصلی را کاهش‌روزافزون قدرت تولید کارگر آمریکایی و قدرت تولید واحد سرمایه‌درآمریکا در مقابل آگاهی روزافزون ملل بپاخاسته در اداره‌ی منابع طبیعی خود باید دانست. آمریکا آنچنانکه پس از جنگ جهانی دوم مدعی بود، آقای جهان نیست.

پدیده‌ی استثنائی دیگر در اقتصاد آمریکا نرخ بهره‌ی اعتبار برای بهترین مشتریان نظام بانکی است که تا سه هفته‌ی پیش به ۲۰درصد رسید. وامهای تجاری و صنعتی با نرخی که حتی تا ۲۸% هم میرسید در اختیار مشتریان قرار گرفت. هدف از افزایش نرخ بهره این بود که پس‌اندازهای مردم را بطرف اوراق قرضه‌ی دولتی و خزانه‌داری آمریکا جلب کرده و مانع خریدهای مصرفی و تورمی آنها بشوند. از آنجا که مردم به تدابیر اقتصادی کارتر بی‌عقیده بودند، هجوم سرسام‌آوری به خرید لوازم زندگی واشیاء و عتیقه شد و در مقابل نه‌تنها سرمایه‌گذاری ثابت بلکه تحصیل اعتبار در گردش هم متوقف شد تا جائیکه بعضی کشاورزان آمریکائی ترجیح میدادند از مراقبتهای لازم زراعتی دست بکشند و اعتبار نرخهای بیش از ۲۰درصد دریافت نکنند.

آثار این رکود اقتصادی در چند هفتهٔ اخیر رخ نموده و موجب تعطیل کارخانجات اتومبیل‌سازی و بیکاری دهها‌هزارنفر کارگر شده است. شرکت اتومبیل‌سازی کرایسلر که چندی پیش ۲۵۰ میلیون دلار کمک دولتی بدست آورده به هیچیک از مشکلات خود نتوانسته سروسامانی بدهد. برای اولین بار در تاریخ آمریکا قرار شده رئیس اتحادیه‌ی کارگران اتومبیل‌سازی آمریکا (شخصی بنام فریزر) بعضویت‌هیات‌مدیره‌ی این شرکت در آید تا شاید بتواند در مباحثی که مطرح میشود، با طرح مسائل کارگری راه‌حلهای جدیدی بدست بیاورد. گفته میشود که در این معامله مبلغ ۲۰۳ میلیون‌دلار مزایای عقب‌افتاده کارگران اتومبیل‌سازی آمریکا نادیده‌گرفته شده تا آقای فریزر بعضویت هیات‌مدیره‌ی کرایسلر درآیند. همین شرکت از دولت کانادا هم مبلغ ۲۱۰ میلیون‌دلار وام با تضمین دولتی دریافت نموده است. علی‌رغم همه‌ی این کمکها و چاره‌اندیشی‌ها فروش این موسسه از دوره‌ی مشابه سال قبل ۴۲% کمتر شده و در سه ماهه‌ی اول سال جاری ۴۴۹ میلیون‌دلار زیان دیده است.

بحران باین زمینه‌ها و واحدها محدود نیست. شبکه‌ی فروشگاههای بزرگ، شرکتهای راه‌آهن در رقابت‌باتولیدکنندگان اتومبیل، شرکتهای فولادسازی و شیمیائی همگی در آستانه‌ی بحران عظیمی قرار دارند که بقول جیمی‌کارتر چند ماهی تلخ و سخت را در پیش رو دارند اگر به بیش از آن نیانجامد.

(درمصاف آمریکا)

همچون کبوتر سپید آزادی
که در فضای پر صیاد
ردپاوجی‌بلند بسپارد
هم چون آتش سرخ حق طلبی
که با نفیر استبداد
اشتعالی عظیم‌افروزد
تو نهال انقلاب امتمان
در هوای مصاف امریکا
هرزمان‌قوتی‌فزون‌گیرد

* * *

نهال انقلاب سرخ امت
به رگبار هر تهدید رشد خواهد کرد
به تندباد هر تحریم جوانه خواهد زد
به طوفان هر هجوم میوه خواهد داد
و خاک را تنگ میکند بر
ریشه های گندیده وابستگی
علف های هرز سازشکاری

* * *

پس ای جهانخواران
این شما و این میدان
و من....
در جیب مشتی از گندم میهنم
در دست تفنگ ایرانی ام
ودر قلب شورای اسلامی ام
چشم به آبهای خلیج
منتظر ناوگانتان میمانم

بقیه از صفحه ۱

برادرکشی درکرستان..

ب ـ قبول حاکمیت خلق کرد بر مناطق کردنشین از طریق شوراهای مردم کردستان "این طرح باید در سایر ایالات نیز به مرحله اجرا درآید".

ج ـ استقرار ارتش در خارج از شهرها و سپردن انتظامات داخل شهرها به سپاه پاسداران مشروط بر آنکه وظایف خود را با همکاری نزدیک‌با شوراهای مردم انجام دهند.

د ـ احترام و پاسداری از فرهنگ و زبان مردم کرد و آموزش کامل زبان و ادبیات کردی در مدارس همراه با آموزش زبان فارسی.

هـ ـ انجام فوری اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان در منطقه و قدرت دادن به شوراهای تعاونی و روستایی و کمک به آنان برای بازسازی روستاها و قطع کامل نفوذ فئودالها در منطقه.

و ـ احتراز از برخوردهای قهرآمیز و تحریک‌کننده در سرتاسر منطقه و همکاری و شرکت در پاسداری از مرزها.

ز ـ با قبول شرایط فوق، شورایی متشکل از نمایندگان شورای انقلاب و نمایندگان منتخب مردم کردستان در مجلس شورای ملی به منظور نظارت بر انتخابات شوراهای محلی شروع بکار انتخابات درمحیطی‌دور از حضور نیروهای مسلح و گروهها انجام گیرد.

طبیعی است که برای تحقق این پیشنهادات به منظور فراهم نمودن مقدمات مذاکرات و تشکیل یک شورای نظارت بر آتش‌بس، ما آماده همه‌گونه همکاری اصولی و بی‌نام و نشان با مقامات و مسئولین امور و برادران کرد خود هستیم.

سخنرانی درتبریز

بدنبال دعوت دفتر هواداران جنبش مسلمانان مبارز تبریز در تاریخ ۵۹/۲/۲۳ برادر دکتر پیمان سخنرانی در مورد انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادی نظام آموزشی در محل سالن ورزشی دانشگاه حنیف نژاد تبریز ایراد کردند و در انتها به پرسشهائی که از جانب شرکت کنندگان سخنرانی مطرح شد پاسخ گفتند.

★ سالروز شهادت فرزندان خلق ★

سپیده‌دم چهارم خرداد ۵۱ با سپیدی آغاز نشد و در آنروز خون شهیدان والائی چون: شهید حنیف‌نژاد ـ سعید محسن ـ اصغر بدیع‌زادگان ـ رسول مشکین‌فام و محمود عسگری‌زاده بر زمین ریخت و افق خونین شد.

در سپیده‌دمان خونین آنروز این فرزندان شایسته خلق به کاروان صدیقین و صالحین و متقین شهید پیوستند. فرزندانی که با پشت سر نهادن ابتلا و امتحان الهی و قرار گرفتن در مسیر تکاملی بسوی الله و رهیدن از هر گونه دلبستگی و علقه مانع حرکت، آنچنان شکفتند که شهادت چون شهد بر کامشان ریخت و جانانه باستقبال آن شتافتند.

ایمان به هدف و رسالت و مسئولیت سراسر زندگی و اندیشه و عمل آنانرا آنچنان در بر گرفته بود که "منی" در میان نبود و هر لحظه رفتن را رسیدن می‌دانستند.

اندیشه‌ها و نظام‌های طاغوتی با همه‌ی قدرت و آراستگی ظاهری در دل و چشم آنان فرو ریختنی و رو بزوال بودند. ایمان به حقانیت مکتب و راه گوهر تابناکی بود که در دل ظلمانی‌ترین شبها، امید به نور و روشنی را در دل آنان زنده نگهمیداشت و بانیروی اراده وآگاهی به ظلمت کده‌های ظلم و استبداد و استعمار و استثمار می‌تاختند.

شهیدان چهارم خرداد ماه سال ۵۱ ستارگانی بودند در شب تیره و ظلمانی توده‌های مردم ـ که در نتیجه حاکمیت رژیم ضدمردمی و وابسته بامپریالیسم سایه افکنده بود ـ درخشیدند و امید و آرزوی دریدن پرده‌های ظلمت آن شب دیجور را در دلها زنده نگهداشتند.

آموخته بودند که باطل با همه‌ی آراستگی ظاهری و مسلح بودن تا به دندان و در دست داشتن همه‌گونه امکانات باطل است. " و ان‌الباطل‌کان ذهوقا" و از این راه هرگز یاس و هراس در دل پرطپش آنان جای نگرفت.

در هر قدمی آموختند و هر آموخته‌ای را بکار بستند و مصداق شایسته "الذین جاهدوافینا" شدند و چه هدایتی نصیبشان شد که وعده حق بود "لنهدینهم سبلنا"

فریاد بلندشان در سلولهای پلیدی و تباهی آمریکا و شاه و در زیرشکنجه‌های دست‌آموزان سیا و موساد و در میدان رگبارهای خائنانه، جاری گشت و دیوارهای بلند دژخیمان را فرو ریخت و در میان مردم منعکس شد.

ایمان و تقوی و آگاهی و مقاومت و جسارت انقلابی‌شان، طاغوتیان و در راس آنها، شاه دژخیم را بخشم آورد.

در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های مدرن آمریکائی ـ اسرائیلی، با فریادهای‌الله‌اکبر و مقاومت و استواری و ایثار چون "امت واحدی" ایستادند و سر خم نکردند.

دادگاههای رژیم را به محاکمه خود او مبدل ساختند، مردانه بانگ زدند "مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر آمریکا، مرگ بر رژیم شاه خائن" و دمی نهراسیدند.

سعید محسن

محمد حنیف نژاد

علی اصغر بدیع زادگان

رسول مشکین فام

محمود عسگری زاده

شهادت را با آغوش باز پذیرا بودند چرا که بروشنی می‌دیدند هر قطره خونی که براه و سبیل حق و الله و رهایی انسانها از قید و بندهای استکبار و استثمار بر زمین ریزد بارور خواهد شد و در نهایت چون سیل خروشانی لرزه بر بنیاد هرآنچه باطل است خواهد افکند.

می‌گفتند ما رفتنی هستیم اما راهمان ادامه خواهد یافت.

و راهشان ادامه یافت، خلق خروشید و فریادهای آنها را تکرار کرد: مرگ بر آمریکا مرگ بر شاه خائن و اینک باز در یکسو خلق و سوی دیگر امپریالیسم آمریکا و پایگاههای درونی‌اش و از همت بلند و اراده استوار شهیدان گلگون کفن خلق، مددی که پیکاری سخت سهمگین و پرمخاطره در پیش داریم.

جنبش تنباکو ...

بقیه از صفحه ۱

۵۰ سال حکومت ننگین ناصرالدین شاه تاریکترین صفحات تاریخ سیطره جابرانه شاهنشاهان را رقم زده است.

۵۰ سال‌خیانت و وطن فروشی وعیاشی، ۵۰ سال واگذاری امتیازات به بیگانگان، ۵۰ سال در خدمت استعمار روس و انگلیس و قلدری و خودکامگی‌و استبداد برای توده های مردم.

برای توده های مردمی که سالیان سال خشم خودرا از چپاول و غارت و استثمار حکام ولایات‌و شاهزادگان هرزه فرو خورده وچون باروتی آماده انفجار و همیشه نسبت به نفوذ بیگانگان باکینه مقدس و انقلابی‌نگریسته بودند، واگذاری امتیاز دیگری از سلسله امتیازاتی که پیاپی به دو قدرت سلطه گرو استعماری روس وانگلیس داده میشد و پادر میانی روحانیون مترقی و ضد استعمار شعله های خشم مردم را فروزانتر ساخت. مردم کوچه و بازار یکباره مسلح به انگیزه‌ائی شدند ـ امتیاز توتون و تنباکو که به‌امپراطوری‌استعمارگر انگلیس واگذار شده است باید ملغی شود.

یکبار در باره مسلح شدن مردم به انگیزه "صنایع نفت‌در سراسر ایران باید ملی شود" اشاره کردیم که اگر توده‌ائی به انگیزه‌ائی مسلح شد وانگیزه در دل‌و جانش‌نشست هیچ قدرتی را توان رویاروئی با آن توده نیست". و استعمارگران دیروز و جهانخواران امروز از این واقعیت بخوبی آگاهندواجرای طرح های ضد انگیزه‌ائی که در طول تاریخ بکرات تکرار شده است از همین واقعیت‌نشأت‌گرفته است.

مردم یکباره بر استبداد سلطنتی که با واگذاری امتیازات به بیگانگان به استثمار مضاعف توده ها پرداخته بود شوریدند و روحانیون مترقی هم رهبری توده را به عهده گرفتند.

میرزای شیرازی علیرغم نامه پراکنی‌های دربار ناصرالدین شاه فتوای تاریخی حرمت استعمال تنباکو و توتون را با قاطعیت درخور یک مرجع تقلید شیعی صادر کرد.

دربار ناصرالدین شاه چنانچه‌شیوه دیرین مستبدین است مقابله و آمادگی نظامی وجنگی را تدارک‌می بیند و مردم به گلوله بسته میشوند. مردم یک پارچه مقاومت میکنند جمعی از سربازان اردوی شاه ازگشودن آتش بروی برادران خواهران خود سرپیچی میکنند وهنگامه‌ائی بپا میشود.

دربار و اربابان بیگانه واستعمار گر وقتی این شیوه را کارساز نمی بینند و مقاومت و پایداری مردم هر لحظه بر هراس و تزلزل آنها می افزاید به خواستهای مردم گردن می نهند.

امتیاز واگذار شده به انگلیس لغو میشود. لغو امتیاز تنباکو که با اوج گیری مبارزات مردم عملی میشود. بعلت عدم آگاهی رهبران از ماهیت و توطئه های استعمارگران و عدم اعتقاد به مبارزه‌ای گسترده، و دراز مدت با استبداد سلطنتی و مطامع قدرتهای سلطه گر به حرکتی ضد انگیزه‌ای مبدل میشود. انگیزه مردم با لغو امتیاز تنباکو از آنان گرفته شده. و رهبران را بینش و یارای آن نیست که مردم را به انگیزه‌ای دیگر مسلح سازند.

پس بنابراین، حال که امتیاز تنباکو لغو شده است، حال که فتوی میرزای شیرازی تحقق یافته است، حال که دربار و انگلیس عقب نشینی کرده‌اند باید به زندگی پرداخت واین موفقیت‌را جشن گرفت.

رهبران به ضرورت تداوم حرکت مردم نیندیشیدند و خود را موفق یافتند، مردم بخانه های خویش بازگشتند و ناصرالدین شاه در ازاء لغو امتیاز تنباکو به پرداخت غرامتی‌معادل با ۵۰۰ هزار لیره بانگلیس متعهد شدواین مبلغ را با بهره‌ای معادل با ۶% از بانک شاهنشاهی که متعلق به انگلیسیها بود وام گرفت و دریغ و درد که کلیه درآمد گمرک جنوب ایران در گرو پرداخت اصل و بهره آن‌به‌ضمانت‌گذاشته شد. سیدجمال که خود از رهبران قاطع و موءثر این حرکت ضد استعماری بود فاجعه را باز گفت و فریاد زد که حرکت و جنبش تمام نشده است اگر لحظه‌ای‌غفلت کنیم، بار دیگر بر ماچیره خواهند شد. اما در قبال هشدارهای آن فریاد بیدار شرق جمعی که از آگاهی‌و قاطعیت انقلابی لازم برخوردار نبودند سکوت کردند ـ این درست است که حرکت خلق‌هرگز باز نایستاده و نخواهد ایستاد، فرزندان خلق تجربه های فراوانی از این حرکت ضد استعماری وضد استبدادی فرا گرفتند، اما سکوت و مماشات و عدم آگاهی و روشن بینی عده‌ای از رهبران، ناصرالدین شاه را فرصت دادتا فاجعه‌ای‌دیگر بر مردم ما تحمیل کند ـ او و استعمارگران انگلیس از توده های مردم انگیزه لغو امتیاز تنباکو را گرفتند وامتیاز ویرانگر دیگری به بیت‌المال توده های‌محروم تحمیل کردند.

بزرگداشت سالروز هجرت معلم انقلاب شریعتی

بنام خدا

روز پنج شنبه گذشته ۵۹/۲/۲۵ مراسمی از سوی هواداران جنبش مسلمانان مبارز در مشهد در تجلیل از معلم انقلاب دکتر شریعتی با سخنرانی برادرپیمان تحت عنوان" انقلاب فرهنگی از دیدگاه دکتر شریعتی" برگزار شد. مراسم که با شرکت عدهٔ کثیری از مردم مبارزمشهد جلوهٔ خاصی بخود گرفته بود با آیاتی از قرآن مجید و ترجمهٔ آن شروع و سپس با پیام جنبش مسلمانان مبارز به مناسبت یادوارهٔ هجرت معلم‌انقلاب ادامه یافت.

درقسمتی از این سخنرانی برادر پیمان نقش روشنفکر دردوران مشروطه و بعد از آن و جریان انحرافی‌متجددین وافکار غربی و لیبرالیشان را مورد بررسی قرار داده و جدائی از توده ها و آشنا نبودن روشنفکران به زبان مردم ونیز وجود مرز بندیهای جبری ونفوذ ناپذیر بین روشفنکر و مردم را آفت‌جان روشنفکران دانست‌و سپس‌از معلم شهید دکتر شریعتی بعنوان یک روشنفکر مردمی که به زبان توده سخن میگفت یاد کرد. برادر پیمان در مورد سوٴ استفاده از نام شریعتی همانند سوٴ استفاده از شخصیتها و نهضت‌ها و منابع دیگر چنین گفت" کسانی بودند که یک فرهنگ‌و طرز فکر و یک نهضت را میخواستند وسیلهٔ تاٴمین ثروت و قدرت بکنند و... این کاری است که در مورد شریعتی شده واگرمی بینید کسانی در گوشه وکنار از دکتر شریعتی تجلیل میکنند و بر ضد حرکت مکتبی و فکری او هستند تنها باین دلیل است که او در صحنه نیست آن وقت است که میتوانند فکر او را در قالب و عاری‌از محتوی واقعیش چون‌دکور و شعار بیروح بکار برند..."

این مراسم در ساعت ۸ بعد از ظهر پایان یافت. در این مراسم نمایشگاهی از طرحها و نوشته های معلم شهید دکتر شریعتی به مناسبت بزرگداشت هجرت وی تربیت داده شده بود.

انقلاب فرهنگی ...

بقیه از صفحه ۶

ج) خود کفایی درونی و برونی ـ در نظام آموزش اسلامی کلیه دانشجویان موظفند به تدریس در کلاسهای رده های پائین تر از خود بپردازند. این برنامه ضمن رفع مسئله کمبود معلم، ارتباط منظم دانشجویان وکسب تجارب مشترک را امکان پذیر میکند. در این نظام دانشجویان خود ادارهٔ امور مدرسه وامور فردی مانند تهیه غذا و نظافت را بعهده داشته و عملا" نظام‌را از نظر خدماتی بی‌نیاز میکنند.

علاوه بر آن کل این نظام درصدد تربیت عناصری است‌که بادرک نیازمندی‌های محیط از طریق ارتباط دائم با مردم (مثلا" تعطیل مدارس در ماههای رمضان و محرم (رفتن به روستاها برای کا رتبلیغی و تعلیمی) قادر باشند مشکلات جامعه را رفع نمایند.

بهمین دلیل توجه به نیازهای‌منطقه‌ای در برنامه ریزیهای آموزش نقش فوق العاده داشته و اساسا"آموزشها براساس امکانات محلی صورت میگرفته است. بعنوان مثال آموزش پزشکی گیاهان منطقه ملاک درمان افراد بوده است یا درآموزش حقوق عرف محلی سخت مورد توجه بوده است.

د)آموزش‌توده‌ای‌بجای نخبه‌گرایی‌ـ کلیه افرا دمردم حق استفاده از امکانات آموزشی را داشته اند. اسا می و شرح حال دانشمندان بزرگ نشان میدهد که آنان از میان روستاها و توده برخاسته‌اند. در صد بیسوادی در کشورهای اسلامی بسیار پائینتر از عصر جدید بوده واز آنجا که مدارس‌بعنوان محل آموزش و کسب فضایل انسانی محل تجمع توده مردم بوده است، آموزش عمومی مدارس درحقیقت نیازهای اولیه را برمی آورده است.

این نظام‌با همه پویائی خود طی زمان نسبتا" طولانی بشدت استحاله و به نظامی منجمد تبدیل گردیده است که علل این انجماد و شیوه نوآوری جدید در آن باید بررسی شود.

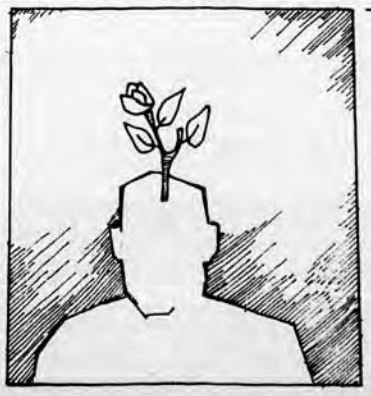

'هنگامهٔ بلندستیز'

کجاست مسلسل من؟
کجاست مسلسل تو؟
کجاست مسلسل ما؟
مردان جذبهٔ تکبیر
کجاست مسلسلتان؟
که در پیوند بازوان
بازوان کینه و فریاد
بازوان دشنه و پیکار
شعر مسلسل و باروت
تنها سرود دلهای همسرود
تواند بود.
روحم تهی است زرنگ تعلق
ای روحهای عاصی دوران
شمشیرتان کجاست
که در فرصت فلق
و با شیههٔ شهابی خورشید
فصلهای طغیان شیطان را
هجوم هماره بریم
و پرده های باطل
باطل به رنگ زر
باطل به رنگ زور
باطل به‌رنگ حیله‌وتزویررا
حق گونه بردریم
و آنگ که دست‌من...
به انتشار سپیدار
در باغ سرخ شهادت
در نیمه راه انقلاب!
شعرمقاومت سرخ میخواند
و به اتصال سپیده و روز
می پیوندد
ای دستهای ارغوانی ایثار
پیوندتان گسسته مباد
که دست خدا یاور جمع است *
و یار دستان مسلح است

* ـ یدالله مع الجماعه ـ

هموطنان مبارز

لطفا" وجوه نشریه امت وهمچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره۲۸۶۳ خیابان استادمطهری چهارراه‌مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.

متشکریم

خواهران‌وبرادران‌مبارزخارج‌ازکشور

برای ادامه نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هرچه زودتر پرداخت نمائید.

باتشکر ـ امورمالی و توزیع

هفته‌نامهٔ امت شماره ۵۷
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت
۱۳۵۹ سال دوم
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۴۸۳۱ ـ ۸۲۴۹۸۴